

تاریخ و جغرافیای

طالقان

تبرستان
www.tabarestan.info

و

سازمان اداری و اجتماعی حکومتهای محلی شمال ایران

بنام آنکه هستی جان از او یافت

پیشگفتار

باهمکاری شرکت سهامی انتشار
تلفن ۳۱۳۹۱۱

رسم براحت قرار گرفته است که بر هر اثری مقدمه ای نیز نگاشته شود
اما باید اعتراف کنم در این باره چیزی که بیان شود در نظر ندارم جزاینکه
بگوییم کاریست که ۱۸ سال پیش یعنی ده سال پس از آشنائی با مردمش آغاز
گردید... فته در من ایجاد علاقه برای مطالعه زندگی مردم و حوادث
۱۱.۱۱. نمود ناچرا که سال مدتی را بکمک دوستان یکرنسکو
بدی آنان بداخل دهستانها کشانده شدم و کم یادداشت‌هایی
تهیه گردید که قسمتی از آن انتشار یافت و مقداری نیز بصورت مجموعه‌ای که
اکنون در دست شماست درآمده است و امیدوارم بقیه آن نیز روزی در اختیار
عالقمدان قرار بگیرد.

۰۰۰

مباز، حسن صباح شهرت منطقه الموت را بپایه بلندی رسانید و
با غروب آن و شکست اسماعیلیه شهرت تاریخی الموت رو به افول گذاشت
و از آشیانه هفتم، جز نام و ویرانه هائی باقی تماند اما پیش‌رفت و شهرت
طالقان پس از اسازنم بواسطه کسانی است که نمی‌خواستند رنج بردنگی تازیان

این کتاب برمایه انتشارات اندیشه - کرج
در چاپخانه پیک ایران طبع رسید
ل حق چاپ محفوظ است

هزار - آبانماه ۱۳۴۸

و گردشکشان بعدی را قبول کنند و یا گرفتار زد خودرهای حکومتهای ملوك الطوايفي شمال ایران گرددند تا جایی که این منطقه کم مرکز تجمع مردمی برد باز و هوشیار و دلیر گردید و هنوز هم ساکنان آن پر کار و پر طاقتند و چهره هایشان حتی در مواردی که بکارهای سختی سرگرمند آرام و بی التهاب است. قائم و نسبت بهم مهر بازند اما اگر کینه ای در میان آنان ایجاد گردد هرگز فراموش نمی کنند حتی نسل بعدی نیز آنرا بخاطر می سپارد همیشه برای کارهای خود دلیل منطقی دارند و منطق آنان نیز در درجه اول مذهب سپس عرف و جامعه می باشد برای بعضی از آنان مذهب همه‌زندگی استور این دسته ای جزوی ارزشندگی است کمتر کسی در میان آنان دیده میشود که زندگیش از منصب جدا شده باشد این حداقل مجبورند با آن ظاهر نمایند. در عزاداری و مجلس آرائی ماهر ندکودکان بیش از مردان و مردان بیش از زنان بکارهای تفریحی دست می زندند زنانشان بیشتر از مردان پای بندستهای قدیمی اند در گفتگوهایشان ضرب المثل و آیات قرآنی و عبارات مذهبی تزیاد شنیده میشود. در کارزندگی دقیق و حسابگرند بندرت ممکن است دور و دور نگ باشند. زندگل و شادابند. آرامش آنان مانند عظمت کوه استولر و با بر جاست زود پشیمان نمی شوند چون خیلی زود بکاری دست نمی زندند و یا زود خود را گناهکار نمی بندارند و این امر نشانه غرور و احتیاط آن است. برای هرجیز افسانه و داستانی در نهن دارند این اقلالها و افتخالها از کوهها و چشمهای زیارتگاهها و درختها و تخته سنگها حتی عریدهای هلم گرفته است. این افسانه ها در آنان با تردید همراه نیست. بنی‌جبل ملکه کمی زنگ مذهبی داشته باشند نرمخوائی و مردم دارند آنقدر واقعیت که این شهر و دیوار خود دور میشوند بیشتر می گردد

اگر چه فرصت طلب نیستند اما از امکانات بنحو شایسته ای استفاده می کنند چون محتاط و میانه رومی باشند دیر تر تحولات زمان را قبول می کنند و بیشتر در باره آن می اندیشند و در موارد خاصی برای پیشرفت مقاصد و هدفها، مذهبی و اجتماعی و اخلاقی خود سخت کوشان وجدی می باشند. در طبل تاریخ بفرمان صاحبان زور و زرگردن نهاده اند بهمین جهت طبیعت پیرآن دسته ای باقی مانده است امدادستانهای را که از فساد رژیم ارباب رعایتی و نیازک الطوائفی سخن می گویند زیاد می دانند و برای آنان گاه دهندگان و قلعه ها و تخته سنگها و کوهها یاد کار این داستانهای دستگر جاهانی شیرین آن دختر قلعه گر اب است اگر برای مردم دهستانهای دستگر جاهانی مانند ۱۰۰ DOLAVARA (در اشکور سفلی) و بشکافته سنگ (در دیلمان) یادگار و حشت و بی خبری عمیقی است دختر قلعه برای مردم طالقان سهلی یک مبارزه دست گمعی و انسانی و دهقانی است.^۱

در تدوین مجموعه حاضر که از گذشته مردم این دهستان باشما سخن

۱- گویند در هنگام ساختن قلعه دختری بجای پدر پیر و ناتوانش بکار اجباری گمارده شد چون خبر داده شد مرد دیکه قلعه بدستور او ساخته می شود جهت سرکشی می آید دختر چادری بر سر گذاشت و روی خود پوشید دهقانان گفتند چرا چنین نمودی گفت من یک دخترم باید از مردان روی پیو شم گفتند مکرما مرد نیستم دختر جواب داد خیر اگر مرد بود دید می توانستید این ستمگر را از سر راه بردارید این سخن در شوندگان ایجاد هیجانی نمود و مرد ستمگر کشته شد قلعه نیمه تمام بنام آن روز دختر قلعه نامیده شد - این داستان و مانند آن در باره ای از دهستانهای دستگر نیز شنیده می شود و ضرب المثلهای هم بجای مانده که عموماً یادگار چنین اندیشه هایی است - رجوع شود بزبان و فرهنگ ماجبان تأییف مصطفی فرض پور ماجبانی و مانند آن.

تاریخ و جغرافیای طالقان

می‌گوید پیش از همه مدیون محبت‌های بیدریغ و راهنمایی‌های استاد ارجمند و محقق بزرگوار آقای دکتر منوجهر ستوده می‌باشد و برخود لازم میدانم که قبل از همه از لطف بی‌اندازه استاد تشكیر نمایم و اگر از همت بلندآقای سید محمد حسین میرابوالقاسمی که برمن منت نهاده و در تهیه بعضی از مطالب رنچ فراوانی را تقبل نموده و برچاپ و انتشار کتاب نظارت داشته‌اند سخنی نگویم نا سپاسی شده است و بجاست که از فدایکاری و دلسُتگی ایشان که در بسیاری از موارد مشوق من بوده است و همچنین از توجه بی‌جان افجمن پژوهشی گیل و دیلم با جان و دل سپاسگزاری نمایم.

۵۰۰

آخرین سخن تقاضائی است که باید در محضر خوانندگان داشتمند و علاقمند مطرح گردد و یکارنه هرگز ادعانی کند که توانسته است این مجموعه را جطور شایسته تقدیم دارد بلکه معترض است که بعلت دست یافتن به بسیاری از فرامین و اسناد تاریخی و شرح حال مشاهیر مربوط به طالقان باید بفضل خوانندگان امیدوار باشد تا بتواند با مطالعه آن فرامین و معارف و نوشتاهای خطی در چاپ‌های بعدی به تکمیل آن بکوشد.

سید محمد تقی میرابوالقاسمی

رشت دیمه ۱۳۴۸

جهش

خواهشمند است پیش از مطالعه اشتباهات چاپی زیر را
تصحیح فرمائید

درست	نادرست	صفحة	ستار
زنگی	زنده	۶	۱۴
موتا	مرتا	۸۹۷	۱۴۵۸۷
۴۰	۴	۹	۴
تعیشه	تهیشه	۱۰	۱
کنانه	کشانی	۵	۱
المزيل	المذیل	۱۶	۱
وهسودان	وهردان	۱۵	۱
گلبرد	گلرد	۱۴	۷
بقلعه	قلعه	۱۵	۱۵
کهنه	کهن	۱۷	۳
اعمامش	اعمالش	۲۲	۱۰
حکمنان	حکمران	۲۴	۴
-۳	-۱	۶۵	۷
شجره	سجره	۲۶	۵
علاه	علاسره	۲۸	۱۲
بحیر	بحیر	۲۸	۱۸
موکدا	موکد	۲۹	۱۰
الاختفاء	الاختصاء	۳۰	۱۵
بال فعل	باقفل	۲۲	۶
حسبی	حبسی	۲۶	۱
خطیره	خطیر	۲۶	۴
تسا	لسنا	۲۶	۸
برهینه	هینته	۲۶	۱۶
سجع	سجع	۳۰	۱۱
بلمعی		۳۰	۱۰
گوتینجن	گوتینجی	۲۷	۷
برز	بذر	۴۸	۹
۴۱ ص	۵۱ ص	۴۹	۲۲

فهرست مطالب کتاب

پیشگفتار - از صفحه پنجم تا هشت

بخش اول = تاریخ طالقان از صفحه ۱ تا ۴۵ - فهرست عکس‌های کتاب - حدائق از آغاز تا اسلام - طالقان از آغاز اسلام تا کشته شدن مازیار داعی کبیر و مرداری بین زیار در طالقان - اسماعیلیه در طالقان - طالقان در فرمان منول - طالقان در دوران کیائیه - متن و قلمروه سوهان - طالقان از زمان صفویه تا عصر حاضر - متن فرمان شاه طهماسب صفوی - متن فرمان شاه غلبان - منابع این بخش

بخش دوم = جغرافیای طالقان از صفحه ۴۵ تا ۷۹ - حدود و محل جغرافیائی طالقان - رودخانه‌ها و آب و هوای طالقان - آب رودخانه شاهرود و تاریخچه سد طالقان - آب و آبیاری در طالقان - آمار جمعیت و تمدد خانوار - آبادیهای طالقان - خصوصیات و ازههای جغرافی و معنای کلمه طالقان - منابع این بخش

بخش سوم = مشاهیر طالقان از صفحه ۸۰ تا ۱۱۰ - دانشمندان و معزز ... الحسن طالقانی - امیر الادب - ابراهیم معارف - حشمت طالقان - طالقانی - رضی الدین طالقانی - سائب بن جند طالقانی - عبدالمجید سعینی - شیخ علی تنہا - علی محمد طالقانی - علی بن صالح طالقانی - امیر طالقانی - آل احمد اور ازانی - مسیح کردی - محی الدین علوی - مولانا مرجانی - نظرعلی طالقانی - نیمای طالقانی - صنیع‌همایون - گروهی دیگر از مشاهیر طالقان - منابع این بخش

بخش چهارم = سازمان اداری و اجتماعی - حکومتهای محلی شمال ایران و زندگی عمومی مردم طالقان از صفحه ۱۱۱ تا ۱۶۴

زمین و مردم و حکمرانان - مردم و تشکیلات نظامی - راههای طالقان قلاع طالقان - گورها و بقدها - سرگرمیها و مشاغل مردم طالقان - زندگی زنان - زبان و آئین مردم طالقان - تعلیم و تربیت در طالقان - مردم طالقان و انقلاب مشروطه ایران - طالقان امروز - منابع این بخش .

حوالی و تعلیقات از صفحه ۱۶۵ تا آخر

دو فرمان دیگر در باره سیورسات سوهان - و ازههای مختلف طالقان

جلال آل احمد - غلط نامه - نقشه طالقان .

صفحه سطر	نادرست	درست
۵۱	جنوب	جنوب
۵۲	درجه	درجه
۵۳	سفیدرود	سفید
۵۴	باizen	بايزان
۵۵	طارم	خارطوم
۵۶	سدعائی	سدعائی
۵۷	این	دراین
۵۸	امیرنان	امرنان
۵۹	نردهان	نردهان
۶۰	فضل بن العباب	فضل العباب
۶۱	تلعمکری	قلعمکری
۶۲	شهرستان دشت	این شهرستان
۶۳	فرمان	وقنامه
۶۴	دهره	اهره
۶۵	آنرا	آنرا
۶۶	(دهانه‌غار)	(دعانه‌غار)
۶۷	وهو	وهو
۶۸	گورها	کورها
۶۹	تکیه‌ناوه	تکیه‌قاده
۷۰	کیاخورکیا	کیاخورکیا
۷۱	سایت	سیاست
۷۲	ویسیتری‌را	ویسیتری
۷۳	حزم	عزم
۷۴	شوی	سوی
۷۵	شیرویه	شیرونه
۷۶	سجستان	سجستان
۷۷	سیدحسنی	سیدحسن
۷۸	جدوجهد	جهوجه
۷۹	آیک	ایک
۸۰	فونی	فونی

توضیح: پاوین، صفحه ۸۷ زاید می‌باشد.

فهرست عکس‌های کتاب

- ۱- دهکده دیلمان ص ۷
- ۲- برج گرمادار ص ۱۷
- ۳- برج امام (بضم الف) ص ۱۹
- ۴- خرابه‌های قلعه هر نج و یکی از آثارهای ویرانش آن ص ۲۰
- ۵- پیغمبار طبیعی - واقع در مزرعه خودکاروند
- ۶- حاج سید ابوالحسن طالقانی ص ۸۵
- ۷- نمونه خط امیرالادبا ص ۸۶
- ۸- میرزا ابراهیم باگرمهی از آزادیخواهان در زندان باغشاه ص ۸۹
- ۹- ذکر حشمت ص ۹۱
- ۱۰- میرزا کوچکخان و ذکر حشمت ص ۹۳
- ۱۱- علی سوهاقی ص ۹۲
- ۱۲- سید معین الدین علوی ص ۱۰۲
- ۱۳- هزار ملاتیما ص ۱۰۵
- ۱۴- نمونه‌ای از وسائل جنگی آن زمان ص ۱۱۷
- ۱۵- مقصیری در کتند و زنجیرس ۱۱۹
- ۱۶- پلی بر روی رودخانه شاهرود ص ۱۲۱
- ۱۷- گته ده ص ۱۲۲
- ۱۸- زیدشت ص ۱۲۳
- ۱۹- دختر قلمه ۱۲۶
- ۲۰- قسمتی از دیوار قلمه هر نج ۱۲۷
- ۲۱- جامی کتنه شده از سنگ ۱۲۹
- ۲۲- گلبرد ۱۲۹
- ۲۳- اسکول دیران دده ص ۱۳۰
- ۲۴- بر جی گز رودخان فومن ص ۱۳۳
- ۲۵- گروهی از روحانیون و آزادیخواهان ص ۱۴۹
- ۲۶- هیمان نامه ایاعضاه انجمن طالقانیها ص ۱۵۲

بخش اول تاریخ طالقان

طالقان از آغاز تا اسلام

هزاران سال پیش یکدسته از مردم فقیر اما نیرومند و دلیر در نواحی شمال ایران سکونت گردیدند و این عده که در نوشته های مورخین مارد یا امارد نامیده می شوند ابتداء در اکثر کشور های آسیای باختری پراکنده بودند و بتدریج در اثر فشار قبایل مختلف در منطقه ای متمرکز گردیدند.^۱

از وضع زندگی و اوضاع اجتماعی و دینی این گروه اطلاعات دقیقی در دست نیست و همینقدر معلوم است که قومی چادر نشین و بیبانگ دیدند و در درون غارها و شکاف کوهها زندگی مینمودند و غذای آنان از گوشت حیوانات تأمین می گردید.

پیر نیا بنقل از کنت کورث می نویسد که زنان آنان قادر صفاتی می باشند که از خصائص زنهاست یعنی ظرافت و لطافت ندارند ولباس آنان تا زانو نمی بینند همچنان راست ایستاده است و فلاخنی برسردارند که نیز دست و هم اسلحه آنهاست.^۲

۱ - ج اول ص ۲۷۸

۲ - ایران باستان ص ۱۴۲۶

بعضی از مورخین سه طایفه مشهور دیگر یعنی طایفه تپوری و گل و کادوزی یا کادوسی راشبهای از مردم میدانند. دسته‌ای نیز کادوزیها را از اعقاب طایفه گیل می‌پنداشند.^۱

این گروه از اوایل قرن ششم قبل از میلاد استقلال داشته و از هیچیک از پادشاهان جه قبل از اسلام و چه بعد از آن بیرون ننمودند.^۲

حدود سرزمین آنها از خاور بگران و استان خراسان و از شمال بدریای خزر و از باختر بلنگران و از جنوب خاوری بستان و دامغان و بسطام و از جنوب باختری بقزوین (کسبین) محدود می‌گردید.^۳

بعضی از مورخین حوزه زندگی مردانه در گیلان زندگی می‌کردند مازندران مسكونت داشتند و کادوزیان که در گیلان زندگی می‌کردند تعیین می‌نمایند.

با توجه به حدود زندگی مردانه و اینکه سفیدرود رانیز در قدیم اما رد می‌نایدند^۴ می‌توان گفت تاریخ طالقان از حوادث زندگی این قوم جدا نبوده و در هر حال مطالعه در زندگی مردانها مطالعه در اوضاع وحوادث تاریخی و مذهبی و اجتماعی مردم این منطقه نیز می‌باشد.

از مجموع نگارشات مورخین پیداست که طالقان از زمان اسکندر (۳۳۰ ق.م.) تا دوران سلطنت قباد (۴۹۶ م) در دست خاندان جشنفس بوده است و در تاریخ نامه ترسیم جشنفس شاه و شاهزاده طبرستان و فرشوار گرا

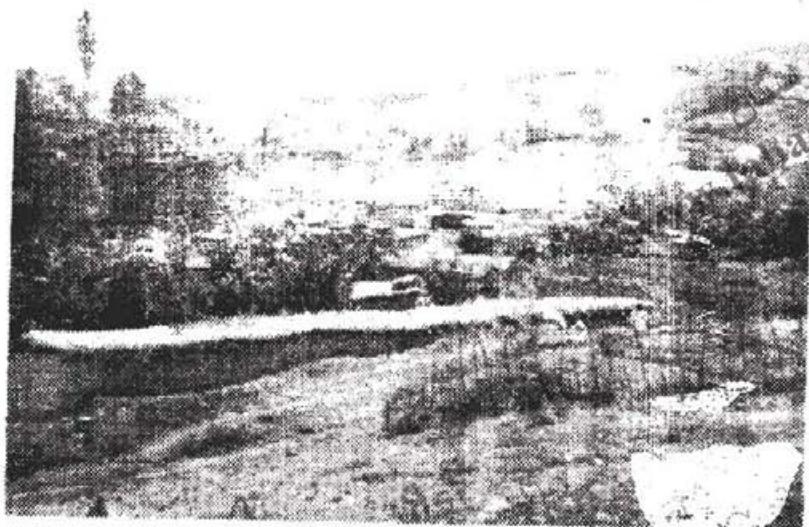
۱- تاریخ گیلان ص ۱۴

۲- تاریخ گیلان ص ۱۵

۳- تاریخ طبرستان بر ذکر ج ۱ ص ۱

۴- ایران باستان ص ۱۵۷ - التدوین اعتماد السلطنه ص ۲۹ - تذکر جغرافیای تاریخی ایران ص ۲۸۲ - انواعیا ص ۲۰

(گیلان و دیلمان و رویان و دماوند) نامیده می‌شود^۱ و پس از انفراط آل جشنفس کیوس (کیوش) پسر بزرگ قباد بحکومت این ولایات منصب گردید و پس از آنکه کیوس بدست برادرش انسو شیروان کشته گردید



دهکده دیلمان یادآور دلبریها و مردانگیهای گذشته فرمانروانی این ناحیه بال قارن یاسو خرایان داده شد.^۲

در سال ۲۲ هجری یعنی پس از گسته شدن رشته استقلال ایران از دیلمان مردی بنام مرتا (مورتا) رای راندن تازیان بسانعیم بن مقرن بجنگ برداخت ولی مرتا پس از نبرد سختی شکست خورده و کشته شد تازیان ری و قزوین را کشودند اما از حدود قزوین خارج نگشته آنجارا

۱- نامه تنسر ص ۵ - تاریخ رویان ۳۰ - مازندران و استر آباد ص ۱۸۷

۲- تاریخ رویان ص ۲۴ - التدوین اعتماد السلطنه ص ۷۹ - مازندران و استر آباد ص ۱۷۹

تاریخ طالقان

برسم دوره ساسایان ساخلوگاه خود ساختند^۱ همینکه امپراطوری اسلام دچار دودستگی گردید و جنگ جمل وصفین پیش آمد دیالله از کوهستان خود بست قروین هجوم آوردند تازیان را از آن نواحی پیرون کردند^۲ بنی امیه سپس بنی عباس لشکریانی بسوی دیالله و بخشی‌ای مختلف طبرستان که عبارت بودند از رویان (طالقان در بخش جنوی رویان فراداشت) . مازندران . رستمداد . فرشادگر-فیروزکوه قصران (شمیرانات و لواسانات) دعاوند فرستادند. این جنگها ساکنین اطراف دریای خزر را زودتر تسليم اعراب نمود و در سال ۲۲ هجری مردم مازندران بختور و قدمیر فرخان اصفهانی اصفهان طبرستان با تازیان^۳ سلح نمودند و بد خواست آنان (اسلام یا جزیه) گردن نهادند^۴ اما آنایکه در دشت کوههای البرز زندگی مینمودند تازیان را بسر زمین خود راه ندادند.

طالقان از آغاز اسلام تا کشته شدن مازیار

در هنگام حمله تازیان بایران و بعد از آخرین نبرد آنان با مرتا که از لحاظ غلظت و سازوی برگ جنگی بی‌شباهت بجنگهای آنان در نهادند وغیره نبود سرتاسر طبرستان در قلمرو دو خانواره مقنن ایرانی یعنی آل فارن و ملوك گاویاره بوده است و در آغاز حمله عرب نفوذ ندادیان(آل فارن)

طالقان از آغاز اسلام

بر ناحیه کوهستانی بدست گیل گاوباره سرسلسله ملوك گاوباره بخصوص از رویان کوتاه گردید و گیل گاوباره که بدون جنگ وستیز پادشاهی طبرستان و گیلان رسیده بود رویان را ضمیمه گیلان که مقر فرمانروائی بود مینماید.
پس از هر گیل گاوباره یعنی از سال ۴ هجری این سلسله بدشنبه دوسپان تقسیم می‌گردد و قلمرو پسرنوم گیل (پادوسپان) کجور-لاریجان بوده است. جنگ وستیز ماوک گاوباره(آل پادوسپان) از زمان منصور آغاز گردید و در سال ۱۴۱ ه. اسپهید خورشید اسلسله دا بهید عده زیادی از اعراب را بقتل رسانید^۵. یعقوبی می‌نویسد: در دوره منصور خلیفه عباسی مردم طالقان سرشورش برداشتند خلیفه عمر بن علا را بسوی طالقان فرستاد و او پس از کشودن طالقان و دعاوند و دیلان بسوی طبرستان رفت.

تا آنکه آل فارن بسر کردگی و نداد هرمز با همراهی پادوسپان و ملوك باوند^۶ بیشوائی مبارزه علیه اعراب را بعهده گرفت و در سال ۱۶۹

۱- ک متمن سن می‌نویسد: حدود حکمرانی این فرمادن و ایان بنابر مصالح وقت بزرگ کوچک میشند در اغلب موارد جنبه لشکری مرزبانان بر جنبه کشوری آنان روحان داشته است (ایران در دوره ساسایان ص ۸۶)
۲- دو قرن سکوت ص ۱۶۲ - مازندران: عباس شایان ص ۱۷۷
۳- مؤلف تاریخ منصوری محمد بن علی الحموی ضمن بیان حوادث سال ۱۵۸ آنرا ذکر عین مساید نسخه عکسی ص ۹۲ - یعقوبی چاپ مصر ج ۲ ص ۱۰۰ - شهریاران گمنام ج ۱ ص ۱۴ - دو قرن سکوت ص ۱۶۱

۴- یکی از معروفترین حکمرانان آل باوند اسپهید شهریار است که داستان ملاقات فردوسی را با ولی ظالمی عروضی و دیگر مورخین نکاشته‌اند. یهقی نیز ضمن اشاره باینموضع می‌نویسد که چون فردوسی از غزنین گریخت بطور رفت و اذ آنجا برستمداد و طالقان شافت. چهار مقاله عروضی ص ۷۰ و ۷۱ در پیرامون، تاریخ یهقی ج ۱ ص ۲۸۳

۱- شهریاران گفتمان ج ۱ ص ۹۶

۲- الشیعی امام راضی سخنه عکسی کتابخانه ملی تهران ص ۴

۳- ترجمه کلاریخ طبری ص ۳۲۸

۴- چون ملکه زنده گانی لشکریب همواره بتاخت و تاز و چپاول و تاراج ملل همچو ایشان بوده است آنقدر اقلاییات می‌نامیدند (صد مقاله میرزا آقاخان کرمانی سخنه خطی ص ۲۲)

با قتل عام تمام نمایندگان و فرستادگان خلفاً حدود گیلان تا تهیشه را از سلطنت نازیمان بجات دادند و در این مبارزه که زنان نیز شرکت داشته‌اند در رویان ۱۵۰۰ نفر کشته شد.^۱

بس از اینواقعه منطقه کوهستانی طبرستان مخالفین سیاست اعراب و خلقی عباسی را بسوی خود جلب نمود و شخصیتین کسیکه بسوی آن کشانی شد و کارش نیز در طالقان بالاگرفت یحیی بن عبد الله بن حسن بن ایطاب است که در زمان هارون و در سال ۱۷۶ بسوی طبرستان گریخت و مردم دلمان با او گزویدند تا هارون، فضل بن یحیی غروره باشد که را بطبستان فرستاد. فضل یحیی را در طالقان ملاقات کرد^۲ و او را باعوان نامه‌ای که هارون برایش فرستاد بود اطمینان داد و با خود به بغداد برد، اما هارون نخست قتوای نقض امان نامه‌را خواست و آنگاه یحیی را که بزندان افکنده بود بکشت^۳، حادنه طالقان و مرک یحیی تأثر عمومی را برانگیخت. مروان بن ای حفصه گوید:

و فال طالقان یعنی کنز
سیأتنا به الدعر المندیل
و کنز طالقان له زمیل

یعنی کفنه‌اند در طالقان گنجی است که بدمست ما خواهد رسید
اگر که روزگار پقدربوزگی با یحیی فرار سیده گنج طالقان را نیز همراه

۱- ابن استهیار س ۱۸۹ تا ۱۸۴ - تاریخ رویان س ۴۶ - تاریخ مازندران س ۱۹۸ تا ۲۰۳ - التبعین س ۲۹ تا ۸۱ - مجله هوخت سال ۱۳۳۶ - دوقرن سکوت ص ۲۲۳

۲- تاریخ طبری قسمت دهم ص ۵۴ - نزل الفضل بطالقان الری و دشتبی
۳- تاریخ الامم والملوک قسمت هشتم ص ۵۳ و ۵۵ - جغرافیای طالقان ص ۴۳
مقاتل الطالبین ص ۱۶۳

با یحیی برای آنان آورده است.^۱

ابر عرج می‌نویسد: پس از آنکه هارون خاندان بر امکه را برانداخت روزی یکی از کنیزان آنها را که دنایر نام داشت خواست تا با آواز گرم و داشتن خوش‌آسباب مسرت خلیفه ملازمانش گردد دنایر که از انجام امر خلیفه سر باز زده بود، مدت‌ها مورد آزار و شکنجه فرار گرفت و طی سر انجام روزی چنگ را برداشت و چنین خواند:

تبلي مغاري الناس الاغزوة	بالطالقان جديدة الايام
تبقي بقاء الحل والاحرام	ولقد فتوه الفضل بن يحيى غرفة
كادت تزيد رواسي الاسلام	ولقد همشت الفاطمي على النبي
المباشمي امام كل امام	وخلعت كفر الطالقان هدية
تمام حنگباگرید آور است جز چنگ جدید طالقان که فضل بن یحیی در آن رزمی کرد که تا حال و حرام باقیست یاد آن در ذهن هاست ای فضل توفاطی (و تصویر یحیی بن عبدالله است) را مقبه و زدن را خلاص کردی.	یحیی که تزدیک بود دعائیم اسلام را از جا نشاند و نابود سازد و از کفر طالقان هدید برای هاشمی (هارون) که پیشوای پیشوایان است ترتیب و تقدیم نمودی (یعنی طالقان را برای خلیفه گرفتی) دنایر پس از خواندن این اشعار یهوش شد، هارون نیز منقلب گردید و اندکی بگریست و چون بار دیگر بعدن، امکه برداخت هارون او را از قصر بیرون نمود. دنایر که از مدتها پیش بود علاقه خلیفه بود و حتی این موضوع موجبات خشم زیبدیه هم راهم ساخته بود ^۲ پس از این واقعه بفضله کوتاهی از دنایا

۱- مقاتل الطالبین ص ۱۶۳ و ترجمه جلد دوم آن ص ۵۰۵

۲- تاریخ تمدن اسلام ج ۵ ص ۳۲

داعی کبیر و مرداویج بن زیار در طالقان افتخار عباسیان و کشته شدن امام هفتم و امام هشتم شیعیان موجب پراکندگی علوبیان بر بستان گردید. مؤلف تاریخ رویان می نویسد: آوازه ولايت عهدی امام رضاسادات را بسوی ری و نواحی عراق و قومس کشانید و چون سن از پیشتن خبر شهادت آنحضرت با آنان رسید ناچار بکوههای دیلمان و بلدهستان روی نهادند و چون اصهپید از مازندران و ملوک باوند از قدیم الایام متین بودند و قلمرو آنان پناهگاه خوبی محسوب می گردید روز بروز بر تعداد پناهندگان افزوده میشد. این فراریان رفتار فتنه اعتبار و اهمیت فوق العاده‌ای ییدا کردند بطوریکه در هنگام دفع ظلم و ستم حکمرانان محبی و مقابله با سپاهیان دشمن از میان سادات شخصی را که شایسته‌تر می داشتند انتخاب نموده وبکمک او خود را از شر دشمن نجات سی جنائیکه در عهد محمد بن اوس باداعی کبیر حسن بن زیدالحق ^۱ پسان گردیده و حکومتش را پذیرفته و او اول سید است که بر طبرستان ^۲ مسلط شد و مدت ۲۰ سال بر این نواحی حکومت نمود.^۳

اشکر داعی بکمک جستان و هردان چهارمین بادشاه ساسله جستانیان چند بار بمحبت فروین وری حمله نمود و چون داعی کبیر در سال ۲۷۰

۱- تاریخ رویان اولیاء الله آمای چاپ تهران ص ۵۹ تا ۶۳ والندوین ص ۴۸۶ و ۴۷
بارتلد می نویسد: شیوع دین اسلام در قسمی از منطقه گیلان و مازندران با یک نهضت دموکراسی مربوط بود و داعی در رأس اهالی چالوس و شهر سر حدی کلار علیه طاهریان بدآنجهت کمی خواستند اراضی با پیری را که تا آن زمان مورد استفاده ^۴ دادند و صاحبی نداشت بنفع خود ضبط کنند قرار گرفت - تذکره جغرافیای تاریخی ایران ص ۲۸۶

در تاریخ منصوری از جمله مهمترین وقایع سال ۱۸۳ کشته مسلمین بدست مردم خزر دینه میشود.^۵ این پیکار که همواره ادامه داشت و گاه اطلاعات پراکنده‌ای از آن به اعیر مسد در زمان مازیار رنگ مذهبی گرفت و آنان با پوشیدن جامه‌های سپید^۶ در مقابل اعراب که جامه‌های سیاه میپوشیدند خود را سید جامگان و سپیدینان و تازیان را سیه جامگان و سیعینان میخواهند.^۷

و در مال ۲۲۴ هـ سر تاصر کوهستان مازیار که در حدود دو قرن صورت حقیقتی در برابر اعراب خود نمائی مینمود از هر طرف محاصره گردید و حلقه‌ای قبل از آنکه فرمانده سپاه رویان با اوی برخورد نماید دستگلر و رواة بخدا گردید.^۸

۱- معجم البلدان ج ۳- س ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳ - جغرافیای قدیم و جدید طالقان ص ۳۰۴، ۴۰۵ -

۲- تاریخ منصوری نسخه عکس ص ۹۷

۳- حمد الله مستوفی می نویسد: که آنان جامه‌های سرخ می‌پوشیدند - تاریخ گزیده ص ۳۲۰

۴- سپید جامگان از جمله فرقه‌های منتهی ایران و پیروان این مقتمع می‌باشند - ضمیمه ملل و نحل شهرستانی ص ۳۳

۵- باید گفته باشکست مازیار اعراب بر سر تاصر طبرستان سلطانیافته و پیرای استقلال طلبان دیگر آمیدی برآورد این اعراب باقی نمانده بود - شرح حال مازیار رجوع هود ^۹ مذکور ص ۷۹ تا ۸۳ - مازندران ج ۱ ص ۱۶۸ و ۱۷۵ تا ۱۹۸ تا ۲۰۰ مذکور صافی حرامیه مازنارموج (منظوم) - تاریخ تبرستان مرعشی ص ۱۱۴ تا ۱۱۵ - تاریخ تبرستان این اسفندیار ص ۲۰۶ و ۹۰ تا ۲۲۱ - تاریخ تبرستان بزرگ ^{۱۰} ص ۱۳۹ تا ۱۴۰ - دو قرن سکوت از ۲۵۹ تا ۲۶۹ - بیان ادبیات ^{۱۱} (حوالی و تعلیقات) ص ۲۳۵ به بعد

ابوعلی محمد بن الحسن بن ناصر الحق بود بر مانند خروج شرد و جند نوبت بین العانین محاربه واقع گردید و سرانجام هاکان که از طرف امیر نصر سامانی حکومت گرگان منصب شد، بود، بطرف خراسان گریخت و اسفار بر مسند اقبال نشد.^۱

^۱ میان اسفار و مرداویج مخالفت ایجاد گردید مرداویج بقرویان معد مردم قزوین را بواسطه آنکه عامل اوراکشته بودند بسیار بسلفت امنی قزوین از خانه و زندگی دست کشیده باطراف پناه بردنده چون ماکان لذکشتر مردم قزوین خبردار شد براو تاخت. اسفار خواست خود را ^{۱۱۰} برساند اما شکریان مرداویج در طالقان وی را محاصره کرده و در همانجا گردن زدند^۲ و مرداویج که بعدها حکم ری و قزوین و همدان - کنگور و دینور و بروجرد و قم و کاشان و اصفهان و گلپایگان و طبرستان و گرگان گردید^۳ دیلمان و روبار و طالقان و مستدار را فتح کرد.^۴

اسمعیلیه در طالقان

حسن بن علی بن محمد که در شهر ری بدنی آمده بود بعدها به حسن صباح معروف گردیده بود^۵ در چهارشنبه ششم رجب ۴۸۳ قلعه الموت دست یافت و علوی مهدی را که از طرف هلاکشاه در آنجا بود بیرون و خود صاحب اختریار قلعه گردید^۶ چون کار دعوت حسن فاش گردید

۱- حبیب السیر جلد دوم ص ۴۲۲

۲- تبرستان مرعشی ص ۱۷۵

۳- سعجم الانساب والاسرات الحاکمة فی الماریع الایلامی حاب قاهره ص ۷۲

۴- تاریخ گزیده چاپ لیدن ص ۴۱۴

۵- هشت مقاله تاریخی ص ۲۰۰

۶- فصلی ارجامی التواریخ ص ۱۰

فوت می‌کند برادرش محمد بن زیدالحسنی جانشین وی گردید جستان بیعت اورا پذیرفت و این امر باعث گردید که رافع بن هرثمه در سال ۲۷۶ بتحریک رستم بن فارن آهنگ جنگ با محمدرا نماید رافع از راه جالوس طالقان رفت و در نخستین روز ماه صفر سال ۲۷۸ ه در طالقان بجستان رسید و در آنجا قتل و غارت^۷ بادی نمود غلات و درختان را آتش زد و قلعه گلکیا^۸ را که در دست یکی از سران دیلمی بود بکشود تا جستان با او عهد کرده بمحمد کمک نکند، رافع بس از بیان کار چستان و محمد از رام طالقان و قزوین بری رفت.^۹

آخرین نفر این سلسله حسن بن قاسم است که در سال ۳۱۶ بدست اسفار کشته شد و در ۲۶ ذی قعده همان سال اسفار نیز بدست مرداویج در طالقان بقتل رسید^{۱۰} و شرح واقعه را مرعشی و مؤلف کتاب حبیب السر اینطور می‌نگارد.

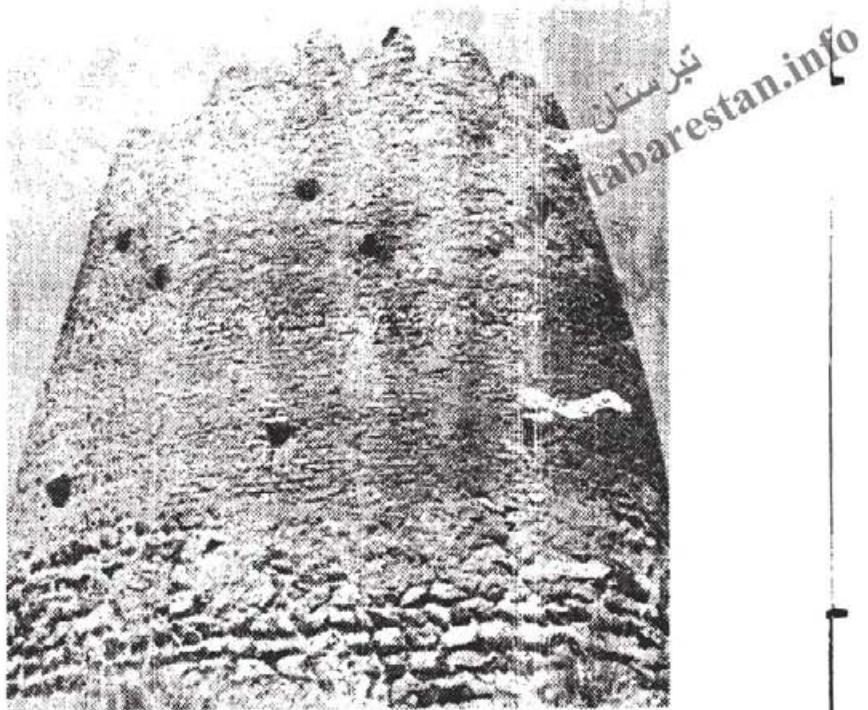
در سال ۳۱۲ که سیدابوالقاسم جعفر بن ناصر الحق در گیلان وفات یافت ماکان بن کاکی با نیزه دختری خود اسماعیل بن ابوالقاسم بیعت کرد و بر حدود طبرستان استیلا یافت. اسفار بن شیرویه که از جمله ارکان دولت ۱- محل قلعه گلکیا مانند بسیاری از قلعه تاریخی طالقان شناخته نشده است و ممکن است جایگاه آن در محل دهکده فلی گلرد (گلیار) - گل بورت (گلیار) که شامت اسمی این آن دیشه را قوت می‌دهد بوده باشد و باسکنان قلعه پس از ویرانی آن به آنجا آمده و با برای مدتی در آنجا بوده‌اند.

۲- تاریخ تبرستان ابن اسفندیار چاپ تهران ص ۲۵۳ - ۲۵۴ - تاریخ درویان ص ۲۲ - تاریخ تبرستان ظهیر الدین چاپ تهران ص ۲۱۱ - تاریخ تبرستان برزگر چ ۱۶۶ ص ۳

۳- تاریخ تبرستان ابن اسفندیار ص ۲۹۳ و میر ظهیر الدین چاپ تهران من ۱۲۳ - هشتاد و دو کتاب قتل اسفار در ۳۱۹ ثبت گردیده است وحوادث بعدی نیز آنرا تأیید نمایند.

ملکشاه ارسلانشا را در سال ۴۸۵ بالشکری بدفع حسن فرستاد. حسن از دهدار ابوعلی اردستانی رئیس فرقه اسماعیلیه قزوین استعداد نمود. بوعلی از طالقان وری سیصد مرد بکمکش فرستاد و این عده خود را به الموت رسانیده و با دستیاری مردم روبدار بر سپاه ارسلانشا شبیخون زدند.^۱

بعد از مرگ ملکشاه و کشته شدن نظام الملک پسر زعفرانی مقی و عالم ری با ده هزار نفر طالقان آمد و با هزار نفر از پیروان حسن در روزی کشنه پنجم دیع الاول سال ۴۸۶ در شهر کطالقان روبرو گردید و پس از بیکار سخت لشکریانش شکست خورده و گروهی خود را برودا فکنده و در این جنگ شش هزار نفر بقتل رسید. پیروان حسن بقوین رفته به خلدر را بتصرف درآوردند و در طالقان لشکری را که بقصد آنان آماده شده بود برآکنده ساختند اما علی نوشتکین نامی با لشکریان خود اسماعیلیه را شکست داد و پس از کشتن شمشیر زن در فالیس^۲ طالقان مقام کرد^۳ و در جمادی الاولی سال ۵۰۰ سلطان محمد قارن بن شهریار پادشاه طبرستان را با سپاهی سکمک علی نوشتکین برای جنگ بار فیلان فرستاد ولی این عده در روبدار شکست خورده طالقان به شکار دز^۴ و فالیس رفتند پیروان حسن علی نوشتکین را از دزبزیر آوردند.^۵ در سال ۵۶۱ لشکری از طرف سلطان محمد برای حسک^۶ باقی داشت آن آماده گردید اما در حین محاصمه موجنگ محمد بعارضه



برج گرمادر که بر جای گاه کهن قرار گرفته است

زیاد گشته و بر سرائی و آذربایجان و خراسان و هزار دران رستمدار^۷ و ساوه و گیه^۸ (ام) تسلط را فتد.

۱- در سـ. آنـانـ کـجـورـ وـنـدـانـ وـلـانـزـنـ وـدـیـلـمـ وـطـالـقـانـ بـودـهـاستـ.
۲- در دهستان سـ. اـطـارـافـ آـنـ آـنـارـ وـ وـیرـ اـزـمـایـ باـزـمـانـهـ اـزـ رـوزـ کـارـ پـیـشـینـ فـرـ اوـانـ دـیدـهـ مـوـشـیـهـ. آـنـهـمـهـ دـایـ اـزـ آـنـ هـقـبـهـ. آـنـدـانـ کـیـاـیـهـ وـ خـرـابـهـایـ شـهـرـ

۱- تاریخ جهانگشاس ۱۱۰ - تاریخ گزیده ص ۵۱۹ - فصلی از جامع التواریخ

۲- هشت مقاله تاریخی ص ۲۱۶

۳- محل قلمه شناخته نشده است

۴- فصلی از جامع التواریخ ص ۲۶ ، ۲۷

۵- جای قلمه شناخته نشده است

۶- فصلی از جامع التواریخ ص ۴۴ - ۴۵

تاریخ طالقان

در شب چهارشنبه ششم ماه ربیع الآخر سال ۵۱۸ حسن صباح پس از چند روز بیماری فوت می‌کند و بعد از ۳۸ سال قلعه نشینی زندگی پر ماجراي او خاتمه می‌يابد. در شبان ۵۲۰ تمطرغان و بر نقش با حشم ری طالقان آمدند تمطرغان در شهر لک گرفتار گشت و بر نقش نیز با هفتاد تر ک در شیر بشم بقتل رسید. در سال ۵۲۱ کیانوشاد باعده‌ای اسماعیلیه به طالقان رفت و قلعه

سماوه برجهای امام‌وگر ماوراء است. برج امام که در میان اهالی به برج خیر معروف است و در کنار مزرعه صومعه سرا قرار دارد دارای مشخصات زیراست :

۱- بلندی برج ۶۵ متر ۲- ضخامت دیوار ۱۲۵ سانتی متر
۳- پیرامون خارجی ۱۴ متر ۴- قطر ۲ متر ۵- شکل استوانه‌ای
صالح آن سنگ و آهک و ماسه بوده و تصور میرود که برج دارای طبقات مختلف و
مخروطی شکل و بلندتر بوده است که اینک در اثر ریزش شکل مخروطی خود را
از دست داده است و سنگهای پراکنده اطراف برج آنرا تأیید می‌کند. دهکده
گماور عمالکو که در سردار حسن از دیلان بالموت قرار داشته است دارای برج
نیمه جدیدیست که بر روی تخته سنگی قرار دارد. این برج اگرچه چندان قدیمی
نیست اما آثاری که در اطراف آن دیده می‌شود از گذشته دوری حکایت می‌کند در
فاصله ۱۶ متری برج حوض سنگی با مشخصات زیر دیده می‌شود:

۱- طول ۲/۵ متر ۲- عرض ۱/۷۵ متر ۳- بلندی فعلی در حدود ۲ متر
حوض سنگی دیگر که فاصله اش کمی بیشتر است یا مشخصات زیر قرار دارد:
۱- طول ۵/۵ متر ۲- عرض ۳/۴ متر ۳- بلندی فعلی در حدود ۵/۵ متر. حوض سنگی دیگری نبزد آنجاست که دارای مشخصات زیر است:
۱- طول ۰/۷۵ متر ۲- عرض ۰/۲ متر ۳- بلندی فعلی در حدود ۰/۸۰ سانتی متر
مشخصات برج عبارتند از : ۱- بلندی ۵ متر ۲- قطر ۳/۵ متر
۳- ضخامت دیواره ۱ متر ۴- خصوصیات دیگر آن مانند برج امام است.
حوضها چون در سنگ کنده شده‌اند باسطح تخته سنگی که برج و حوضها در آن
قرار دارد مساوی است و در مصالح برج غیر از سنگ کمی چوب و آجر پنهان نبزد
بکار رفته است. در مقابل برج ستون سنگی مرتفعی وجود دارد. برج و ستون سنگی
در طرفین راماله و مردم گماور چهار کوه و ترارق ادارد.



برج امام یا عیل خبر در کنارده کده امام

پیروان حسن تاسال ۶۵۱ در نواحی مختلف کوههای طالقان والموت و روبار حدود ۵۰ قلعه مستحکم در اختیار داشته‌اند^۱ و بدین ترتیب برای مدت بیش از یک قرن طالقان در قلمرو مبارزات فکری و نظامی

۱- فصلی از جامع التواریخ ص ۵۴ تا ۵۹

۲- تاریخ منقول ص ۱۷۱ - تاریخ ادبیات - فاج ص ۲

طالقان در زمان مغول و پس از آن

فرستاد و این عده پس از فتح طارم و روبار بپای قلعه منصوریه و آلسین (البسين) رسیدند و ۱۸ روز بکشت و کشتار پرداختند^۱ در نیمه شعبان سال ۶۵۳^۲ سوپای مختلف لشکریان هلاکو بسوی الموت حرکت نمودند آف

گه هر ری که در اختیار داشت از ییسلکله دز (فشکلدره) بطاقان وارد ولنایلاف جبهت جریان آب بطرف بالارفته و لشکریان کرمان ویزد تکد فازع الهشین و منصوریه و چند قلعه دیگر را در محاصره داشته اند تقویت کرد و خود از راه هزار چم برآه افتاد^۳. رشید الدین می نویسد هلاکتو چند بار بوسیله رسولان خود رکن الدین را به تسليم دعوت کرد ولی مفید واقع نکردید تا آنکه روزهای شوال ۶۵۴^۴ از اسکانه بسوی طالقان حرکت نمود و سرحد ولايت ایشان رسید^۵.

عظامک جوینی می نویسد چون در ناحیه طالقان هر کب پادشاه نزول نمود قلاع آن ناحیه را چون البسين و منصوریه و چند قلعه دیگر که بود محاصره کرد و روز دیگر از راه هزار خم (مقصود همان هزار چم است) حرکت نمود و بپای قلعه رسید^۶. حمله هلاکو که سرانجام بشکست اسماعیلیه منجر گردید بجنگها و خونریزیهای آنان خاتمه نداد و مرکز عمده بیرون حسن بعد از آن نیز مانند گذشته الموت و اطراف آن بوده است^۷. هر زمان حکومت سید فخر الدین در رستمدار میدان ناخت

اسماعیلیه قرار داشت بهمین علت مؤلف کتاب تزهیت القلوب پس از آنکه حدود یکقرن از حمله هلاکوبه الموت و برانداختن اسماعیلیه می گذرد در باره مردم طالقان می نویسد که مردم آنجا بیواطنیه (نام دیگر فرقه اسماعیلیه) مایلتر باشند^۸



بر روی ویرانهای قلعه هر فوج

طالقان در زمان مغول و پس از آن

در سال ۶۵۱ هلاکو هوکای را با لشکری کران بسوی الموت

^۱- تزهیت القلوب ۶۵، اسماعیلیه در تاریخ مملل و محل بنامهای مختلف شناخته شده است و از آنچه لاند نامهای باطنی سملحه - اسماعیلی - ابا حشیش وغیره. رجوع شود به فرقه اسماعیلیه تألیف یا عاجن س ۲۰۶ و غزالی نامه همانی س ۳۸۹۲۶

۱- جامع التواریخ طبع کاتمر ص ۱۷۰

۲- قلاع اسماعیلیه ص ۱۱۱ چاپ دانشگاه

۳- جامع التواریخ رسیدی چاپ پاریس کاتمر ص ۲۰۶

۴- تاریخ جهانگشا چاپ تهران ج ۳ ص ۶۹

آنان با هم زین العابدین میرسد سلسله کیائیدند^۱. نخستین کسی که از آنان بحکمرانی گیلان رسید سید علیکیا بود که در جنات با حکمرانان محلی کشته شد و یکی از بنادر گاش امیر سید محمد است که در سال ۸۳۱ با لشکر رودبار و دیلمستان برای جلوگیری از تجاوز ملک کیومرث^۲ وتلافی قتل و غارت او طالقان را تاراج کرد و بار دیگر در سال ۸۳۲ لشکریان سید محمد بسوی طالقان حرکت نموده و در موضعی بنام تیره کو^۳ بین او و ملک کیومرث جنگ سختی در گرفت. لشکریان سید محمد پس از تصرف قلعه فالیس - طالقان پایان قلعه لوراء^۴ سپس به جانب شمیران رفتند و پس از فتح این دو قلعه دو باره بسم طالقان آمدند اما چون سید محمد با مخالفت بنی اعمالش که حکومت لا هیجان را داشتند رو برو گردیدند از جار با ملک کیومرث صلح کرد و قلاع پشت کوه را باو بازداد مگر طالقان و قلعه فالیس که در دست کیائیه اقراه شد.^۵

در سال ۸۳۷ کار کیانا ناصر کیا بجای پدر نشست و ملک پدری را کشاهم کوه گیلان و برو گردیدن بود با بر ایشان اهیان احتماله کردند طالقان

۱- روضة الصفا چاپ تهران ج ۶ ص ۱۴۱ - مجالس المؤمنین چاپ تهران ص ۴۰۸ - گیلان و دیلمستان ص ۱۴۵

۲- پدر کیومرث در سال ۷۸۷ در طالقان بدست اسماعیلیه کشته شده.

مازندران ج ۱ ص ۱۸۱

۳- تکوه (شاید شیرکوه) قلاع اسماعیلیه ص ۱۲۵

۴- برای اطلاع ییشتر از تاریخ قلمه رجوع شود بقلاع اسماعیلیه ص

۵- مان مرعشی چاپ لینینگرات ص ۱۲۹، ۱۳۰ - گیلان و دیلمستان ص ۱۵۳ به بند

وتاز فدائیان و کیائیان هزار اسی بود و چون این کشمکشها مایه وحشت و زیان اهالی فزوین بود آنان از سید فخر الدین استمداد نمودند. مؤلف تاریخ تبرستان در این باره چنین می‌نویسد:

چون ولایت رستمدار در حوزه تصرف سید فخر الدین در آمد مردم فزوین از ترس دشمنان فراوانه تزدکوتوال قلعه فالیس فرستادند که اگر کرم فرمود معار احتمایت فرماییدتا از آسیب مردم باغی این گردیم چون کوتوال قلعه فالیس خواهش اهالی فزوین را بسید فخر الدین اطلاع داد و او نیز بفزوین رفت و چند نفر را جبهت محافظت شهر تعیین و سفارش آنسار را بکوتوال قلعه فالیس نمود و برگشت اما پس از دو ماه عمان سید فخر الدین از فزوین رانده شده طالقان آمدند سید فخر الدین یکسال پس از اطلاع از این واقعه با لشکر رستمدار بسوی فزوین حرکت نمود و پس از آن طالقان آمده قصد سخیر الموت کرد و بدا جا شیخون زد اموال و اهالی آن دیار را طالقان آورد و بدین ترتیب تا واقعه ماهانه سر تمام رستمدار و رویان و طالقان بصرف او در آمد^۶ و بنابراین طالقان پس از سقوط الموت برای حکمرانان محلی و مردم اهمیت نظامی و ارزش خاصی را داشته است.

طالقان در دوران سلسله کیائیه

از جمله حکمرانان گیلان که قبل از روی کار آمدن صفويه قدرت و نفوذی در قسمتهاي شمالی ايران داشتند و بعضی از مورخین نسب

۱- تاریخ تبرستان و رویان و مازندران چاپ لینینگراد ص ۴۱۰، ۴۰۷ ماهانه سربکی از دژهای تاریخی قرن هشتم نزدیکیهای بند محمود آباد آمل بوده است.

در حوزه فرمائوائی برادرش در آمد^۱ و چون در سال ۸۴۵ بین دو برادر اختلاف بروز نمود میرسید احمد بکمک لشکر سام ولسر و طالقان ناصر کیا را شکست داده و رانکو را تسخیر نمود اما حکمران محلی و لشکر بیه پس^۲ بکمک لشکر لاهیجان او را از را نکو بیرون نمودند. سید احمد بروذر رفت و سید حسین کیارا نزد ملک کیومرث فرستاد و کلید قلعه فالیس طالقان باو سپرد و خود بگریخت.^۳

طالقان تاسال ۸۵۳ در دست ملک کیومرث و فرزندش بهمن باقی ماند تا آنکه الغیک طالقان آمد و با عبور از طالقان خرابی و بیرانی زیادی بدأ صحا وارد آورد و چون سید احمد اطاعت و فرمانبرداری الغیک را پذیرفته بود دستور داد قلعه فالیس با تمامی طالقان باو سپرده شود.^۴

در سال ۹۰۸ سلطان حسن از طرف برادرش میرزا علی بحکمرانی طالقان انتخاب گردید^۵ و پس از کشته شدن سلطان حسن و میرزا علی در سال ۹۱۱ سلطان احمد فرزند سلطان حسن بخت نشست^۶ سلطان هاشم عمومی سلطان احمد که طمع بحکمرانی طالقان و پاشیجاو گرجیان ولشت نشara داشت در صدد مخالفت با برادرزاده برآمد و بخیال آنکه شاید بتواند از سپاه طالقان که در جوار ستمداد و از لاهیجان مرکز

۱- تاریخ خانی ص ۲۹۷ - در زمان کیا به طالقان گاه زیر نظر امرای کوچک

محلی پیش، هم شیوه المدین در باره ایام حکومت کیا ایام اسب در سال ۸۸۰

چنین هی نویسندۀ الحاله هذه کیا هم اسف در طالقان بسا یه عاطف سادات و نطف است.

۲- تاریخ تبرستان ص ۲۵۲ و ۲۱۴ - در پاره شرح حال کامل سلطان احمد و اتف سوهان رجوع شود بمقابلة

نگارنده (وقاشه سوهان) در فرنگ ایرانزین ج ۱۱ ص ۱۵۵ به بعد

۳- جای عبارت در داخل سطرهای وقناهه است که احتراءً بیلا نقل داده

شده است.

حکمرانی ساهان احمد دور می باشد در خواست کیا نموده و او را یاری کند متوجه طالقان گردید و خود را بجوستان رسانیده تو قفت چند روزه اوتیری بخشید و از ترس اینکه مبارفه اندۀ سپاه طالقان میرحسین طالقانی او را دستگیر و روانه لاهیجان نماید از جوستان برآ شیرود به عازمین فرزند امیر نجم الدین محمود طالقانی و اولاد ذکور او می باشد. این وقناهه در سال ۹۱۴ تنظیم یافته و از آن زمان تا کنون بهمان طریق

عمل می شود.^۱

هنر و وقناهه سوهان طالقان

انبیاء مرسیین و ائمه معصومین^۲

سان خورشید مکان خسرو گردون مسند

مفخر آل عبا حامی دین احمد

تیمناً بذکر الله الواقف على الخفیات

شرائف حمد و سپاس سلطان علی الشانی را سزد که انسان را بکمال

۱- تاریخ خانی ص ۲۹۷ - در زمان کیا به طالقان گاه زیر نظر امرای کوچک

محلی پیش، هم شیوه المدین در باره ایام حکومت کیا ایام اسب در سال ۸۸۰

چنین هی نویسندۀ الحاله هذه کیا هم اسف در طالقان بسا یه عاطف سادات و نطف است.

۲- تاریخ تبرستان ص ۲۵۲ و ۲۱۴ - در پاره شرح حال کامل سلطان احمد و اتف سوهان رجوع شود بمقابلة

نگارنده (وقاشه سوهان) در فرنگ ایرانزین ج ۱۱ ص ۱۵۵ به بعد

۳- جای عبارت در داخل سطرهای وقناهه است که احتراءً بیلا نقل داده

شده است.

تاریخ طاقان

عقل و ایمان و اسلام و ایقان بر جمله موجودات معزز و مکرم و مشرف
کردانید و لطفان شکر بیفای سبحانی را زید که محبت و مودت حضرات
.... صلوات‌الله علیهم اجمعین در جان و روان‌شان ممکن ساخت و ثنا و
درود بی پایان کریمی را که هشت باب جنب را با چهار حد آن بدوازده امام
مطهر حواله فرمود. حکیمی که صحن عرصه سراپرده خاک را بسجره طبیین
و ظاهرین چون خلدبرین کرد.

آنحاکه کمال کبریای تو بود

هم حمد و ثنای تو سزای تو بود

وصلوات بیفایات و تسلیمات بی نهایات بر مقصود کانیات و خلاصه
موجودات وواسطه کون مخلوقات حبیب حضرت‌الله و طبیب عالت‌گناه
احمد مرسل شفیع مذنبین آخر آمد بود فخر اولین

بکو محمد و بس کن که دین و دنیارا

تفاخر است نیاش چه جای تعریف است

و برآل و اولاد آنحضرت که راهنمایان اهل تحقیق و پیشوایان
از باب توفیقند سیما‌الوصی والبتول و السبطین والسباد و الباقي و الصادق
والکاظم و الرضی و التقی والنقی والمسکری و المهدی صاحب‌الزمان علیهم
صلوات‌الله‌الملک المستعان. اما بعد بر ضمایر خورشید مظاہر و خواطر بدرا
نظایر مهر مظاہر اربات صافر و اصحاب سرائر ظاهر و باهر است که خدام
سپه‌ر هنزلش خورشید مرتبت کیوان رفت بیرام صولت نقش بند کلین
سلطنت نافعه گشای گلشن مملکت ثمر مشجره حقیقت نور نهار دولت نور -
بهار ملت صیلی باغ نزهت و ضیاء جراغ خلافت شمع شبستان ایالت

وقفنامه سوهان

شهریار عالم و عادل که در دنیا و دین
حشم گئی زان ملک اکثر نمایان شهریار
مجمع عالم و حیا و منبع جود و سخا
خسرو و دولت نشین و پادشاه کامکار
هر چه باشد اختیار او در اقتدار نمین
هست بر گردون دردان اختران دا اختیار
سداران را بخاک درگه او احتشام
تاجداران را ز نعل هر کب او افتخار
تا جهان را خاک و باد و آتش و آبست طبع
تا فسادوکون باشد در جهان زین هر چهار
خاک بر فرق عدو باشد ز نعل باد پای
در دل اعدا زند آتش به تیع آبدار
در مسلمانی باقیالش خلافت را پنهان
در جهانداری بانصفش شریعت را شعار
نیش منصور و تیغش تیز و ملکش مستقیم
دولتش پیروز و بخشش نیک و تختش استوار
یعنی دیباچه مجموعه شهریاری زیبندۀ تاج خسروانی
بهاری فارغ از بادخزانی گل نورسته در باغ جوانی
خط او سبزه زار عالم جان لب لعلش حیات آب حیوان^۱
۱- در فرهامین پس از ذکر صفات ایات مناسبی ذکر می‌گردد درینجا پس
از ذکر ۱۲ صفت برای واقف کدی ارتباوط به لایق مذہبی او نمی‌باشد آنچه داکه
دیده میشود برخلاف نظر مؤلف صحیفه شاهی است درجوع شود بصحیفه شاهی

الموفق بتوفیقات الملک المنان

یارب این پادشاه عادل را
تاج بخش سریر منزل را
که فروع چراغ مصطفویست
تازمدرس نخل با غمر تضویست
سایه دولتش مخلد باد
که چون از اشرافات اشعة خورشید ربانی و تلاؤ شموس معرفت
البی رونق دین محمدی و رواج مذهب احق ائمی عشری مشاطه جلال
عکس انوار جمال در مرایای زوایای ایشان افروخته همگی همت و تمامی
نهمت بر آن گماشته کمر جد بر میان بسته بر هنمونی قاید توفیق و هادی
طريق تحقیق آثار فضل و کمال و استحقاق و استیهال از ناصیه عالیجناب
سیادت و نقابت بناء افادت و افاقت انتباه عمدة ارباب الجد والاهتداء مرشد
اصحاب الرهد والاتفاق فهرست ابواب الذين جاهد و افينا مجموعه لطائف
لنھدینهم سلطان مستند نشین ایوان ضنا و کل کلشن ملک و فاعلائمه لسماء الشریعه
والحكومة والسيادة والعدالة والنضفة والافادة والاقاضة والدنيا والدين
ابن عالیجناب مرحومی مبروری مغفوری امیر نجم الدین محمود الطالقانی
الشیر بجلال خلد الله تعالی رشحات ارشاده و افیاله و کماله و علمه و یقینه
مخضره پیدا و هو بیدا بود و اهتمام تمام و سعی و مبالغه ملاکلام در باب
ترویج و ترتیب مذهب حق احق دین اسلام و تعلیم و تعلم مسائل شریعه
وقواعد و شرائط و ضوابط فروعیه حضرات بجهیز ظهور و حوزه حصول
میرساند و در اسوق یوم لاینفع مال ولا نبون الامن اتی الله بقلب سلیم غیر
اعمال رضیه و افعال حسنہ مرضیه موجب ادخار ارباح و احتکار لذاید
لرواح نیست و دنیارا بقائی و ثباتی نه وملکی است باقی سواء ملک فانی

وقفناه سوهان

سلطنتی است دائمی وراء سلطنت دنیاوی تعالی عز شانه وسلطانه بلکه
این نمودی بود پس در روزه برای آنست که از وزادو راحله آخرت بردارند
که الدنیا مزرعه الاخره پس بمقتضای من جاء بالحسنہ فله عشر امثالها و بر
فحوای ان ایسی لالستان الاما سعی نواب ایشان در حال صحت و کمال غفار و
حوال و حجوانی تصرفات شرعیه و تملکات ملکیه کل ششادنگ از قریب
سوهان من اعمال طالقان که عبارت از همکلوب تمام کامل شایع است از قریب
هز بوره که ملکه معزز و شی خدام ایشان است المحاده برودخانه شاهرود
قبلتاً وباما لاک قریدنیابی شرقیا و سر جبل ماحانی بحرین و باراضی تکیه کرود
غربیاً بل مستغنبی عن التحدید لغاية الشهرة و نهاية التوضیح في محلهانیلا
ثواب الجزيل و ذخراً لاجر الجميل و رومالبقاء الاسم بعد فناء الجسم وقف
خاص و حبس تمام عالیجناب سیادت پناهی و اولادکور و اولاد اولاد -
ذکور ایشان الى ان ینناسلوا و ینتعقو با نسل بعد و فرعا بعد اصل نمودند
ومفوض و مسلم بر ایشان داشتندو از دایره ملکیه و حوزه حقیقت خویش
اخراج کردن و مأذون و مرض بتصرف و قبض گردانیدند و ایشان قبول
نمودند قبولا شرعاً فوریاً و قفا خاصاً میر عیا و حسباً تاماً محتویاً علی جميع
الشارایط الشرعیه و مسقطا عن قاطبة للمفاسد المخله و قفا موبدان خلدا الى ان
یرث الله الارض ومن عليها وهو خير الوارثين بحسب لایماع ولا يوجر ولا -
یملک بوجه مملک و التملک وقد حرم حضرت الواقف معظم المشار عليه
تحرر اولاً التحریمات موکد بجملیع المؤکدات ان یغير هذه الوقفیه
الصحيه ... یترکب ما یودی الى ابطالهافمن یقف على تلك التصدفات
و یعلم شروطها و یسرف مصادرها و یتعرض بالنقض والابطال لایحل التبدل

بن الحسن الحسینی)

٢- يَا وَاقِفُ الْخَيْرَاتِ صَدْرًا لِوَاقِفٍ عَنْ حَضْرَتِ الْوَاقِفِ الْوَاقِفِ عَنِّي -
الْوَاقِفُ بَعْدَ رِعَايَةٍ مَا يَجُبُ رِعَايَتَهُ فِي الشَّرْعِ الشَّرِيفِ وَالدِّينِ الْحَنِيفِ نِيلًا
لِثَوَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَطَلْبًا لِمَرْضَاتِهِ عَلَى النَّهْجِ الْمَسْطُورِهِ بِالشَّرْوَطِ وَالقِيُودِ الْمُعْتَرَبَةِ
لِلْعَزِيزِ بُورِهِ فِيهِ قَاجِبَتِهِ لَدِي وَإِنَّا لِلْفَقِيرُ إِلَى اللَّهِ الْحَبِيبِ يَحْيِي الطَّيِّبِ صَدْرَافِي
الْجَهَادِ (وَمَا فَيْدِي مِنَ الْبَلْدَانِ حَامِدًا وَمُصْلِيًّا عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ) (يَا يَحْيِي خَذِ
الْكِتَابَ تَقْهِيَهُ).

٣- هُوَ الْوَاقِفُ عَلَى الصَّسَایِرِ اعْتَرَفَ حَضْرَتِ الْوَاقِفِ وَفَقْدَالَهُ تَعَالَى
فِي الدَّارِيْنِ بِجَمِيعِ مَا أَخْيَفَ إِلَيْهِ وَاسْتَدَالَيْهِ فِي الشَّرْعِ عَلَى النَّهْجِ الْمَزْبُورِهِ
بِالشَّرْوَطِ الْمُعْتَرَبِ قَسْطُورَهُ لَدِي نِيلَةِ ثَوَابِ الدَّعَائِي وَطَلْبًا لِمَرْضَاتِهِ الْمُغَفِّرَهُ
إِلَى اللَّهِ الْأَكْرَبِ (لَا يَقْرَءُ)

٤- وَقَفَ مَانِمِي إِلَى الْحَضْرَتِ الْوَاقِفِ الْوَاقِفِ فِي الْمَوْاقِفِ طَيِّبِي -
الشَّرِيفُ يَحْيِي لَارِبِّ فِيهِ وَانِي غَبْرَعَايَهِ وَظَاهِرُ الشَّرِيعَةِ الْمَرْعِيَهِ وَ
مَرْاسِمُ قَاعِدَهِ الْمَلَهِ الْإِسْلَامِيَهِ نَفَدَتْ بِالْمَسْئِلَهِ الْمُعْتَرَبِهِ تَقْبِيلُ اللَّهِ فِي الْحَسَنَاتِ وَ
وَفَقْدَالَهُ بِجَمِيعِ الْخَيْرَاتِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِيْنِ حَرْدَمَ الْعَبْدَ الرَّاجِيِّ إِلَى
غَفُورِ رَبِّهِ الْغَنِيِّ (لَا يَقْرَءُ)

٥- وَدَصَدَرَ الْوَاقِفُ عَنِ الْوَاقِفِ الْوَاقِفِ عَلَى الْمَوْاقِفِ عَلَى النَّهْجِ الْمَزْبُورِ فِيهِ
حَرْرَهُ الْعَبْدِ الْفَقِيرِ إِلَى اللَّهِ عَلَى سَهْسَالَارِ لَاهِيْجَانِي (إِنَّا لِلْعَبْدِ عَلَى بَنِ جَهَانِگَيِرِ)
عَرَّفَتْ عَلَى هَذَا الْوَاقِفِ (لَا يَقْرَءُ)

٦- هَذَا كِتَابٌ مَسَايِّهٌ صَحِيحٌ وَخَطَابٌ سَيِّاَهٌ فِي ظَبُورِ الْمُدْعِيِّ صَرِيعِ
الْفَاظِهِ مَصْحَّهٌ حَدِّ الْمَطْلُوبِ وَالْمَرْأَهُ وَعِبارَاتُهُ صَالِحَهُ بِمَا هُوَ الْمَقْصُودُ الْمَشْهُورُ

وَالْتَّغْيِيرُ وَالْاِنْتِقالُ وَمَنْ سَعَى فِي تَغْيِيرِهَا أَوْ غَيْرَ شَرْطاً مِنْ شَرْوَطِهَا فَعَلِيهِ -
لَعْنَةُ الْمَوْعِظَهِ وَمَقْتُهُ وَمَقْتُهُ لِلنَّاهِ الْمَلَهِ وَالنَّاسِ جَمِيعِهِنَّ
وَعَجَلَالَهُ فِي الدِّينِيَا عَقْوَبَتِهِ وَفِي الْعَقْبِيِّ فَمِنْ بَدْلِهِ بَعْدَ مَاسِعَهِ فَإِنَّمَا
إِنَّهُ عَلَى الَّذِينَ يَمْدُونَهُ وَسِعَلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنْتَقَلْبُهُمُ تَقْبِيلُ اللَّهِ
تَعَالَى هَذَا الْخَيْرُ مِنَ السُّلْطَانِ الْمُعْدُلِ الْفَاضِلِ الْكَامِلِ الْعَالِمِ بِفَضْلِهِ وَكَرْمِهِ
وَلَطْفِهِ وَاحْسَانِهِ إِنَّهُ لَا يَضِيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ وَقَدْ حَكَمَ بِصَبَحةِ جَمِيعِهِ
تَضْمِنُهُ الْكِتَابُ الْوَاقِفِيَّهُ هَذِهِ مِنَ الْمَطْلُعِ إِلَى الْمَقْطُعِ حَكْمُ مِنْ حُكَّامِ الْمُسْلِمِينَ
قَاصِيَهُ مِنْ قِصَّةِ الْمُوْحَدِينَ بَعْدَانَ تَبَيَّنَ لَهُ كِيفِيَّتِهِ تَلْكَ الْوَاقِفِيَّهُ مِنْ الْوَاقِفِ وَامْعَنَ
فِي مَعْانِيهِ حَكْمُ جَازِيَ الْحُكْمِ وَاشْهَدَ عَلَى ذَالِكَ الْوَاقِفِيَّهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَصْوَلِ
وَطَيِّفَهُ مِنَ الْمَتَقِينَ نَذُولَ الْعُقُولِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَوْلًا وَآخَرًا وَظَاهِرًا وَبَاطِنًا وَ
صَلِيَ الْمَعْلُى مُحَمَّدًا لَهُ الطَّاهِرِيْنَ وَقَعَ هَذِهِ كَذَافِيَ غَرَّ دَيْعَ الْأُولَى خَتَمَ بِالْخَيْرِ
وَالْمُلْعَنِي مِنْ شَهُورِ أَرْبَعِ عَشْرَ وَتَسْعَيَهُ مِنَ الْهِجْرَةِ النَّبِيَّهُ عَلَيْهِ أَفْضَلُ الْأَصْلَوَاتِ
وَالْتَّحْيَةُ الْمَسْرُوفَيِّ فَعَوَّاهُهَا وَالْمَشْرُودُ فِي مَطَاوِيهِهَا مِنْ مَبَادِيَهَا إِلَى خَوَافِيَهَا
فَاحْتَلَدَيِّ وَبَاحَتْ بَيْنَ يَدِي وَانِي بَعْدَانَ كَشَفَ عَنْ وَجْهِهِ خَرَايدَهُ الْمَسْجِيفِهِ
الْدِينِيَّهُ قَنَاعُ الْأَخْتَنَاءِ وَارْتَقَعَ عَنْ وَجْنَاتِ فَوَائِدِ تَلْكَ الْمَجْلَهِ الْمَلِيَّهُ خَفَاءَ
الْأَخْتَيَّهُ وَضَرَبَ عَلَيْهِا فَقَنَاءُهُ وَاسْلَكَهُ فِي سُلُكِ الْأَعْدَادِيِّ وَالْأَمْضَاءِ مِنْ ذَالِكَ
مَقْضَى الشَّرِيعَهُ الشَّرِيفَهُ الْفَرَاءُ وَمَرْضَى الْمَلَهِ الْحَنِيفَهُ الْمَنِيفَهُ الزَّهْرَاءِ كِتبَهُ
الْفَقِيرِ الْحَقِيرِ إِلَى الْمَالَهِيِّ قَاضِي فَخْرِ الدِّينِ عَلَى بَنِ قَاضِي يَحْيَى الدِّيلَمَانِيِّ عَفِيَ
عَنْهُمْ لَوْغَرَهُ ذُوْبَهَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاللهُ - دَرِ اطْرَافَ وَقَنَامَهُ مَسْجُلٌ وَسَجَعٌ مَهْرَ
عَدَمَلَيْهِ بِرِيَّهُ مَيْشُودَهُ كَهْ بِرْتِيَّبَ نَقْلَ كَرْدِيَّهُ وَسَجَعَهَا بَيْنَ الْهَلَالَيْنِ قَرَارَ
مِيَّ كَيْوَدَهُ.

٧- هُوَ الْوَاقِفُ بِالصَّسَایِرِ جَمِيعِ مَا صَصَفَ إِلَيْهِ فِي صَدْرِهِ عَنِّي كِتبَهُ (أَحْمَدُ)

تاریخ طالقان

بین العواصم والعواصم تعاوناً على البر والتقوى ولا تعاوناً على الاثم والعدوان
والسلام والاكرام حرره العبدالحقير والفقير الواقع بالله الملك الصمد الغنى
بقيت الله احمد بن الحسن (مهر لا يقرء)

٨ - وفدت على وقف الواقف على المواقف والوانى على ذلك عن الشاهدين
والشاكرين اللهم تقبل منه سلمه الله هذا الخير وصانه عن جميع الافات بحق
محمد وعلى وفاطمه والحسن والحسين حررها العبدالفقير قاضي احمد كيلاني
لنصرة ودى

٩ - هو صدر ما صدر عن حضرت العتبة العليا خلد ظلال جلاله السامي في اهله
ومحله قبل الله تعالى منه هذا ويشاهدتها بحرمه محمد والده المعصومين
حررها حسن بن محمد (الموفق باله الممجد حسن بن محمد)

١٠ - هو الحق نظرت على الدفتر فعلمته انه مطابق للابل الوقية
فحكمت بصحته ونفت بالمسئلة حررها الفقير الى الله تعالى (العبدال محمود)
آخرین فرد این سلسله خان احمد دوم است که در سال ۱۰۰۱ در
جنگ پاشا عباس شکست خورده بجانب اسلامبول فرار می نماید^۱ و با
روی کار آمدن سلسه صفویه و کاسته شدن قدرت حکمرانان محلی طالقان
نیز از منضمات و دهات قزوین گردید .

طالقان از زمان صفویه تا عصر حاضر

تشکیل دولت صفویه بداجنبه که پایتخت این سلسله تاسال ۱۰۰۶
قزوین یود تائیز یادی دروضع مردم طالقان داشت بطوریکه سلاطین وقت
فرامین متعددی برای رفاه حال اهالی صادر نموده و برای صوفیان و

سحال ^{نهاده شده} مجلس شورای تهران ج ۱ ص ۵۲۹

طالقان از زمان صفویه تا عصر حاضر

دواویشی که در آنحدود زندگی می کردند تکایانی احداث نموده اند
اعتماد السلطنه در اینخصوص چنین می نگارداز خصایص طالقان تکایانیست
که در آنست اودراویش و مساکین و عابرین سکنی می گرفته این تکیه ها
غیراز کامائیست که حسینیه و جای روضه خوانی و تعزیه داری حضرت
سیدالشیعیین از این قبیل تکایا در قدیم الايام در غالب بلاد ایران
ومنهالک اسلامیه بود که آنها را خانقاہ می گفتند و با فعل این قسم تکیه مخصوص
طالقان است و در جای دیگر یافت نمی شود و از برای موقوفه تکایای طالقان
فرامین عدیده از سلاطین صفویه نزد تکارنده موجود است^۱ از بیان اعتماد -
السلطنه می آن دانست که تعداد این فرامین خیلی زیادتر از ایست که ما
از آن اطلاع داریم و در طالقان نیز کمتر دهله ایست که دارای اراضی
موقوفه نباشد و را باقد وقف آن شهرت نداشته باشد.

پادشاهان صفویه گاه بعلت فقر و یا عالم دیگر مردم طالقان را از
پرداخت مالیات معاف نمودند و از جمله آنها فرمانی است که بر روی
سنگ دیوار امضا داده هارون واقع در قریه تکله نقر کردید و در این فرمان
شاه طهماسب بسبی عدم استطاعت مردم طالقان از دادن مالیات معاف
نمینماید^۲.

متن فرمان شاه طهماسب صفوی^۳

حواله سب^۴ . ۱۱ . لِكَ لَهُ يَا مُحَمَّدِي أَعْلَى فَرْمَان هَمَا يُونْ شَرْفَ نَفَادِيَاتْ آنَكَهُ

۱- جغرافیای طالقان نسخه خطی ص ۴۱

۲- درباره این فرمان ها و کیفیت نگارش آنها جو شود بمقابله نگارنده در فرنگ
ایران زمین جلد ۱۲

۳- طول این نتیجه سنگی ۹۰ سانتی متر و عرض آن ۳۳ سانتی متر می باشد.

نموده و من بعد داخل اوراق نمایند و مضمون حکم مزبور را بر سنگ نقش نمایند راز مصمون... آیه شریفه ومن بدله بعد ماسمعه فانما ائمه علی اللذین ییدنونه ان المسمیع علیم تجاوز نمایند و خلاف کننده از مردودین نزگاه الهی و مطروح بارگاه شاهی می باشد در این باب غدن غن داشته از جواب و اطراف گله مراعی^۱ و موashi^۲ خمس نساجی^۳ مگیرند حجب سنه نسخه و سیستان و سعماهه^۴

در سال ۹۸۸ یعنی در نخستین سالهای سلطنت شاه عباس سادات و برزیگران و خوش نشینان دهکده های گلیردو اورازان و خودگاوند و هزر عده دره رود بدانجهت که این دهکده ها متعلق بسادات و سیورغال آنان بوده است از پرداخت هالیات معاف می گردند و علت آن در متن فرمان^۵ بخاندان نبوت و ولایت ذکر می گردد.

در هفتاد و سال سلطنت شاه عباس و پس از فرار خان احمد دوم عده ای در صدد لغو و قفيت دهکده سوهان گردیده و می خواستند از دشمنی شاه عباس باععقاب و اف استفاده نمایند مکتوب تاریخی ذیل که با مضاء میرداماد و شیخ بهائی و دیگران می باشد یادگار این دوره است.

۱- مالباتی که بابت میش ها و بزهای شیرده داده عیشد مالک وزارع ص ۷۸۵

۲- مالبات، که بگاواسترو خر تعلق می گرفت مالک وزارع ص ۷۸۷

۳- مالیات ۲۰ درصدی که بستگاههای نساجی تعلق می گرفت مالک وزارع ص ۷۰۰

۴- مالیاتی مترمی باشد و در انتهای آن این عبارت دیده می شود (اتمام یافت بسی ملت روح الله جوستانی)

در این وقت برخاصر اشرف با تنظیم حال رعایا و عجزه الکاء طالقان از ابتداء ایت نیل جهات مذکوره ذیل را که در الکاء مزبوره سابقاً ابواب جمع بوده و بتخفیف و تصدق رعایا و عجزه و سکنه متوطنه آنجامقر رفرموده و ثواب آنرا با رواح مقدس مطهرات حضرات چهارده معمص صوات الله علیهم اجمعین هدیه کردم و ثواب این اهداء را بروح مقدس حضرت امام مفترض الطاعه واجب المقصة موسی الكاظم هدیه نمودم حکام^۶ و تولداران^۷ و داروغکان^۸ و کلاتریان^۹ و کلخدا یان^{۱۰} الکاء مذکور من بعد بعلت جهات مذکور یک دینار و طایکمن از احدی طلبی و توقعی نمایند و مزاحمت فرسانند مستوفیان^{۱۱} عظام دیوان اعلیٰ جهات مذکور را در دفاتر دیوان^{۱۲} اعلیٰ محو و معصوم ۱- حکام یا یکلر ییگیان از مرکز تبیین شده و پس از صدر اعظم دارای مقام متاز و بر جسته ای بوده اند بعییده مینورسکی اصطلاح ییکلر ییکی که لفظ مقولی است در زمان شاه عباس اول باب شده است رجوع شود بازمان اداری صفویه ص ۱۸۶ ۲- تیولداری استفاده از املال^{۱۳} تازمان حیات بوده است این دسته حق قضاؤت و حکمیت در میان زارعین رانیز داشتند این فرم که تا اوائل مشروطه در ایران معمول بود در دوره اول غیر قانونی اعلام گردید و هم‌آن مالیاتها بحساب دولت در آمد و بدارندگان تیول حقوق ماهانه یا سالانه داده شد - سازمان اداری صفویه ص ۳۷ و تاریخ انقلاب مشروطه ج ۱ ص ۲۲۸ ۳- داروغه در زبان مقولی بمعنی رئیس است در دوره صفویه این کلمه بیشتر بحاکم شهر اطلاق می شده است. سازمان اداری صفویه ص ۱۳۶ ۴- کلاقران کلخدا یان راتبیین می نمودند در سر شکن کردن عوارض بین اصناف نیز ظارت داشته اند سازمان اداری صفویه ص ۱۵۲-۱۵۱

۵- آمین و مقتضه محله یا صفت یا قریبه که وسیله افراد تبیین و رضایت نامه مواجه رامین نموده و آنرا بحضور کلاشرمی آوردند تذکرہ الملوك ص ۴۷

۶- مستوفیان ذیر ظل مسٹوفی المالک بکارمی پرداختند آنان مأمور تنظیم دفاتر رفاسناد بوده و عووظک بودند که دیوان از تغییراتی که در موقعیت افراد رخ میداد با خبر سازند.

۷- دیوان^{۱۴} دایره حسابداری

الى الله جسی وکفی

الى الله وکفی وسلام على عباده الذين اصطفی محمد المصطفی و
الله المعصومين الانقياء و بعد برضایر منیره ارباب دین ودولت و
خواطر خطیر اصحاب ملک وملت مخفی ومحجوب نماندکه چون حکم
جهانمطاع آقتاب شعاع لازال باقیافی جمیع الارباع والاقطاع شرف صدور
یافته بودکه حضرات عالیات با برکات صدور عظام وعلماء اعلام وفقهم الالی
قام القیام تحقیق وپریوی فرمایندکه قریه سوهان طالقان الى الان بجهه نحو
در تصرف سیادت پناهان وفضیلت دستکاهان نجمًا للسیاده میر محمد وادل ستا
محمدما برادر او بوده امتنال للحکم المسع الاعلى واتباعاً للامر العجلیل
الرفع الاسنی حضرات مشاراً لهم تقیش امر مذکور فرمودند سیادت پناهان
مزبوران ابراز قبالچه ووقف نامچه معتبره شرعیه محله مسجله بسجالات
علماء کرام وقضاة اسلام وصدور رفع مقام وحکام عظام وسلطانین سابق
کیلان نمودند دال بر آنکه حکام وسلطانین فخام سابق کیلان بوجه معتبر
شرعی تمامی قریه مزبوره رامع الملحقات الشرعیه بر اراده کرام سیادت
پناهان مزبوران واولاد ذکور ایشان واولاد اولاد ذکور ایشان هکذا ماتوالدوا
وتناسلو اوقف موبد و جس مخلد شرعی نمودند و جمع کثیری نیزار با
برکات وصلحاء بر اخیار و متورعین ابرار از طلبه علوم دینیه وغیره حاضر
گردانیده بعد از امعان نظر و تحقیق تام و ملاحظه و تدقیق تمام اخبار نمودند
که قریه مزبوره بوقیت هیته مذکوره وقف موبد و معتبر شرعیست بر نهنج
مقر روطیز محروم بوجه تصرف در آن حسب الشرع الاقدس سیادت پناهان
مزبوران منتهی شده والیوم در تصرف شرعی ایشان است فعلیهذا و قبیت
بوضع مسطور حسب ما هو المقرر فی الدین الاطهر بوضوح ثبوت و معلوم شدو

محقق گشت که قریه مذکور با توابعها حسب ما هو المسطور وقف موبد
شرعيست و نوبه تصریف شرعی در او شرعاً تعاقب سیادت پناهان مزبوران
دارد که بهر نحوه که خواهد تصریف کند چون صورت حال بدینمنوال بوده
است این چند کلمه در سلک انتظام اتفاق یافت في العشر الاخر من شهر شوالیه

ائمه والف

هو

الوفیة المحکیة عنها بالفاظ الكتاب ذاقد اضحت لدی با خبار
جم من ائمہ بهم حرره احوج الخلق الى الرب الغنی محمد بن محمد المدعا
یاقر داماد المسینی

□□□

اخبرنی جمع بالغون مرتبه الشاعر بوقیة القریه المزبورة حررها الفقیر
الی الله (ی) بهی شکه البهاء - سیحع مهر)

□□□

هو

ها اندمجت عليه الحجة الواضحه المحتجه محلی تحلی الحجه وتحلی
تحلی الصحه المتوكل الى الله^۱.

از فرمان تاریخی دیگری که در سال ۱۰۱۰ صادر شده جنین بر می آید
که شاه عباس سیورسات سوهان را با میر کمال الدین طالقانی بخشید.

۱- بعض از کلمات در نامه بالا نقطه گذاری نشده بود و در چند جا جملات بواسطه
کهنکی و غرسودگی از بین رفته و نخوانده باقی مانده است.

متن فرمان شاه عباس

هو

الملک لله

ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه التحیة والثنا

بنده شاه ولایت عباس

اللهم صل علی النبی والوصی والبتول والسبطین والسجاد و الباقر والصادق والکاظم
والرضا والنقی والزکی والمهدی

فرمان همایون شد آنکه چون همواره نیت صافی طویت همایون ما
ترفیه حال و رعایت و مراقبت احوال سادات عالی درجات که ذریة طیبه
خاندان رسالت و نبوت و دوچه برومند ریاض ولایت و امامت اند سیما جمعی
که بزیور فضل و صلاح آرائته وبخلیه تشیع و تقوی و فلاح پیراسته باشد
با علی درجه متعلق و معروف است و در این اوقات که در مشهد مقدس معلی
بطواف و زیارت روضه مقدس و منور حضرت امام الجن والانس^۱

مشغول بودیم سیادت و فضیلت بیناه امیر کمال الدین محمود طالقانی
بشرف ~~سلکیوپی~~ محتل خلد آئین مشرف گشته بمسامع جلال رسانید
که مبلغ بیست و هشت هزار و پنجاه و دنار تبریزی^۲ از بابت مالوجهات قریب

۱- این قسمت بسیبد جای عبارت (ابوالحسن علی بن الح) است که بیلا نقل داده
شده است.

۲- کسری می نویسد در دوره صفویه یک میثقال نقره مسکوک بر ابر میل دینار
بوده است جمیع شوه بمقابلات کسری ج ۱ ص ۱۰۵ به بعد
۳- مالیات ~~تشعیع~~ ^{تکالیفاتی} که بر منابع تعلق نمی گرفت. مالک وزادع ص ۷۶۲

سوهان بربین موجب بسیور غال^۱ مشارالیه و اولاد او مقرر بوده و در
معامله یوئنت اهل قول شده **فضل ای جنس همایون**^۲
غلامان خاصه^۳ شریفه مقرر گشته وحالا بیول اغور لو بیک غازم خاصه
شریفه مقرر است و مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی را بر طبق این معنی
صدیق نمودند و نواب^۴ همایون ها خود بنفس نفس و حقیقت سیور غال-
فضل الله بازار رسیدیم واستحقاق واستعداد فضل و تقوی ورشاد او برضمیر
منیر سر صاهر شد از ابتداء پارسیل مبلغ مزبور را دانسته از تیول
اغور لو بیک مذکور^۵ تغیر داده بدستور سابق بسیور غال سیادت و فضیلت
پناه موی ایه او لادا عنایت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم که دخدا یان^۶
و رعایای قریب مزبور سیادت پناه مشارالیه و اولاد او را صاحب سیور غال
مبلغ مزبور دانسته سال بسال وجه سیور غال ایشان را موافق معمول واصل و

۱- سیور غال مانند سیور غمیش و سیور سات لفظ مفوای است اما در معنی با آنان
دارای: ۱. کلمه باشد و این کلمه بیشتر بمحفوظات مذهبی و شخصی اطلاق می گردید.
رجوع شود به تاریخ مقول ص ۸۸ و سبک شناسی ص ۹۱ ج ۳ و سازمان اداری
جمهوری اسلامی ایران ص ۱۶۲

۲- ... ج هنگام گرفتن آنچه را که باید بصورت جنس پرداخت شود در
خر من گامی گرفتند و تا هنگامی که اجازه نامه صادر نمی گردند بکسی حق انتقال
غلات را بیای دیگر نمی دادند. مالک وزارع در ایران ص ۳۰۱

۳- غلامان خاصه همواره ملازم پادشاه بوده و در پشت سر او می ایستادند ... تذکرۀ
الملوک ص ۱۹۶ ۴- وظایف این عده را مینور سکی بنقل از عالم آراء چنین
می نویسند: ای ایسدادات و معممین را مقدم دارند و در ایجاد موقوفات و پرداخت
وجوهات در راه شرعی و عرفی تعلل روا ندارند. سازمان اداری صفویه ص ۷۳
۵- که دخدا یان، سؤول، سویل مالیات و عوارض بودند و بر سکنه دهات نیز نوعی
ریاست داشتند.

تاریخ طالقان

عیدگرداند و هیچ آفریدمای از حکام و داروغگان و تیولداران و عمال^۱ و مالکان وغیره ذالک مدخل در سیورغال مشارالیه واولاد او ننموده بیرامون نگردند و بخلاف حکم اشرف حواله اطلاقی ننمایند مستوفیان عظام دیوان اعلی رفم این عطیه را در دفاتر خلو^۲ ثبت نموده اصلاً تغییر و تبدیل بقواعد آن راه ندهند و از شوائب استرداد مصون و محروس شمرند و در این باب قدغن دانسته از فرموده در مکنند و هرساله حکم مجدد نطلبند تحریر آفیش شهر شوال ختم بالغیر والاقبال سنة عشر و الف ۱۰۱۰^۳

از نکارشات مؤلف گیتی کشا می‌توان دانست که طالقان در دوره کریم خان زند زمانی در دست آزادخان و وقتی نیز در تصرف محمد حسن خان قاجار بوده است^۴ انقراف سلسله زندیه و روی کار آمدن طایفه قاجاریه انتقال پایتخت از شیراز به تهران تأثیر زیادی در منطقه جغرافیائی طالقان داشت بعضی از حکام و افراد سرشناس قاجار مانند فرهاد میرزا^۵ وغیره سالهادر

۱ - نواب کوچک و حکام زیر دست را گویند سیاحت‌نامه‌شاردن ص ۲۶۲
۲ - در دوره صفویه دفتر ثبت حقوق مالیاتی که تقریباً تغییر در قواعد آن فیر مسکن بوده بعثت دفاتر خلوچی نمایندند. این شیوه در دوره‌های بعدی نیز معمول بوده است قائم مقام هم‌نشأت خود می‌نویسد: مستوفیان عظام شرح فرمان مبارک را در دفاتر خلو^۶ ثبت و ضبط و از شایعه تغییر مصون دارند رجوع شود به تذكرة الملوك^۷ و فضولات قائم مقام چاپ تهران س ۲۳۳

۳ - این همان سالیست که شامصان برای انجام نزد خود پیاده از اصفهان به مشهد رفته و مؤلف عالم آراء ماده تاریخ آنرا چنین آورده است: پیاده رفت و شد تاریخ ترقی (ذاصفهان پیاده تا مشهد) عالم آراء چاپ تهران س ۶۱۱

۴ - تاریخ گیشی گها چاپ تهران س ۲۶ و ۵۵ - روضه الصفا ج ۹ ص ۶۵ و ۱۳۶

۵ - یکتاں در چیان ایران س ۱۶ به بعد اما حقیقت امر ایشت که فرهاد میرزا طالقان تبیه و مجبوب باقایت کردیده بود رجوع شود بکتاب حقوق بکیر انگلیس در ایران ص ۲۵۵ به بعد.

طالقان از زمان صفویه تا حاضر

میان سرزمین ناحیه گذرانیده و نسبت با آنها محبت فراوانی قایل بودند. برآون می‌نویسد: روح ناسازگار فرهاد میرزا با اوضاع و احوال آنحضر ویرابط طالقان بیشتر هتمایل می‌نمود زیرا در اینجا فکار و عقاید مردم را بیشتر می‌بسمدید.^۱

www.tabarestan.info

۱ - از این زمان به بعد تاریخ معاصر طالقان را در بخش چهارم می‌توان مطالعه نمود.

منابع این بخش

به ترتیبی که از آنها استفاده شده است

- | | |
|---|-------|
| ۱۶- دوقرن سکوت زرین کوب | تألیف |
| ۱۷- ایران از عباس شایان | » |
| ۱۸- تاریخ منصوری (عکسی) محمد بن علی الحموی | » |
| ۱۹- تاریخ یعقوبی ج ۳ احمد بن ابی یعقوب | » |
| ۲۰- در پیرنسون ناریخ ییهقی ج ۱ سعید نفیسی | » |
| ۲۱- تاریخ قبرستان ابن اسفندیار | » |
| ۲۲- تاریخ طبری محمد بن جریر طبری | » |
| ۲۳- جغرافیای مللجان اعتمادالسلطنه | » |
| ۲۴- مقاتل سفهین ابوالفرج اصفهانی | » |
| ۲۵- سلام ج ۵ جرجی زیدان | » |
| ۲۶- من ج ۳ یاقوت | » |
| ۲۷- قانون گزاری حدا المدستوفی | » |
| ۲۸- ملل و نجاح شهرستانی | » |
| ۲۹- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران هر عشی خواندیمیر | » |
| ۳۰- حبیب السیر | » |
| ۳۱- معجم الانساب والاسرات الحاکمه | » |
| ۳۲- هشت مقامه تاریخی زامباور | » |
| ۳۳- جامع اواریخ رشید الدین فضل الله همدانی | » |
| ۳۴- تاریخ جهانگشا عطاملک جوینی | » |
| ۳۵- تاریخ مغول عباس اقبال | » |

- | | |
|--------------------------------|-----------------------|
| ۱- حسراوستا ج ۱ | تألیف اشپیکل و دیگران |
| ۲- ایران باستان | » پیرنیا |
| ۳- تاریخ کیلان | » خچکو (آ. شودزکو) |
| ۴- تاریخ تبرستان | » بروزگر |
| ۵- التدوین | » اعتمادالسلطنه |
| ۶- تذکره جغرافیای تاریخی ایران | » بارتلد |
| ۷- اناهیتا | » پوردادود |
| ۸- نامه نسر | » چاپ مجلس |
| ۹- تاریخ رویان | » اولیاء الله آملی |
| ۱۰- مازندران و استرآباد | » راینو |
| ۱۱- تهریاران گمنام ج ۱ | » کسری |
| ۱۲- التدوین (عکسی) | » امام رافعی |
| ۱۳- ترجمه تاریخ طبری | » میرزا آفخان کرمانی |
| ۱۴- صدقائله (خطی) | » کریستن سن |
| ۱۵- ایران در دوره ساسانیان | » |

تاریخ طالقان

- ۳۶- تاریخ ادبیات ج ۲
 دکتر ذبیح الله صفا
- ۳۷- نزهت القلوب
 حمد الله مستوفی
- ۳۸- فرقہ اسماعیلیہ
 حاج سن
- ۳۹- قلاع اسماعیلیہ
 دکنر منوچهر سوده
- ۴۰- روضۃ الصفا
 میر خواند
- ۴۱- مجالس المؤمنین
 قاضی نورالله سوشتی
- ۴۲- تاریخ گیلان و دیلمستان
 مرعشی
- ۴۳- تاریخ خانی
 علی بن شمس لاهیجی
- ۴۴- صحیفہ شاهی (خلی)
 واعظ کاشفی
- ۴۵- عالم آراء عجمی
 اسکندر یاک
- ۴۶- سازمان اداری صفویہ
 مینور سکی
- ۴۷- تاریخ انقلاب مشروطه ج ۱
 کسری
- ۴۸- تذکرة الملک
 -
- ۴۹- مالک وزارع در ایران
 ان-ک-س- لمتبون
- ۵۰- سیاحت‌نامه
 شاردن
- ۵۱- منشآت قائم مقام
 قائم مقام
- ۵۲- تاریخ گیتی کشا
 میر رامحمد صادق موسوی
- ۵۳- بکسال در میان ایرانیان
 ادوارد براؤن
- ۵۴- حقوق بیکر آن انگلیس در ایران
 اسماعیل رائین

تبرستان
 www.tabarestan.info

بخش دوم

جغرافیای طالقان

حدود و محل جغرافیائی طالقان

حدود و محل جغرافیائی طالقان با اختلاف نگاشته شده برخی آنرا
روستاق و بعضی شهر و روستاق و دستهای بلوک می نگارند که در نتیجه می توان
گفت ^۱ زمان قدیم منطقه ای وسیع و آباد بوده است ^۱ در ضبط
این کلمه نیز اختلاف نظر وجود دارد بعضی آنرا بفتح لام و دستهای بسکون
و عده ای هم بكسر خوانده اند) این اثیر در ذیل کلمه طالقانی آنرا بفتح طا
وسکون لا ^۲ فتح قاف دانسته است ^۲ یاقوت گوید: لام بعداز الف
مفتوحه است ^۳ در مراصد الاطلاع نیز بفتح آورده شده است ^۴ ابوالفداء
نیز ضبط آنرا بنقل از مشترک بفتح لام و بنقل از اللباب بسکون لام ذکر
می کند ^۵ در فرهنگهای خارجی غالباً طالقان را بفتح لام ذکر مینما یند فولر
طالقان را به سر ^۶ ضبط نموده است ^۷.

۱ - قرآن قدسی می نویسد طالقان بزرگترین و حاصلخیز ترین نقطه ولایت
است ^۸ چرا اسلام (یعنی والی دیلم) مقرب در اداره این شهر قرار نمیدهد.

جغرافیا: سرزمینهای خلافت شرقی چاپ تهران ص ۲۴۳

۲ - ادبی: فی تهدیب الانساب ادب قاهره ج ۲ ص ۷۶

۳ - معجم البلدان چاپ اروپا ج ۲ ص ۴۹۱ - المشترک چاپ گوینجی ص ۲۹۱

۴ - مراصد الاطلاع چاپ لیدن ج ۲ ص ۱۹۲

۵ - تهیه: البلدان چاپ پاریس ص ۴۲۰

۶ - فرهنگ فارسی - لاتین چاپ بن ج ۲ ص ۵۲۹

آبادو بزرگ زی ^{پسر می باشد}^۱. مؤلف عجائب المخلوقات گوید که طالقان شهریست بنادر کده بر کوه متاع وی نمیوزد بلو بزده (عزم خاور پرده است)^۲ امام رافعی گوید طالقان گاهی از نواحی قزوین شمرده میشود و بنقال از بر قی^۳ گوید که او طالقان اصغرین خراسان را دیده و او توأم طالقان اکبر صاحب خراسان است^۴ مؤلف معجم البلدان طالقان رادر دو موضع نام برده فیض گویید^۵ دو شهر است که طالقان نام دارد یکی در خراسان مر وال رود و بلخ و دیگر شهر و رستاقی است بین ابهر و قزوین و مشتمل است بر چند قصبه^۶. ذکر بیانی گوید طالقان رستاقی است دارای قریه ها و در کوهستان^۷ بین قزوین و گیلان و کوههای دیلم^۸. در مراصد الاطلاع نیز طالقان در دو موضع نام برده میشود یکی بین مر وال رود و بلخ و دیگر شهر و رستاقی بین قزوین و ابهر^۹. ابوالفداء بنقل از مشترک آنرا در دو موضع ذکر کرده و بگفته احمد کاتب آفرایین دو کوه میداند^{۱۰}. حمد الله مستوفی مینویسد: طالقان ولايت سرديسر است در شرق قزوين در کوهستان افتاده و کلاتها و دیها هم تیر کمتر باشد حاصل آنجا غله و آند کی جو و میوه بود ولايت سرانه و جزو دو فهديه و کن و کرج از توابع آنجاست در این

۱- احسن التقسيم چاپ ليدن ص ۳۶۰.

۲- عجائب المخلوقات سخنه عکسی آقای دکتر ستوده ص ۵۱ الف.

۳- ابو جعفر، بن ابی عبدالله بر قی صاحب كتاب البيان متوفی سنہ ۲۷۴ یا ۲۸۰

۴- التدوین فی اختصار قزوین نسخه عکسی کتابخانه ملی ص ۱۰

۵- معجم البلدان ج ۲ ص ۴۹۲ و المشترک ص ۲۹۱

۶- اثار البلاد سخنه خطی کتابخانه ملک ص ۱۹۸

۷- مراصد الاطلاع چاپ ليدن ج ۲ ص ۱۹۲

۸- تقویم البلدان چاپ پاریس ص ۴۲۱

آراء مؤلفین کتب جغرافیائی درباره اینکه طالقان متعلق به کدام ناحیه است مختلف می باشد گاهی آنرا طالقان طبرستان و زمانی طالقان ری و وقی هم طالقان قزوین خوانده اند. اصطخری گوید: ابهر و زنجان و طالقان از نواحی قزوین می باشد و طالقان بدیلم نزدیکتر است^{۱۱}. این حوقل گفته اصطخری را تکرار کرده و می نویسد: نواحی قزوین که متصل با آن است ابهر و زنجان و طالقان می باشد و طالقان بدیلم نزدیک تر است^{۱۲}.

مؤلف گمنام کتاب حدود العالم طالقان را در سه ناحیه مختلف طخارستان و جوزجان و ری نام برده و در باره هریک گوید: طالقان شهریست بر حد میان تخارستان و ختلان جانی است بر دامن کوه و باکشت و بذر بسیار و آنرا طالقان و طایقان نیز گفته و نوشته اند^{۱۳}. ۲- طالقان جوزجانان بر سرحد گوزکاست و از آن این پادشاهیست و شهریست با نعمت بسیار ازاو نیز خیزد^{۱۴}.

۳- طالقان شهر کیست از روی بدیلمان نزدیک^{۱۵}.

مقتبسی که کتاب جغرافیائی خود را در سال ۳۷۵ یعنی سه سال بعد از حدود العالم نوشته در باره طالقان چنین می نویسد:

طالقان در دو موضع است یکی شهریست در دیلم و دیگر طالقان جوزجانان است^{۱۶} و ضمن اقلیم دیلم گوید که طالقان از جمله دهستانهای

۱- ممالک ممالک چاپ ليدن ص ۲۰۰

۲- صوره الارض پهله ليدن ج ۲ ص ۳۶۹ و ۳۷۷

۳- حدود العالم شنجه عکسی آقای ستوده ص ۲۱ ب و ترجمه مینورسکی چاپ ليدن ص ۱۰۹

۴- حدود العالم د د د د د د د د د د د ۱۰۷

۵- د د د د د د د د د د د ۱۳۲

۶- احسن التقسيم چاپ ليدن ص ۲۶

تاریخ طالقان

ولایت دیمه‌عامعتبر بود و حقوق دیوانی طالقان با این ولایت یک تومان است.^۱ امین احمد رازی گوید طبرستان ولایتی است در نهایت نثارت و صفا . ز آبش کوثر اندر افعال است در ختنش همه طوبی مثال است از حوالی جرجان و حدود دامغان تا کوهستان ری و طالقان همه جزء طبرستان است. در زمان سابق بعضی از ولایت‌ری و همدان و تمام ابهر و زنجان و طارم و ساوه و آوه و جهرود تعلق بقزوین داشته^۲. از میان احمد رازی که تقریباً در اوائل صفویه میزیسته معلوم میشود طالقان جزء طبرستان محسوب میشود و اصطخری آنرا جزء طبرستان ندانسته بلکه متصل با آنجا میداند. اعتماداً السلطنه به نقل از جهان نما چنین کوید: طالقان میان دو کوه بزرگ‌فیما بین فزوین وابهر فرار گرفته است هوای آن سرد و محصول آن غله و قدری گرد و میباشد.^۳

آخر مطالعه نگارشات جغرافی نویسان چنین برمی‌آید که آنان غالباً طالقان طخارستان را با طالقان جوزجانان اشتباہ نموده‌اند و آن‌دو را یکی تصور کرده‌اند در صورتی‌که طالقان خراسان یا طالقان بلخ از شهرهای جوزجانان و در سه منزلي مر والرود بر سر راه بین ابن شهر بلخ بوده است که در سال ۱۴۱۲ چنگیز پس از هفت ماه محاصره آنرا تسخیر و بعد از کشتن همه ساکنین آن شهر را با خاک بکسان کرد^۴ و نباید آنرا با طالقان

۱- تزحم التلوب بحال لیهیمن ۶۵- یک تومان تقریباً معادل صد هزار تومان

امروز است و جوچ شود بمقابلات کسر ویج ۱۰۵ م

۲- هفت‌اقليم نسخه خطی کتابخانه ملک

۳- جغرافیای قدیم و جدی طالقان نسخه خطی

۴- جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی م ۳۴۹- ۲۵۰

حدود و محل جغرافیایی طالقان

طخارستان که پیش از این ولایت و در سه منزلي و لاوج و سه منزلي بدخشان بوده است

استان هنوز هم پهین اسم باقی است و در مشرق قندوز (کهن در) سر راه فیض آباد واقع است که در قرن چهارم از شهرهای بسیار آباد آن ناحیه بشمار میرفت^۱.

کلدکهستان شفت در سی و یک کیلومتری شهرستان فومن طالقان دیگریست نه سرمهین آن کوهستانی و آب و هوای آن مراحلوب و معتدل و تقریباً ۴۰۰ هزار جمعیت دارد و محصول آنجا برنج و ابریشم و عسل و لبنتیات است^۲.

طالقان فزوین یا طالقان مازندران که اینک آنرا باید طالقان کرج نامید دره بازیکی است که رودخانه شاهرود از میان این دره که طولش از مشرق بجنوب است می‌گذرد و مساحت آن از گردنگ انگه که در باخته طالقان واقع شده است تا گردنگ عسلک (استلک - استخرک) در خاور آن تقریباً چهل کیلومتر نوشتهداند و همچنین حد اعلای عرض از گردنگ دوزخ دره واقع در جنوب طالقان تا گردنگ مالخانی که در شمال طالقان قرار دارد معادل بیست کیلومتر ذکر نموده‌اند^۳. حد شرقی آن کوه عسلک و گردنگ انگران و حصار چال کلاردشت و آزادبر وحد غربی آن کوه انگه و گردنگ کلانک می‌باشد کوه و گردنگ هم بور طالقان از فشکل‌دره جدا مینماید حد شمالی آن کوه عقیق و کوه صاد (сад) و کوه بادیسر و

۱- جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی ص ۴۵۵

۲- فرهنگ جغرافیایی استان یکم ج ۲ ص ۱۸۴

۳- معینو در چاپ تهران ص ۳۰ مساحت تقریبی طالقان اتحادیه ۶۰۰۰۰ متر گفته‌اند بنابراین میزان مذکور در متن حداقلیست که ذکر گردیده است

کرده هزار چم است که از طرف مغرب فاصل البرز کومو الموت از طالقان می باشد و از سمت شمال کلاردشت تنکابن را از ناحیه مزبور جدا می کند دامنه شعلی البرز جزء الموت دامنه جنوی آن جز عطالقان محسوب یعنی شده جنوی طالقان کوه کاهار و گردنه ماشکه در (ماشکه راه مشتر) و کوه ارز نک که حد فاصل طالقان از برغان و ساوجبلاغ است میباشد. مسافت طالقان را تا فروین ۶ فرسخ و تا روبدبار الموت سه فرسخ و تا ساوجبلاغ و کلاردشت سه فرسخ و تا تنکابن شش فرسخ و تا آزاد بربیک فرسخ نوشه‌اند^۱ مرکز دهستان شهرک می باشد و ادارات تعویتی و مؤسسات تجارتی و بانکی طالقان در آنجاست طول و عرض جغرافیائی طالقان نیز مختلف نگاشته شده است . احمد کائب طول آنرا ۸۰ درجه و عرض آنرا ۳۷ درجه و نیم قید می کند^۲. ابوالندا طول جغرافیائی آنرا ۷۵ درجه و ۴۵ دقیقه و عرض آنرا ۳۶ درجه و ۱۰ دقیقه نگاشته است^۳ حمدالله مستوفی گوید: طوش از جزایر خالدات ۸۵ درجه و ۴۵ دقیقه و عرض آن از خط استواء ۳۵ درجه و ۱۰ دقیقه می باشد.^۴

رودخانه‌ها و آب و هوای طالقان

بر سرین گترين رودخانه طالقان شاهرود است.
بن خرداد به گويد: شاهرود از طالقان ری سرچشمہ می گیرد و با سپید رود که از سیر^۱ سرازیر می شود بهم پیوسته در دریای گرگان می ریزد^۲.

ابن رسته نیز همین گفتم را با توضیح بیشتری تکرار می کند و می گوید:
اسفید رود از سیر گشته و از سر زمین آذر بایجان عبور می کند آنگاه داخل شهرهای دیلم گردیده و در دریای طبرستان می ریزد و شاهرود نیز از طالقان ری خارج شده با اسفید رود یکی گردیده و در دریای طبرستان میریزد^۳.

نه در عجایب المخلوقات در خصوص آب شاهرود چنین گوید:
نیز شاه ود و اسفید رود می آیند از کوههای آذر بایجان اما شاهرود بعده رود و سخت آواز می دهد از برای آنکه بروی سنگ

-
- ۱- سیر با سیار همان صدخان بمعنی صدقشمه است . اناهیتا من ۶۹
 - ۲- مسالک ممالک چاپ لیدن ص ۱۵۷
 - ۳- الاعاق النفیسه چاپ لیدن ص ۸۹ - این رود را در اوستاپیت و در پهلوی سپت^۴: گریت سوت SVETA گویند . اناهیتا من ۷۰

-
- ۱- مینو در جای تهران ص ۳۰ - جغرافیای قدیم و جدید طالقان ص ۱۱ . این فاصله‌ها تقریبی است نه تحقیقی ملاوه در تعبین فواصل شهرها و دهستانها از یکدیگر شایع جغرافیائی آنان نیز مورد تظر بوده است.
 - ۲- جغرافیای قديم و جدید طالقان نسخه خطی .
 - ۳- تقویم بلدان چاپ چاوین . ج ۴۲ .
 - ۴- نز مصالقوب چاپ لیدن ص ۵۶ - باید دانست که بنای جزائر خالدات منطقه‌ای موجود نیست و این کلعته‌تر جسه جاودان کت نام رصدخانه نیمروز می باشد . برای اطلاع بیشتر به کتاب تقویم و تاریخ ایران (ایران گوهد) رجوع شود .

نهر عظیم یا هشت رودکوچک که اسمی آنها در ذیل بیاید تشکیل یافته‌اند حدود طالقان کذشته بخاک طارم جاری می‌گردد پس از آنکه از زیرکوه خزان گذشته از پایی چنان منجیل جریان یافته در زیر منجیل با روودخانه قزل اوزن متعدد می‌شود و چون این دورودخانه بهم پیوست موسوم سفیدرود می‌گردد فریه کنج طارم که اهالی آنرا کله گویند قریب بملتقای این دو رود واقع شده است. سفیدرود تقریباً از هفت‌سنگی شهر رشت گذشته در طرف شمال شرقی این شهر بدریای خزر می‌ریزد اسامی روودخانه‌های که شاهروند را تشکیل می‌دهند از قرار ذیل است :

۱- روودخانه بادر که با اسم قله کوه هزارجم است و از چشم‌سارهای زیرکوه می‌گیرد و از طرف شمال جاری شده تقریباً پنج فرسخ راه در دره‌های کوه صاد بستر دارد بپر دره کمیرسد آب‌های چشم‌های دیگر آن ماحق می‌گردد و بعداز محادیه قریه پراجان گذشته اراضی این قریه و قراء خیکان و دیزان و مهران را سیراب ساخته بدلیدان بالای قریه جوستان به روودخانه دیگر که ناریان و یا یزن باشد متعدد شده بقریه تکیه جوستان می‌رود و در زیر جوستان برودخانه عالی زن پیوسته آنوقت موسوم شاهروند می‌گردد.

۲- روودخانه عالی زن که با اسم شعبه‌ای از شعبه‌های کوه صاد موسوم است سرچشم‌های آن چشم‌سارهای زیر قله کوه عالی زن می‌باشد و قله مزبور شیریشم نام دارد. این روودخانه تقریباً سه فرسخ جاری شده در دره‌های کوه صاد از شمال بجنوب جریان یافته از زیر قریه جوستان برودخانه‌های سابق - الذکر پیوسته بسمت قبله‌روان و تمام قراء طالقان راسیواب می‌نماید.

می‌رود و بنابراین شنیده می‌شود از رفتار او آوازهایل و اما نهر سفیدرود آزاری ندارد و روش او نرم است و در زمین نرم برآم می‌رود براین اندکه شاهروند با سختی رفتار آوازکه هولناک است از آفات سالم است و اسفیدرود باز مری و خاموشی که دارد گشته است^۱. حمد الله مستوفی می‌گوید: آب شاهروند برود بار قزوین دو شعبه است یکی از کوه طالقان برمی‌خیزد و دیگر از کوه نسر و تخمس و بر ولایت رودبار الموت بگذرد و در ولایت طارمین با سفید رود جمع شود و در گیلان کوتم (کوهدم) در بحر خزر ریزد و طول این رود تاسفیدرود سی و پنج فرسنگ و تا دریا پنجاه فرسنگ باشد و این آب جون سفیداً کثیر عاطل و باطل است و اندکی بزراعت می‌گیرند^۲ سفیدرود از از اتفاعات کردستان خاوری و کوه سهند که در حدود زنجان و میانه بقرار اوزن^۳ معروف است سرچشم‌گرفته و پس از عبور از بخش طارم شهرستان زنجان در ترددیکی‌های پل منجیل با روودخانه شاهروند که از اتفاعات بخش طالقان والموت سرچشم‌های می‌گیرد یکی شده از این به بعد بسفیدرود معروف می‌شود این رود از بخش رودبار گذشته در حدود امامزاده هاشم از کوهستان خارج و بجهنده نهر مهمن شنب می‌گردد^۴. روودخانه شاهروند که از اتفاعات شرقی طالقان سرچشم‌گرفته بسوی مغرب سرازیر می‌شود و قراء طالقان را بدوقسمت شمالی و جنوبی تقسیم می‌نماید از چند رود کوچک تشکیل می‌گردد. اعتماد السلطنه در این بارچنین می‌نویسد: شاهروند در ناحیه طالقان از هشت

- عجائبات المخلوقات ذکریا، قزوینی چاپ لئنهو ص ۲۵۵
- در دوران سلطنت قرکان بقرار اوزن معروف شد پیش از آن سراسر روودخانه را فریش نموده باید بود
- فرماتک سهراییان ایمان یکم

چشمه‌های موسوم به پراویزان و وریورد (وریبورت) از شمال بجنوب
جودخانه بقریه نویز میرسد و در حوالی قریه مرجان بر رودخانه
شهرود میرسد.^۱

رودخانه کهرکبود (کرکبود) که منسوب بقریه است موسوم به
همین نام این رودخانه از کوه عقیق و صاد از طرف مغرب محمد حنفیه از
چشمه‌های، موسوم بچشمدهمناران و قلقله چشمه تشکیل یافته از
شمال بجنوب جاری شده بقریه سفجخانی برود شهرود ملحق می‌گردد
۷- رودخانه هامشکه (مامشتر) شعبه‌ای است از کوه کاهار و چشمه
سارهای این رودخانه را تشکیل داده از طرف جنوب شرقی بسمت مغرب جاری
می‌شود از کنار قریه و شته‌گذشته برودخانه شهرود اتصال می‌یابد

البرز رود که از جانب غربی کوه صاد که آنرا البرز الموت
می‌نامند از گدلوک مالخانی از چشمه‌سارهای آن ترکیب و جریان یافته از شمال
بجنوب روان از قریه حسن‌جون گذشته در زیر شهرک باساير شعب رود شهرود
یکی شده متوجه می‌گردد و این رودخانه عظیم و معروف تشکیل داده می‌شود
و چنان که گفتم بخاک طارم^۲ و گیلان رفته با قلول او زون اتحاد و اتصال یافته
با اسم سفیدرود موسوم و بحر خزر میریزد^۳. میزان آب این رودخانه در فصل
بهار فوق العاده زیاد و در هر ثانیه ده متر مکعب و در تابستان نقصان یافته و

- ۱- این رودخانه را اعتماد السلطنه رودخانه نویز نوشته است
- ۲- کنار بعضی از شعب سفیدرود در حدود ۶ پارچه آبادیست که در تقسیمات دوران قاجاریه جزء خاک خارطوم زنجان محسوب شده است
- ۳- جغرافیای قدیم و جدید طالقان نسخه خطی ص ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵

۳- رودخانه ناریان جون این رودخانه از اول قربه‌ای که می‌گذرد
آنرا سیراب مینماید فاریان نام دارد بین اسم موسوم شده سرجشه آن
بای گردنه در پجه انت و گردنه مزبوره یکی از قلل کوه صاد است آب
چشم‌سارهای پای قله در پجه بهم پیوسته بطرف جنوب جاری شده در یک
فسخی جوستان بر رودخانه بایزان ملحق گشته در یکمیدانی جوستان ضمیمه
رود بادی سرگردیده در زیر جوستان بارود عالی زن یکی می‌شود.

۴- رودخانه بایزان که آن نیز از چهار رود مرکب است رودگهه ده
کسر چشمی آن چشم‌سارهای گدوک عسلک (استخرک) است و گدوک مزبور
از شبکه کاهار می‌باشد و چشم‌سارهای مذکور معروف بجم کور و آب آنها
از مشرق به مغرب جاری است و دیدگر کراب است که از چشم‌سارهای کوه صاد
معروف بکرنیل وجود یافته از شمال بجنوب جاری است نازیر قریه کراب
از آنجا برودگهه ده پیوسته از مشرق به مغرب جریان می‌یابد و بعد از برود
ده در که از گدوک انگران یعنی از چشم‌سارهای پای آن گدوک که از
شمال بجنوب به جاری است تازیزگه ده که در یکمیدانی آن بادورود سابق-
الفکر یکی می‌شود و به عدد خپیره ملحق می‌گردد. دیگر رود خپیره است
که از رودوارکش و از چشم‌سارهای آن جاری شده از جنوب بشمال می‌آید
و بسیار مذکور می‌باشد و از گدوک وارکش شعبه‌ای است از کاهار خلاصه پس از
آن که این چهار رود بهم پیوست موسوم برود بایزان می‌شود و از مشرق
به مغرب جاری، تا بر رودخانه ناریان و بادی سر و عالی زن متصل شده آنگاه از
زبر جوستان از شمال بجنوبه روان می‌گردد.

۵- رودخانه مراجان که از طرف شرقی گدوک محمد حنفیه از

اما تابستان طالقان خنک و روح بروز است صفا و ملراوت آبادیهای شمال آن دلپذیرتر از سایر قسمتهای است و در این میان آب و هوای حسن جون- سوهان - گیلر- بزه - کرود - کواه - کربود - جوستان - هرچند شهرت پیشتر دارد، عتمادالسلطنه می‌نویسد رکن‌الدوله فرزند فتحعلی‌شاه که حکومت فروین و طالقان را داشت و در کوه‌له چندی بسر برد در وصف حسن جون و بکوهله گفته است

هوای کوله و آب حسن جون سرشکم خون شود یاد آیدم چون^۱
دو به مرتفه آب و هوای طالقان بسیار خوب بوده و این امتیاز این دهستان را بصورت یکی از ییلاقات با اهمیت و قابل توجه درآورده است.

۱- جغرافیای طالقان نسخه خطی ص ۳۲

در هر نانی به سمعت مکعب میزد.

غیر از رودخانه‌های که ذکر کردیم از چند رودخانه دیگر نیز در کتاب نزهت القلوب نام برده می‌شود که بنواحی مجاور میرزا ند و آنها عبارتند از بومدد و رودکردان که از قریه کردان گذشته و جاده تهران بقزوین را در مشرق نیکی امام قطع می‌کند و بجز از رود قزوین می‌رسد و دیگر گوهرود یا گرمود که از طریق ساوجبلاغ بسوی شهر باروری می‌رود^۲.

هوای این منطقه کوهستانی در زمستان بسیار سرد و سخت است و بر فهای سنگین آن ناحیه کاملاً هم‌راه ارتباط اهالی دهات را با یکدیگر قطع می‌کند و بهمین جهت مردم آنجا برای جلوگیری از سرما اطاقهای خود را نو در تو می‌سازند. فرهاد میرزا در نامه‌ای که برای میرزا ابوالقاسم امام جمعه تهران می‌نویسد درباره سرمای طالقان این طور می‌گوید: همه کس می‌داند که سرمای طالقان بجهد و بایه است که درخت تاک در آن ارض باک عمل نمی‌آید و لیشخانه که بتوان مسکن کرد در آنجا نیست از شدت نلوج مدتی را مدخل و خروج مسدود است^۳. باز در نامه دیگر یکی از طالقان برای فریدون میرزا می‌فرستد این طور می‌نویسد: متاع این ولایت در این هنگام سرد شب و روز بود (بنخ و تکرک) و برداشت هر چه در تهران حرف است اینجلوف است^۴.

۱- نزهت القلوب چاپ لیدن ص ۲۲۰

جز آنجه که گفته شد رودخانه‌ای دیگری نیز در طالقان دیده می‌شود که از آنها در کنایه‌ای اسم فرد ندهم است و عبارتند از: رودخانه اورازان - جزن - پردسر - باریکان - فلت آبا

۲- منفات فرهاد میرزا ص ۱۲۰

۳- ۴۰۰

وامکان ۱۰۰ سا را تعیین و برآورد کردند خلاصه گزارش آنان چنین است : رودخانه طالقان در بیست کیلومتری دشت لمنزه بین تهران و قزوین میان دو سد جبال که دوهزار و پانصد کیلومتر از تفاسع دارد جاری است . رئه این رود یکهزار و هفتاد کیلومتر مربع است و در بهار مقدار آبی که در آن جاری می‌گردد فوق العاده زیاد می‌باشد و در تابستان تقریباً نهمان می‌باشد (از ده تا ۳۰ متر مکعب در ثانیه) .

نحوت برای جاری ساختن آب طالقان با سپر زان و دشت قزوین حفر تونلی بطول سه هزار و پانصد متر لازم خواهد بود و چون از ماه زوئیه (ازدیمه تا مردادماه) بعد مقدار آب کاسته شده تا سده متر مکعب در هر ثانیه لازم است درست رودخانه طالقان آب ابشار بزرگی ساخته شود تا آب فراوان بهار را در آن جمع نمود بدیهی است که بدین ترتیب پس از چند سال بجای یک صحرای لمبزد و بکزار بین تهران و قزوین مزارع سبز و حاصل خیز جلب نظر مسافرین را خواهد نمود و محصول فوق العاده خوب خواهد داد و برای هزاران نفر با مشروب ساختن سطحی به اندازه بیست الی بیست و پنج هزار جریب تولید کار نمود بهر حال عملیات زیر و مخارج آن که البته علا اعداد آن تقریبی است لازم می‌باشد :

- ۱- ایجاد آب ابشار در طالقان با آب بند وغیره ۱۲۰۰۰۰۰ دوازده میلیون دلار
- ۲- حفریات تونل بطول ۸۵۰۰ متر که شش متر مربع دهانه آن باشد ۳۰۰۰۰۰ سی میلیون ریال
- ۳- ایجاد یک آب ابشار درست رودخانه طالقان دارای خلیفه بیست هندان

آب رودخانه شاهرود و تاریخچه سد طالقان

فکر آوردن آب شاهرود بقزوین در دوره صفویه پیدا شد و نخستین کسی که جدا در اینکار اقدام نمود شاه تهماسب صفوی است و پس از او شاه عباس تصمیم با نجاح آن گرفت اما برخی از اشخاص مانع این نیت خیر گردیدند . شاردن در این باره چنین می‌نویسد که ایرانیها مخصوصاً نمی‌گذارند رود شاهرود از قزوین عبور کند تا مبادا شهر قزوین از اصفهان زیباتر شود و بالنتیجه شاهنشاه آنچه را ترک گوید^۱ در هر حال پس از تغییر پایتخت از قزوین به اصفهان موضوع استفاده از آب شاهرود هم مسکوت ماند تا آن که در سال ۱۳۲۵ هجری قمری یک بازرگان مقیم اسلامبول نامه‌ای با جمله ولایتی قزوین نوشت و حاضر شد تا سی هزار تومان برای آوردن آب شاهرود بقزوین در اختیار انجمن بگذارد اما چون مخارج سد تا بانصد هزار تومان برآورد شده بود و این امر با استطاعات بازرگان مذکور موافقت نداشت این موضوع نیز دنبال نگردید و پس از ۳۵ سال بار دیگر قضیه از طرف وکلای قزوین در مجلس شورای ملی مطرح شد و در سال ۱۳۱۹ چند نفر مهندس برای مطالعه و برآورد مخارج سد طالقان رفته

۱- ساختن امصاردن ج ۲ ص ۳۷

جدول شماره (۴)
(سدھای مخزنی)

محل مشخصات فنی

نیروگاهی که تولید خواهد نمود بهزار کیلووات	مساحتی که آبیاری خواهد هکتار	حجم سالیانه تنظیم شده بعیلیون متر مکعب	نام پژوهش
۲۰	۵۰-۷۰	۴۵۰	طالقان (سدھای درست مطالعه)

جدول شماره (۵)

(مشخصات اقتصادی سدهای مخزنی ساخته شده در دست ساختمان و در دست مطالعه)

مشخصات فنی اطلاعات اقتصادی

نیروگاهی که تولید خواهد نمود بهزار کیلووات	مساحتی که آبیاری خواهد هکتار	حجم سالیانه تنظیم شده بعیلیون متر مکعب	نام پژوهش
۲۵۰۰	۶	۹۵۲-۱۸۰۰	سد طالقان (سدھای درست مطالعه)

توضیح: ۱- هزینه سد مائی که بمنظور آبیاری احداث شده ولی در ضمن حداقل تا حدود ۲۰۰۰ کیلووات برق نیز تولید میشود فقط بحساب آبیاری متخلو شده است.

۲- هزینه سدهای ساخته شده و در دست ساختمان طبق صورت قطعی هزینه های انعام شده یا آخرین برآورد احرازی و هزینه سدهای آماده ساختمان و در دست مطالعه بر اساس برآوردهای مهندسین مشاور می باشد

- متر مکعب با آب بند وغیره مثل قسمت اول ۱۸۰۰۰۰۰ هیجده میلیون ریال
۴- عملیات برای تقسیم آب و ساختن راههای فرعی جهت بکار انداختن اراضی بوسعت ۲۵۰۰ جریب ۲۰۰۰۰۰۰ بیست میلیون ریال
۵- مخارج خرید اراضی برای اجرای عملیات فوق خصوصاً آب انداز و انهار فرعی که اراضی زیاد لازم خواهد داشت

جمع کل مخارج بدون قسمت ۵، هشتاد میلیون ریال تخمین زده میشود. این مطالعه نیز مانند مطالعات قبلی نتیجه هماند بخصوص که جنگ بین الملل دوم فرصت توجه با نجام طرحهای نظری احداث سد طالقان را نمیداد و بالاخره پس از مدتی موضوع سد طالقان مورد توجه و علاقه مردم و دولت فرار گرفت. و در حال حاضر مطالعه جهت احداث سد طالقان دنبال می گردد و اینجا خلاصه گزارشی را که در نسخه هاسازمان برنامه و در چند جدول مختلف و ضمن بیان مشخصات فنی و اقتصادی سدهای نگاشته شده آن قسمت که مربوط بسد طالقان می باشد عیناً ذکر می نمائیم:

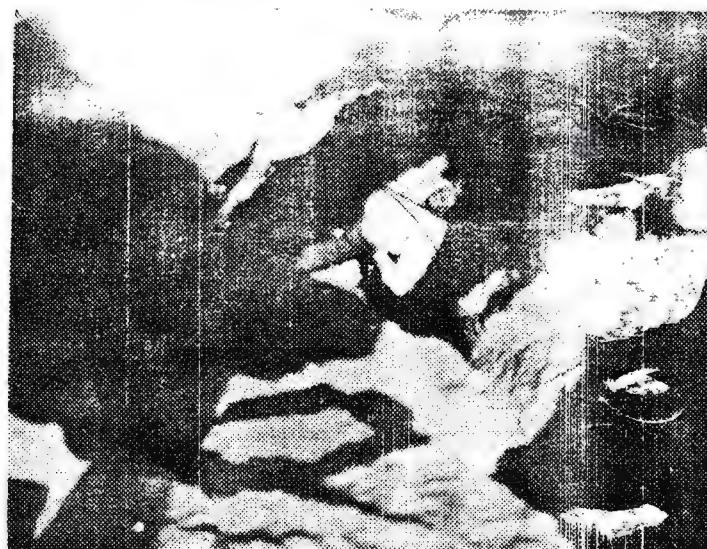
جدول شماره ۷

(مساحت اراضی ایکه در اثر احداث سدهای مخزنی در برنامه‌های مختلف بزرگش خواهد رفت)

شرح	القان مدون سد مخزنی)	برنامه سوم									
		برنامه چهارم	برنامه پنجم	جمع کل							
		آبیاری جدید	بهبود آبیاری	آبیاری جدید	بهبود آبیاری	آبیاری جدید	بهبود آبیاری	آبیاری جدید	بهبود آبیاری	آبیاری جدید	بهبود آبیاری
		۴۰	۲۶	۱۴	-	-	-	۲۶	۱۴	-	-

آب و آبیاری در طالقان

بزرگش آبیاری یکی از مشکلات عمدۀ مردم این دهستان می‌باشد زیرا
امکان استفاده از آب رودخانه شاهرود برای مزارع طرفین رودخانه
بسیار کم است.
بدینجایت آب باشم و هزار تن کد عده‌ما از آبشندن بر فبا در ارتفاعات
وقله‌ها و یخچال‌های طبیعی از گوشش و لذت: این اثت جسمده‌ها سردر آورده و
تشکیل راه زندگانیها و نهر «ارامیده‌هند تپید و آمین می‌گرد» سرنوشت مزارع



بخجال طبیعی - واقع در مزرعه خودکارند

توضیح: طرح طالقان با سدمخزنی در حدود ۵۰-۷۰ هکتار و
بنون سدهای ده طرح فروین در حدود ۴۰ هکتار را آبیاری خواهد کرد^۱

- آب و آبیاری همان از انتشارات سازمان برنامه

او ضاع اقتصادی و منابع طبیعی طالقان

آب و هوای طالقان موقعیت مناسبی را جهت کشت و زرع و پرورش دام‌ها آماده نموده‌اند. کشاورزی بسبک قدیم و بودن زمینهای زراعتی با اندازه کافی در طالقان جبوری کند که چون گذشته جهت تأمین نیازمندیهای زندگی خود را بسوی دهستانهای دیگر روی آورده و یا در تهران و گیلان و مازندران و کارپی داشتند. اعتماد اسلام‌لئه در زمان تأییف جغرافیای طالقان می‌نویسد: این دهستان دارای سه بند مزرعه آباد است ولی در حال حاضر تعداد مزارع آباد آنرا می‌توان تا حدود پنجاه قطعه دانست که محصول عمده آن کنیدم - جو - ارزن - سیب زمینی - اویا - عدس - نخود چغندر - هویج هم باشد. محصولات درختی طالقان در سالهای اخیر رونق پیدا کرده و دروز بر روز بروزت و تعداد باعث افزوده می‌شود.

آلوجه - آلبالو - انگور - توت - سیب - سنجاق - قیسی - گیلاس - گرد و را باید از هر سهین محصولات درختی این دهستان به حساب آورد.

دامداری و نگهداری حیوانات از قبیل گوسفند - بز - گاو - قاطر اسب - مادیان - الاغ نیز در آن معمول است تا جائی می‌توان گفت این دهستان از جمله مناطق دامداری شمار می‌برد بویژه نوع بره آن معروفیت

وزندگی کشاورزان بوجود برفها و بارندگیهای سالیانه وابسته است و در بسیاری از دهکده‌ها برای رساندن آن بزارع مجبور بشکافتن سنگها و کندن تونلهای واستفاده از وسائل لازم دیگر می‌باشد در بعضی از دهکده‌ها آبرا در اصطخرها جمع آوری نموده و آنکه بنوبت از آن استفاده مینمایند و آنها نیز باید مانند چشممهای و نهرهای مسلط بزارع باشند.

شیوه تقسیم آبداردهای متفاوتی باشد و بطور نمونه در منوگرافی فشنده این تقسیم بصورت زیر توضیح ویان گردیده است:

مزرعه دم‌صرحا (در فشنده) مجموعاً ۲۲۴ رباع است و هر رباع تقریباً ۱۲ من بذرافشان زمین دارد (۵ ریشه = یکمن) و هر رباع بدرو (نیم رباع) یا به دو (غاز) تقسیم می‌شود و هر غازهم شامل «۵۵ دینار» است مدار آب در مزرعه دم‌صرحا هفت شبانه روز است یعنی نوبت آبیاری هر ربع هفت روز بهفت روز تجدید می‌شود و باین ترتیب باید در هر یک شبانه روز ۳۲ رباع زمین مشروب گردد (۲۲۴ × ۳۲ = ۷) صاحبان هر ۳۲ رباع زمین که نوبت آبیاری آفغان زمینه باشد دوسته می‌شوند دستیار اول با آب ۱۲ ساعت روز دسته دوم با آب دوازده ساعت شب زمینهایشان را مشروب می‌کنند آنها که نوبت دارند مشترکاً مزارعشان را آبیاری می‌کنند^۱

۱ - برای اطلاع بیشتر درج شود بدفترهای منوگرافی اورازان نوشته جلال آلمحمد و فشنده نوشته هوشنگ پورکریم در کتاب اخیر نمونهای دیگری نیز آورده شده است.

فراوانی دارد^۱.

در کوهها حیوانات شکاری و پرندگان مخصوصاً بزکوهی - گرگ رو به - شغال - خرگوش - کبک - کبوتر چاهی - کلاع وغیره فراوان دیده میشود.

درختهای بی میوه و گیاهان خوردنی و طبی و گیاهانی را که بمصرف دامها و سوخت میرسند بطور خودرو و یا کاشته شده وجود دارند آنچه از محصولات طالقان که بخارج از این دهستان حمل میگردد و تا اندازه‌ای نیز خوبی جنس و نوع آن شهرت دارد حبوبات و شیر و پنیر و عسل و گرد و نمک می‌باشد و در بسیاری از دهکده‌ها مهمترین سرگرمی مردم نگهداری از زنبور عسل است.

از صنایع قابل ذکر طالقان کرباس بافی و نمدعالی و بافتن قالی و جوراب (پشمی) و جاجیم را می‌توان نام برد.

هنوز منابع زیرزمینی طالقان بطور دقیق تعیین نگردیده است در ارتفاعات خورانک و تکیه‌ناوه و فشنده معادن ذغال سنگ وجود دارد که در سالهای ۱۳۱۰ - ۱۳۱۲ چاهه‌های برای استخراج آن زده شده بود.

معدن مس - گوگرد - سنگ کج - پیشک فیروزه نیز در آن وجود دارد. چشمهای آب گرم گوگردی هرنچ و دم در و همچنین چشمهای نمک فراء جزن (گزن) در کش - و شته - شهرک را باید از جمله منابع طبیعی آن شمرد.

۱- مشکلات زیادی در کار دامداری این منطقه دیده می‌شود دامداران بعلت سرمای سخت و طولانی بودن زمستان مجبورند که دامها را در حدود ۵ ماه در طویل‌مها نگاهداری نمایند.

معیت و تعداد خانوار آبادیهای طالقان

نام آبادی	تعداد خانوار	سال ۱۳۶۰	سال ۱۳۲۰	سال ۱۳۴۵
	تعداد خانوار	جمعیت	تعداد خانوار	جمعیت
آسکان	۵	۱۶۹	۱۷	۱۰۲
اوسر - بستان	۴۰	۳۰۷	۵	۲۵
چهارزان	۱۰۰	۶۴۸	۹۳	۵۰۲
آئین کازیله	۵	۳۳	۳	۱۱
آرتون	۴۰	۳۰۵	۳۲	۱۱۰
آستان	-	۳۶۲	۲۱	۱۰۴
آرموت	۴۰	۴۱۳	۵۶	۲۷۴
اوانک	۳۰	۳۵۷	۳۱۰	۱۷۰
اسفاران	۴۰	۳۸۵	۵۵	۲۱۷
امیرنان	۱۰۰	۱۶۷	۷۱	۳۳۸
اند	۶۰	۱۸۵	۴۱	۱۷۹
اوچان	۵۰	۲۹۱	۳۳	۱۳۲
اهوار	۲۰	۹۰	۱۲	۷۳
بزه - برق	۱۰	۲۱۶	۲۳	۱۱۶
باریکان	۲۰	۲۸۶	۳۰	۱۳۲
پرآچان	۵۰	۵۱۱	۱۰۵	۵۵۵
پیش	۲۰	۱۱۱	۲۵	۸۵

سال ۱۳۴۵	تعداد خانوار	جمعیت	سال ۱۳۲۰	تعداد خانوار	جمعیت	سال ۱۳۶۰	تعداد خانوار	نام آبادی	نوبت
۱۳۷	۲۶۵	۲۶۵	۱۳۷	۲۶۵	۲۶۵	۱۳۷	۲۶۵	روشناباد	۳۷
۱۳۸	۱۴۳	۱۰۰۵	۱۳۸	۱۵۰	۱۵۰	۱۳۸	۱۵۰	ریدست	۳۸
۱۳۹	۴۴	۴۲۰	۱۳۹	۳۰	۳۰	۱۳۹	۳۰	سفچخانی	۳۹
۱۴۰	۲۲	۲۴۹	۱۴۰	۳۰	۳۰	۱۴۰	۳۰	سکرانچال	۴۰
۱۴۱	۲۵	۲۰۴	۱۴۱	۳۰	۳۰	۱۴۱	۳۰	سکران	۴۱
۱۴۲	۱	-	۱۴۲	-	-	۱۴۲	-	لقدگران	۴۲
۱۴۳	۸۶	۶۴۸	۱۴۳	۱۰	۱۰	۱۴۳	۱۰	سیدآباد	۴۳
۱۴۴	۳۶	۲۷۷	۱۴۴	۲۰	۲۰	۱۴۴	۲۰	سنگ بن	۴۴
۱۴۵	۱۰۰	۱۰۷۷	۱۴۵	۲۰۰	۲۰۰	۱۴۵	۲۰۰	سوهان	۴۵
۱۴۶	۱۹۲	۱۳۱۵	۱۴۶	۲۰۰	۲۰۰	۱۴۶	۲۰۰	شهرت	۴۶
۱۴۷	۲	۲۸	۱۴۷	۱۰	۱۰	۱۴۷	۱۰	شريف کلايه	۴۷
۱۴۸	۳۵	۳۲۲	۱۴۸	۴۰	۴۰	۱۴۸	۴۰	شهراسر	۴۸
۱۴۹	-	۶۵	۱۴۹	-	-	۱۴۹	-	صالح اباد	۴۹
۱۵۰	-	۵۲	۱۵۰	-	-	۱۵۰	-	-	۵۰
۱۵۱	۹	۸۲	۱۵۱	-	-	۱۵۱	-	عازی سر	۵۱
۱۵۲	۱۵۰	۱۱۸۷	۱۵۲	۲۰۰	۲۰۰	۱۵۲	۲۰۰	مشندك	۵۲
۱۵۳	۲۶	۵۷۵	۱۵۳	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۳	۱۵۰	کرگبود	۵۳
۱۵۴	۲۰	۳۸۵	۱۵۴	-	-	۱۵۴	-	سرپل	۵۴
۱۵۵	۷۸	۷۷۴	۱۵۵	-	-	۱۵۵	-	کرد	۵۵

نام آبادی	تعداد خانوار	جمعیت	سال ۱۳۶۰	تعداد خانوار	جمعیت	سال ۱۳۴۵	تعداد خانوار	جمعیت	نوبت
برکه	۱۰	۱۰۰	نفر	۴۳۰	۴۳۰	۱۳۶۲	۳۶۲	نفر	۱۸
تکیه جوستان	۱۰	۱۰	»	۱۰۶	۱۰۶	۱۳۷	۷۷	»	۱۹
تکیه آرموت	۲۰	۲۰	»	۱۰۶	۱۰۶	۱۳۹	۶۹	»	۲۰
تکیه ناده	-	-	»	۴۹۲	۴۹۲	۱۳۹	۱۵۷	»	۲۱
جوستان	۱۵۰	۱۵۰	»	۸۵۸	۸۵۸	۱۳۹	۵۰۴	»	۲۲
جزن - گزن	۲۰	۲۰	»	۷۲۵	۷۲۵	۱۴۰	۷۶	»	۲۳
جزینان - گزینان	۶۰	۶۰	»	۸۰۶	۸۰۶	۱۴۲	۴۲۹	»	۲۴
حسیران	۲۰	۲۰	»	۱۹۸	۱۹۸	۱۴۲	۷۶	»	۲۵
حسن جون	۱۲۰	۱۲۰	»	۹۴۱	۹۴۱	۱۴۳	۵۰۶	»	۲۶
چپره	۵۰	۵۰	»	۶۷۷	۶۷۷	۱۴۴	۵۴۴	»	۲۷
خیکان	۱۰	۱۰	»	۱۱۶	۱۱۶	۱۴۴	۱۲۳	»	۲۸
خسبان	۱۰۰	۱۰۰	»	۱۰۱۲	۱۰۱۲	۱۴۵	۴۹۳	»	۲۹
خودکاوند	۳۰	۳۰	»	۲۴۰	۲۴۰	۱۴۶	۳۲۶	»	۳۰
خوران	۱۵	۱۵	»	۱۲۵	۱۲۵	۱۴۷	۱۲۷	»	۳۱
خورانک	۱۵	۱۵	»	۱۴۴	۱۴۴	۱۴۷	۹۵	»	۳۲
درابی	۱۰	۱۰	»	۱۰۸	۱۰۸	۱۴۸	۶۶	»	۳۳
دهدر	۳۰	۳۰	»	۲۰۰	۲۰۰	۱۴۹	۱۶۳	»	۳۴
دیزان	۱۲۰	۱۲۰	»	۸۹۰	۸۹۰	۱۴۹	۷۱۵	»	۳۵
دبليد	۱۰۰	۱۰۰	»	۱۶۴۵	۱۶۴۵	۱۵۶	۶۴۷	»	۳۶

نام آبادی	سال ۱۲۶۰ خانوار	سال ۱۳۲۰ جمعیت	سال ۱۳۴۵ سال جمعیت	نام آبادی	سال ۱۲۶۰ خانوار	سال ۱۳۲۰ جمعیت	سال ۱۳۴۵ سال جمعیت
موجان	۷۵	۱۵۳	۹۰	خانوار	۱۶	نفر	۹۰
سیر-ذیر	۷۶	۱۰۰	۱۵۵	خانوار	۱۱۱۶	۴۳	۱۵۵
داریان	۷۷	۷۰	۸۷۳	خانوار	۹۴۴	۱۸۴	۸۷۳
نساء علیا	۷۸	۶۰	۳۱۲	خانوار	۳۹۱	۶۳	۳۱۲
نویز	۷۹	۷۰	۲۷۷	خانوار	۵۱۳	۵۴	۲۷۷
نویزک	۸۰	۲۰	۱۰۱	خانوار	۴۲۵	۲۳	۱۰۱
	۸۱	۵	-	خانوار	۷۶	۱۶	-
ساع سفلی	۸۲	۲۰	۷۶	خانوار	۱۹۲	۱۶	۷۶
نظرآباد	۸۳	۱۲	۴	خانوار	۱۲	۱	۴
وشته	۸۴	۱۰۰	۶۹۲	خانوار	۶۶۷	۱۲۴	۶۹۲
بس	۸۵	۳۰	۵۵۸	خانوار	۴۰۵	۸۶	۵۵۸
هشان	۸۶	۲۰	۱۴۹	خانوار	۲۶۳	۳۱	۱۴۹
هرنج	۸۷	۱۰۰	۲۱۶	خانوار	۸۸۸	۴۵	۲۱۶

اعتمادالسلطنه گوید پیش از این از قرار مذکور طالقان ۱۳۰ دهکده آباد است. جمعیت طالقان در سال ۱۳۱۱ نیز در حدود ۲۴ هزار و سیصد نفر گزارش داده شده است^۱. تقریباً در تمام دهکده‌ها حمام و مسجد وجود دارد و این امر چیزیست که در دهستانهای دیگر کمتر دیده میشود. ذکر این نکته لازم است که

۱- تاریخ تهران ص ۴۸

نام آبادی	سال ۱۲۶۰ خانوار	سال ۱۳۲۰ جمعیت	سال ۱۳۴۵ سال جمعیت	نام آبادی	سال ۱۲۶۰ خانوار	سال ۱۳۲۰ جمعیت	سال ۱۳۴۵ سال جمعیت
کولج بالا	۳۰	۳۹۰	۹۱	خانوار	۲۰	نفر	۹۱
کولج پائین	۵۰	۵۰	۱۲۹	خانوار	۲۹	۲۳۰	۱۲۹
کماکان	۵۰	۱۰	۷۰	خانوار	۱۲	۹۸	۷۰
کلانک	۵۶	۱۰	۱۳۱	خانوار	۲۴	۲۰۴	۱۳۱
کجiran	۶۰	-	۱۱۶	خانوار	۲۵	۱۳۱	۱۱۶
کش	۶۰	۵۰	۴۸۸	خانوار	۱۰۲	۷۳۴	۴۸۸
کشود	۶۰	۲۰	۷۶	خانوار	۱۸	۱۶۴	۷۶
کلارود	۶۱	۳۰	۱۱۱	خانوار	۲۶	۱۳۷	۱۱۱
گراب	۶۱	۵۰	۲۶۴	خانوار	۵۸	۲۵۵	۲۶۴
گده	۶۶	۶۰	۵۰۶	خانوار	۱۰۸	۷۶۶	۵۰۶
گوران	۶۶	۵۰	۵۴۹	خانوار	۱۲۱	۱۴۵۲	۵۴۹
کلیرد	۶۱	۴۰	۲۴۹	خانوار	۵۴	۳۸۰	۲۴۹
کلینک	۶۱	۱۰۰	۵۶۳	خانوار	۱۰۷	۹۸۸	۵۶۳
لهران	۶۹	۳۰	۱۷۹	خانوار	۳۶	۳۲۶	۱۷۹
مهران	۷۰	۱۵۰	۵۵۱	خانوار	۱۲۱	۶۳۶	۵۵۱
مرجان	۷۱	۱۰۰	۲۱۹	خانوار	۶۲	۵۶۱	۲۱۹
محسن آباد	۷۱	-	۱۳	خانوار	۲	-	۱۳
میراش	۷۲	۷۰	۱۸۳	خانوار	۴۰	۴۸۱	۱۸۳
میناوند	۷۲	۳۰	۱۹۲	خانوار	۴۰	۳۵۲	۱۹۲

افایش جمعیت و تغیرات محیط مسکونی تابع شرایط فصلی و مقتضیات زندگی آنان می‌باشد اما آن نوع دهکده‌های تابستانی که در فک (دلفک) دهستان رحمت آباد را باید نمونه‌ای از آن پنداشت در طالقان دیده میشود.^۱

در این سه‌گزارش تغیرات نسبی جمعیت و دهات طالقان را در مدت هشتاد سال بخوبی نشان می‌دهد. در گزارش سال ۱۳۰۱ قمری (۱۲۶۰) شماره خانوار ۱۱ دهکده ذکر نگردیده است، پیداست که این دهکده‌ها در هنگامی که اعتماد السلطنه رسالت خود را تأییف می‌نمود وجود نداشت و با قابل توجه نبوده است. از سال ۱۳۲۰: سال ۱۳۴۵ دروضع دهات و آمار جمعیت تغیرات محسوسی مشاهده می‌گردد بدیهی است که تحول و سیر تزویی جمعیت بیشتر بدگزینهای شرائط اقتصادی ده و توجه و گراش افراد شهرنشینی مربوط می‌باشد و کل جمعیت طالقان بنا بگزارش سال (۱۳۴۵) ۲۱۶۶۰ نفر که ۷۵۷۵ نفر در بالا طالقان و ۱۰۳۱۷ نفر در میان طالقان و ۳۷۷۸ نفر در پائین طالقان زندگی می‌کنند.^۲

۱ - زندگی عمومی مردم این دهکده استثنایی که فقط برای چهار ماه (اواخر بهار و سراسر تابستان) در آن سکونت دارند موضوع رساله‌ای بنام (دهکده تابستانی در فک) می‌باشد که از رادیو گیلان پخش گردید.

۲ - گزارش اول از رسالت اعتماد السلطنه و گزارش دوم از فرهنگ جغرافیائی استان مرکزی و گزارش سوم از نشریه سازمان آمار ایران استان مرکزی اقتباس گردیده است.

خصوصیت و اژدهای جغرافی و معنای کلمه طالقان

شمال ایران بخصوص نواحی کوهستانی مازندران و گیلان مرکز رفت و آمد اقوام و محل زندگی دستجات گوناگونی بوده است که حتی بنام و گفتگی رنسانی گروهی از آنها اطلاعات صحیح و دقیق در دست نیست از دسته‌ای که هنوز آثار ضعیف و محدودی باقی مانده است و یا گروهی از آنها در قله‌های مناطقی مانند طالقان و الموت زندگی می‌کنند می‌توان بدامنه نفوذ همیت آن حتی در شناخت جغرافیائی محیط مسکونی پی‌برد باید اضافه نمود که رفت و آمد کنندگان نواحی کوهستانی شمال ایران محدود بعنصر ایرانی نبوده همانطور که اشاره شد عناصر غیر ایرانی نیز در آن سکونت داشته‌اند گویند فریدون بیست شهرستان در پذخوار گر (نواحی کوهستانی تبرستان و گیلان) برای کوهنشینان ساخت^۱ در طالقان صرف نظر از گورها و حفاریهای محلی و اژدهای جغرافیائی نیز می‌تواند در این زمینه به‌اکمل نماید زیرا یکی از منابع اصیل تاریخ و جغرافیا همین اژده و مفاهیم آنهاست.

بلها و پایه‌ها و مزارع و کتبیه‌ها و گذرگاهها و چشم‌ها و گردنه‌ها و رو دخانه و کوه‌ها و دهکده‌ها بهتر می‌توانند معرف ذوق و اندیشه و شاعر فکر مردم و نقل و انتقال آنها باشند. بعلاوه میدانیم که این دو منطقه بخصوص گاه بصورت زندانهای دولتی و حکمرانی محلی و بناهگاه فراریانی را که بر جان و مال خود این من نبوده‌اند بوده است^۲ و پس از اندک مدتی همه آنها

۱- شهرستان‌های ایران هدایت (از مجموعه پراکنده آثار هدایت) ص ۴۲۲
۲- بطود نموده می‌توان مراغیان رو دبار و شاید هم مردم دهکده میناوند طالقان —

تعبیر عامیانه‌ای که در میان مردم آنسامان مشهور است در رسالت خویش چنین می‌نویسد که در مقدمه کربلا چون یزید قصد کشتن حسین بن علی را نمود از سر ولایات از جمله فروین جمعیتی خواستند مردم برای آنکه هر تک این بدنامی نگردد از وطن خود فرار کرده‌سوی این سرزمین آمدند چون آنها را طلقون یا طالقون می‌کفند جایگاه آنرا طالقان نامیدند اما آنجه را که می‌توان بقیرینه دریافت طالقان تغییر شکل یافته از کلمه دیگریست که بعضی آنرا تالیکان و تالکان ضبط نموده‌اند^۱ بنابراین می‌توان این معنی جایگاه قوم یا نژادی بهمین نام دانست.

خود را با محیط و وضع جدیدی تطبیق داده‌اند شاید یکی از علل نفوذ و کترش اندیشه‌های حسن وجوداًین اقوام خانه‌بدوش و فراریان و بناهندگان ناراضی و پاییند نسبت‌های دیرین خود بوده است بطور کلی می‌توان گفت در واژه‌ها خصوصیات زیر دیده می‌شود:

۱- نامهای مرکب ۲- نامهای مفرد دسته‌اخیر بیشتر از لغات اصلی فارسی گرفته شده است^۱ و دسته اول که بسیاری از آنها در صفحات گذشته آورده شده است بیشتر با نام ده و نام اقوام و روادخانه و اشکال هندسی و مانند آن آمیخته شده است و بسیاری از کوهها و گردنه‌ها و روادخانه و چشم‌سارهای طالقان با این نوع واژه‌ها شناخته می‌شوند که به بسیاری از آنها در صفحات گذشته اشاره شده است^۲. درباره کلمه طالقان اعتماد السلطنه

→ رانم برد. نگارنده در رفت و آمد خود بدھستانهای دیلمان - رحمت آباد- اشکود- سام - عمارلر - رحیم آباد - روبار والموت - طالقان مطالبی تهیه کرده که امیدواراست بتواند آنرا وزی با تهیه اطلاعات بیشتری درباره مراغیان (که این مسافرتها بیشتر با خاطر آن انجام گرفته است) در اختیار خوانندگان قرار دهد.

۱- مانند کش که نام ده و یماکه نام مزرعه است و اولی معنی بغل و بینوله و پهلو و دومی را می‌توان صورتی از هیما یا زیمادانست درج شود بفرهنگ پهلوی س ۲۶۲ و نامها و شهرها و دیده‌های ایران ص ۱۴ و ۳۸

۲- کوههای دیگر طالقان عبارتند از : امرنان - الھوجال - اوچان- بایز رود بادیسر - پیازچال - پرکه - تنگه‌دره - تنوره کان - تیغه‌چال - خشک‌چال زوبشت - سیانسام - سیاه دره - سفیدآب - سیب‌بنه - سنگواری - شاه‌گرم کامکان - گوپیشانی- گوگهره - گل‌کند - کنگرس چین- لارک - منداچال - ملمنگه میان بند - نواکرم - نودنبال - نر دیان - نرمذمین - هفت‌خوانی- یوردرس. گردنعای دیگر طالقان عبارتند از : دریسر - پیراهن جشم - سیانسام نودنبال - تنورخان- براهمی آباد - درکش - تنگه‌دره - هفت‌خوانی سمامشک در

- ۱- تاریخ تمدن ساسانی بنقل از جغرافیای موسی خورن ص ۳۲۲. در مخالفت مردم ناسیه ذوهستانی شمال ایران با یزید بن معاویه تردیدی نیست. نامه خرد ساسان بدپادشاه، رسمدار منتشره در مجله بوخت دوره پنجم شماره ۴ سال ۱۳۲۳ ماند منابع تاریخی دیگر گویای این حقیقت می‌باشد.

منابع این بخش

- امین احمد رازی
اعتمادالسلطنه
ستادارتش
محمد علی گلریز
پوردادود
ابن خردادبه
ابن رسته
فرهاد میرزا
از انتشارات سازمان برنامه
جواهر کلام
صادق هدایت
دکتر فرموشی
کسری
سعید نفیسی
شوایندشادرن
- ۱۷- هفت اقلیم (خطی)
۱۸- جغرافیای قدیم و جدید (خطی)
۱۹- فرهنگ، جغرافیائی استان یکم ج ۲
۲۰- مینو دریا باب الجنة قزوین
۲۱- آناهیتا
۲۲- ممالک ممالک
۲۳- الاعارق النفسم
۲۴- شناسی
۲۵- آثار اسلامی ایران
۲۶- تاریخ تهران
۲۷- شهرستانهای ایران
۲۸- فرهنگ پهلوی
۲۹- نامها و نوادیه‌های ایران
۳۰- تاریخ تمدن ساسانی
۳۱- سیاحت‌نامه شاردن

منابع این بخش

- سترنج
ابن اثیر
یاقوت
یاقوت
یاقوت
ابوالفدا
فول
اصطخری
ابن حوقل
گنمam
قدسی
ذکریای قزوینی
امام رافی
قزوینی
حمدالله مستوفی
کسری
- ۱- جغرافیای سرزمینهای خلافت شرقی
۲- اللباب فی تهذیب الانساب
۳- معجم البلدان ج ۳
۴- المشترک وضماً والمفترق صعقاً
۵- مراصد الاطلاع
۶- تقویم البلدان
۷- فرهنگ فارسی-لاتین ج ۲
۸- ممالک ممالک
۹- سورقا الارض
۱۰- حدود العالم
۱۱- احسن التقاسیم
۱۲- عجایب المخلوقات
۱۳- التدوین فی اخبار قزوین
۱۴- آثار البلاد
۱۵- ترہت القلوب
۱۶- مقالات کسری ج ۱

بخش سوم

مشاهیر طالقان

دانشمندان و معاریف طالقان

آنکه این نکته لازم است که کلمه (طالقانی) شهرت یکی از خاندانهای قدیم ایرانی در نجف بوده است ظاهراً نسبت آنان بطالقان قزوین روسن بیست. آقای دکتر معین ذیل کلمه طالقانی بنقل از لغت نامه دهد: سید جداین خاندان (سید) حسن معروف بمیر حکیم ابن (سید) حسین است که از شاگردان مجلسی در اصفهان وابن الوندی در کاظمین است. شیخ علی حزین و آقا احمد کرمانشاهی تزاد و تلمذ کرده‌اند. از فرزندان وی دانشمندانی در قرن ۱۳ ه. در نجف سکونت داشته‌اند که از جمله آنان کسان ذیل را باید نام برد:

احمد بن حسین بن حسن میر حکیم - سید باقر بن رضا بن احمد بن حسین بن حسن میر حکیم - جعفر بن علی بن حسین بن حسن میر حکیم - جواد بن سعید بن علی بن حسن میر حکیم - حسن بن محمد بن علی بن حسن میر حکیم^۱.

اما نگارنده تا آنجا که اطلاع دارد آنان خود را بطالقان قزوین منسوب میدانند مؤلف کتاب زندگانی شیخ انصاری می‌نویسد: سید حسن آل حکیم در سال ۱۲۷۴ متولد گردید و در سال ۱۳۰۷ وفات یافت وی از

^۱- فرهنگ مسین ج ۵ ص ۱۰۶۷

شاگردان شیخ انصاری بوده است^۱.

ابوالحسن عباد بن العباس بن عباد الطالقانی

پدر کافی الکفاة صاحب بن عباد است که از ابوحنیفه فضل الحجاب و دیگران استماع حدیث کرد. ابوالفضل گوید در کتابخانه صاحب بن عباد کتابی در احکام قرآن دیدم بتصنیف پدرش عباد که در آن مذهب معتزله را نصرت کرده بود. گروهی از دانشمندان و محدثین اصفهان از او اخذ حدیث نموده اند.

ابو عبدالله سیدی طالقانی

از بزرگان علم حدیث بوده است که پیش از سال ۳۱۰ درگذشت. ابو عبدالرحمن سلمی بدینسان نام او را در تاریخ صوفیه آورده است^۲.

احمد طالقانی

احمد بن محمد بن حمزه طالقانی از جمله علمای امامیه و صاحب کتاب روضۃ المتهجد و نزہت المتبعد می باشد^۳.

ابوالحسن طالقانی

دوست مبارز مرحوم سید حسن مدرس در سال ۱۲۷۸ در گلیرد
 ۱- زندگانی شیخ انصاری - اطلاعات مربوط بشاگردان طالقانی شیخ انصاری
 از شرح زندگانی او اخذ و اقتباس گردیده است ظاهراً منظور از سید حسن
 آللرکبیم آخرين فرد مشهور از فرزندان میر حکیم جد این خاندان است.
 ۲- لالاسب چاپ هلند ص ۳۶۳ ۳- الانساب چاپ هلند ص ۳۶۴
 ۴- راهنمای دانشوران چاپ قم ج ۱ ص ۹۸



مرحوم حاج سید ابوالحسن طالقانی

طالقان بدین‌آمد. تحصیلاتش نخست در نویزک تزدماں محمد مکاری نویزکی انجام گرفت، سپس باصفهان رفت و پس از آن مدتی در تهران اقامت گزید و در تحصیلاتش بارسفر بست: ده سال در سامره تزد بزرگترین پیشوای ساج میرزا حسن شیرازی و ۷ سال هم در کربلا در محضر حاج سراج ماعیل صدر تلمذ نمود. مرحوم حاج سید ابوالحسن کوزندگیش را با ساعت‌سازی اداره مینمود دارای تأثیفاتیست که وسیله انجمن تبلیغات

و مناظرات مذهبی که در مدرسه مروی تشکیل میشد چاپ و منتشر گردید و از جمله آثار آنمرحوم تقریر درس مرحوم شیخ محمد حسن اصفهانی است که نیز چاپ نگردیده حاج سید ابوالحسن طالقانی در دوشنبه هیجدهم شعبان سال ۱۳۵۰ هـ در سن ۷۲ سالگی وفات یافت و در نجف دفن گردید آبدالله حاج سید محمود طالقانی از فرزندان نامی آنمرحوم

امیرالادباء

جمعه امیری ملقب با امیرالادباء از خطاطان معروف اخیر است که وظیفه نسخ و نستعلیق و شکسته مهارتی تام داشت و بخط او کتابهای زیبادی، چاپی و خطی باقیمانده است وی که مردی ادیب و شاعر پارسا بود بموسیقی نیز آشنائی داشت دوران زندگیش در خدمت فرهنگی و آموزشی گذشت و در سال ۱۳۶۵ در سن ۷۰ سالگی در تهران وفات یافت.^۱

ابراهیم معارف

میرزا ابراهیم معارف مشهور به میرزا ابراهیم طالقانی کذبادگاهش کرکبود طالقان است مردی مبارز و آزاد بخواه و دانش دوست و فرهنگ پرور بود که بین زبانهای انگلیسی، عربی، آلمانی، فرانسه آشنا بوده است و به زبان عربی و فارسی و فرانسه شعر رانکو میسرود. زبان فرانسه را در زمانی بجرم مشروطه خواهی در زندان سر می برد یادگرفت مدتها برای آزردن روح حساسی اور ابدار المجانین می برند و خود در شکوایه ای که در این باره سروده اشاره بآن می نماید:

دست طبیعت مرا دار مجانین کشید لباس دیوانگی بقامت من برید

۱- دیاضن العارفین ص ۱۰۸

نمونه خط سید جعفر امیرالادباء

و لام کل لیز بساله بیهی در باب ضعیف الاروف تلاع تحریر

نخت نام خالقی که اوسته داوری

سپسک نما یم عرض خود بمحترت جزائی

نمایم بسر بعد فخر شهر گل زیارت نیاقم نظری

دلی بفضل و دانش نجحت خویش میشکر

نمایم هاده بقد و شبکه قیز غصه بخلمه

نمایم غیب زندگان امیر میبا نوکار نویز علم و خ عرب خسیر داہری

نمایم علوم دایز فون دشنه حال بگون بلطون نظم عرضه کن بجهت جذب



تاریخ طالقان

در اثر ذیل افکار بلند این مرد آزاده را که مدت‌ها در پست‌های حساس قضائی و فرهنگی عهده‌دار مشاغل مهمی بوده است می‌توان بخوبی سنجید.

اندرز معلم

معلمی در کلاس کرد بطفلان بیان

که این زمان را بسی است قیمت وقدرگران

منم بقدیر حق امیر این کاروان

براه اندر شوید روان و چون من دوان

شاهد مقصود را ببر بر آریدهان

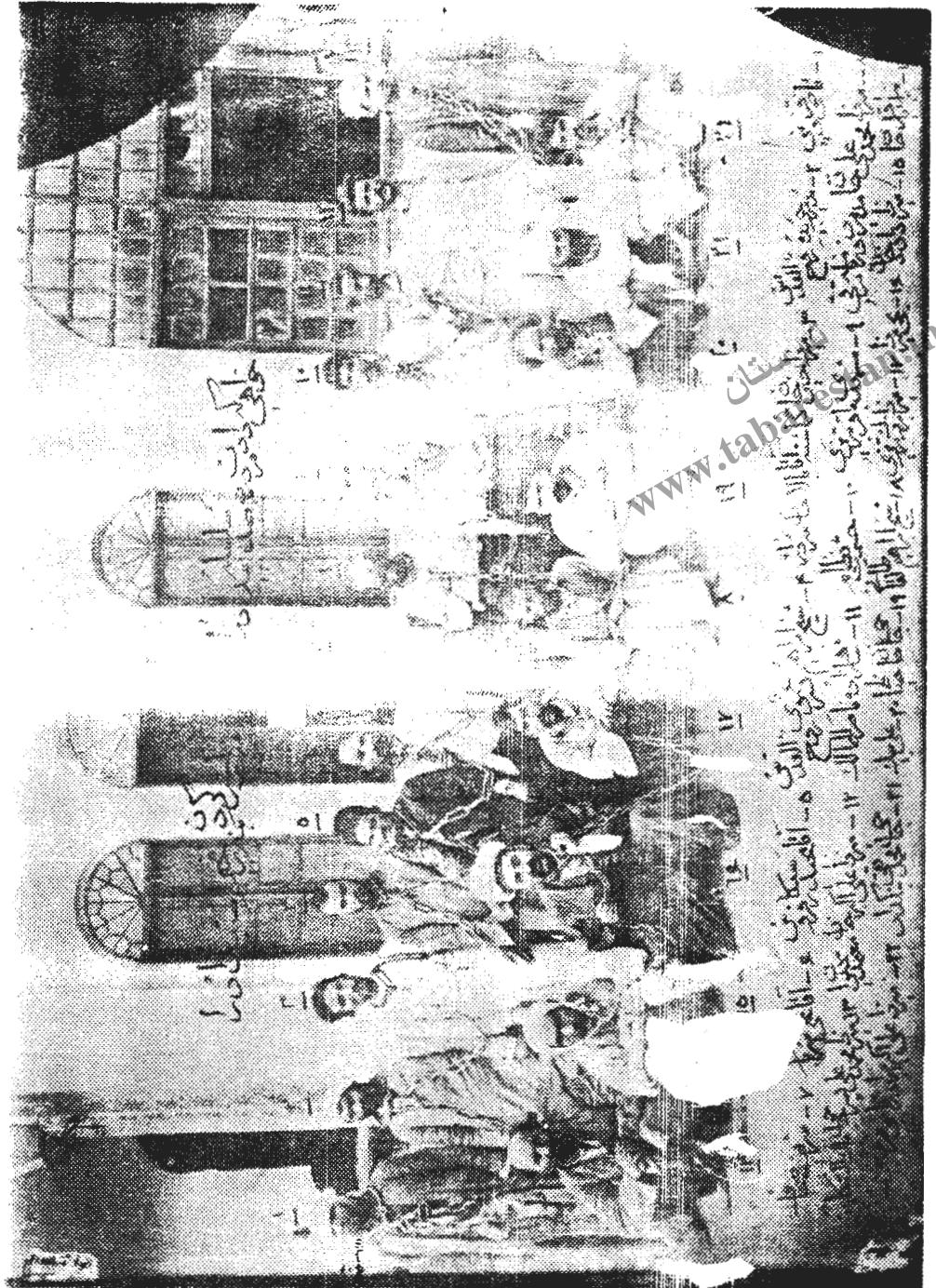
منم برای شما بحکم معنی پدر شما مرا چون بسر زمهر من بی خبر
گاه زمکب کنید کناره و سر برد منم درختی زیباغ پر شمر و بارور
زمن بچینید ببر، کنید ازاونوش جان

زندگیم در جهان همیشه جان سوز بود حاصل تحصیل من طفل نوآموز بود
زحمت دیروز من برای امروز بود طالع من عاقبت طالع پیروز بود

منم در این خاکدان نامور و حیادان
بلوی داش بسی خفته برای شماست در منش بس گهر سفته برای شماست
هم در کشا نهاد رفته برای شماست هر آنچه بشنیده ام گفته برای شماست

برای خدمت شدم پدید اندرجهان
امانت خویش را زمن بگیرید باز بنوبه خود کنید بردگری کشف راز
وان دگری بسپرد بطائز شاهباز تکامل آنکه شود که او شود سرفراز

کنز خفی می‌شود بر همه گیتی عیان



تاریخ طالقان

هماره بند مرا کنید چون گوشوار
بگوش آویخته همچو در شاهوار
شوابد با هرغمین برادر و غمکسار
سیم وزر خود کنید راه فقیران نثار
کین صفت حق بود سخاوش نام و نشان
از زندگی سیاسی و اجتماعی این مرد بشروعت بیش از این
اطلاعی در دست نیست اما در تصویر گروهی از آزادیخواهان زمان مشروطیت
که در با غشاء بزنجیر بسته شده‌اند نفر ۱۸ شیخ ابراهیم معارف کربلایی
است و این عکس در ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ برداشته شده است.

ابراهیم جزئی

ملا ابراهیم جزئی از مشاهیر و دانشمندان طالقان بوده و حکومت
شرعیه دهستانهای طالقان و ساوجبلاغ را در دوره سلطنت نادر شاه بمخان
زند داشته وی معاصر ملانعیمای طالقانی بوده است

ابراهیم بن الحجاج طالقانی

ابراهیم بن الحجاج بن فضیل الطالقانی الفزوینی از جمله معارف
طالقان می‌باشد که نامش را امام رافقی در کتاب خود آورده است.

اسماعیل بن ابی العباس

اسماعیل بن ابی العباس الطالقانی نامش بدین ترتیب در التدوین
ذکر می‌گردد:

اسماعیل بن یوسف طالقانی
اسماعیل بن یوسف محمد بن العباس الطالقانی مشهور به ابوسعید
الفقیه الطالقانی پدر رضی الدین طالقانی است.^۱

۱- بعضی از معارف منسوب به طالقان را که امام رافقی در التدوین نام می‌برد
نمی‌توان بطور تحقیق از مشاهیر طالقان تزویین پنداشت.



تاریخ طالقان

حیدر بن شعیب طالقانی

حیدر بن شعیب طالقانی در شمار محدثان و از مشايخ فلسکبری است^۱.

حسینعلی طالقانی

حسینعلی طالقانی از خطاطان معروف قرن ۱۱ و نویسنده خط نسخ که در سال ۱۰۷۰ فوت می نماید^۲.

حبيب الله طالقانی

حبيب الله پیر استاد ابوطالب طالقانی نویسنده خط نسخ و نستعلیق که در تاریخ ۱۲۲۴ فوت نموده است^۳.

حشمت طالقانی

میرزا ابراهیم خان طالقانی معروف بدکتر حشمت طالقانی فرزند عباسقلی حکیم باشی از دوستان تردیک میرزا کوچک خان و از مجاهدین بنام گیلان نموده است. این طبیب مبارز و انساندوست در زنجیره زندگی اجتماعی نیز مردمی صدیق و خادم بوده و در لاهیجان بتوسعه فرهنگ و تأسیس نظام هنری و احداث نهر حشمت رود کمک شایانی به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مردم آنسامان نمود^۴. این مرد نامی که در چهارم اردیبهشت ۱۲۹۸ زمان نحوه القوله در شهر رشت بدارآویخته شد^۵ ماجراهای زندگی

۱- راضفه ناتوفان چاپ قم ج ۲ ص ۹۸
۲- خط و حملان

۳- میرزا کوچک خان سرمه بیتلک ص ۱۵۶
۴- دکتر حشمت کار و مسئله گیلان بجاید

خود رهسپار گشت^۱. رضی الدین در فروین مورد توجه عامه فرار گرفت و بستورش برآهنی اسم ابوبکر و عمر را نقش کرده و آنرا در آتش گذاشته بیشانی بزرگان شیعه را داغ نمودند. وی در محرم ۵۹۰ هـ درگذشت^۲. رضی الدین دارای سه فرزند که نام هرسه محمد و کنیه آنان ابو اسماعیل ابوالمناقب - ابوبکر بوده است داشت و ابو اسماعیل در زمان حیاتش فوت نمی‌کند^۳.

زین العابدین طالقانی

زین العابدین شاه نظر طالقانی متوفی سال ۱۱۱۲ در نوشن خط سخ شهرت داشته است.

صاحب بن عباد طالقانی

اسماعیل بن عباد بن عباس طالقانی عالم، فقیه، محدث لغوی، شاعر، متكلّم، ادیب در سال ۳۲۶ بدینا آمد و در سال ۳۶۶ بوزارت مؤیدالدوله و بعد از آنهم بوزارت فخر ۱۱ وله مخصوص گردید. حاجی با وجود داشتن کارهای سیاسی با مردم علمی توجه فراوانی داشت و تأثیفات مهمی ارزشمند است که از جمله آنها عبارتند از: ۱- المحیط در لغت ۲- الزیدیه ۳- الکافی ۴- الاعیاد و فضائل النوروز ۵- فی تفضیل علی بن ایطالب ع- وزراء ۷- عنوان المعرف- در تاریخ ۸- دیوان شعر در کتاب اخیر یکی از قصائدش که در مدح حضرت رضاست سبب تأثیف کتاب

۱- الانساب چاپ هلند من ۲۶۴

۲- آثار امیر دنسخه خطی ملک من ۱۹۸

۳- التدوین امام رافعی نسخه عکسی کتابخانه ملی من ۵۱ و ۵۲

سیاسی و نظامی خود را بصورت کتابی تألیف کرده بود. چون خود را در محاصره مخاطرات سیاسی و نظامی دید آنرا بدست یکی از دوستانش سپرد تا پس از اوج اپومنتر گردد اما آن اوراق بدست دشمنانش افتاد و آن را سوزانیدند، آرامگاهش در حیاط مسجد جله خانه رشت می‌باشد.

درویش خان طالقانی

غلامحسین خان معروف بدرویش خان فرزند آقا بشیر در سال ۱۲۵۱ در قریه زیدشت طالقان بدینا آمد. وی ابتدا اصول علمی موسیقی را که از اوان کودکی به آن علاقه داشت آموخت و آنگاه مسافرت‌های هم بکشورهای اروپائی نمود و در امر موسیقی شهرت بسزائی کسب کرد تا جایی که می‌گویند تحول موسیقی را در ایران بی‌ریزی نمود^۱. درویش که از اهل حروف و از مسلسل صفتی علیشاه و مرید ظهیرالدوله بود در شب چهارشنبه دوم آندر ۱۳۰۵ شمسی (۱۸ جمادی الاولی ۱۳۴۵ هـ) موقعی که از منزل مصدق السلطان بر می‌گشت با ماشینی تصادف کرد و پس از چند لحظه جان سپرد. ^۲ (در ویژه مکانه جهان‌رفت) ماده تاریخ وفات او است که گفته‌اند^۳.

رضی الدین طالقانی

ابوالخیر احمد بن اسماعیل بوسف طالقانی ملقب بر رضی الدین از مردان نامی طالقان و از علمای شافعی و معاصر شیخ جمال عبدالرحمان بن علی بن المیوزی بوده است. سمعانی گوید که بایکدیگر در نیشابور حدیث استعمال کردند و به با منیر برأی تفسیر بطور آمد و پس از مردنی بسمت بلاد

۱- تاریخ و موضع س ۲۱۶ و دیوان عارف چاپ چهارم من ۶۱۱ تا ۶۱۵

۲- تجربه شکرگشی س ۲۳

عیون اخبار الرضا^۱ گردید و شیخ صدوق آنکتابرا بنام او پرداخت.^۲ صاحب در ۲۴ صفر ۳۸۵^۳ دری وفات یافت و در اصفهان دفن گردید.^۴

عبدالمجید طالقانی

درویش عبدالمجید طالقانی مشهور ترین خطاط منسوب بطالقان است. وی معاصر کریم خان واژ شکسته نویسان معروف آن زمان است.^۵ گاه تشخیص کلمات مکتوب درویش بسیار مشکل بوده است و خود در این باره می‌گوید: «کرامت کسی دارد که خط مر اخواندن تو اند»^۶ درویش در قریب مهران به نیا آمد و در شیراز فرزندگی نمود در سال ۱۱۸۰ در اصفهان وفات یافت. در مقابل در بزرگ تکیه میر فندرسکی واقع در تخت پولاد اصفهان آرامگاهی است که در آن قبر درویش است.^۷ از درویش که در شعر «خموش» تخلص می‌کرد دیوان شعری باقی مانده که هنوز بچاپ نرسیده است.^۸ شیخ علی سوهانی معروف به تنها از هر دان مبارز و فرنگدوستی

۱- راهنمای دانشوران ج ۲- جغرافیای طالقان سخة خطی ص ۵۲

۲- بعض ائمه مؤلفین موطن صاحب داشیراز و عنده ای هم طالقان اصفهان (طالقان جی) دانسته اند. قتل آنان بیشتر متوجه ایاتیست که صاحب در باره جی که اسم آن در سکھای دوره اعراب دیده میشود و در زمان ساسانیان نیز آباد شهرت بیشتری داشت سروده است می باشد. در این باره رجوع شود به مجله ارمغان سال هشتم اصفهان ص ۱۸۴

۳- مجله وحدیصال اول شماره دوم فردیچاردز جائی را که امروز جلنا می نامند و مسکن ادامه میباشد جی سابق میغذلند. رجوع شود به سفر نامه فردیچاردز ص ۷۶

۴- تحفة العالم چاپ بیشتر ص ۲۵۲ مؤلف کتاب مینویسد: درویش در شیراز بكتاب مشغول بود و در آنجا وفات یافت.

۵- سد مقاله سخة خطی ص ۹۸

۶- مجله پشا سال سوم ص ۱۶۰



بود که در دوران انقلاب جنگل مورد توجه عامه قرار گرفت. او در این شهرستان مدرسای بنام انفاق دائز نمود. این آموزشگاه که بعدها بنام شمس نامی^۱ مرکز تجمع آزادیخواهانی گردید که با همکاری میرزا کوچک خان تشكیلات اولیه جنگل را پی ریزی نمودند و باز با همکاری آزادیخواهان مدرسه شش کلاسه دیگری در ماسوله دائز نمود.^۲ مشاغل میرزا کوچک خان سردار جنگل ص ۲۸۹^۳ - تاریخ مدرسه ایران ص ۲۲۲^۴ به بعد.

تاریخ طالقان

و خدمات دیگری که این مرد مبارز عهده‌دار بود و یا انجام داده است
عبارتند ا تو:

- ۱- تأسیس مدرسه دخترانه بنات اسلامی
- ۲- نمایندگی فرهنگ لنگرود
- ۳- بازرسی اداره فرهنگ گیلان
- ۴- نمایندگی فرهنگ فومنات
- ۵- مدیریت مدرسه رودکی شماره ۴

شیخ علی پس از ۶۸ سال زندگی در اواسط بهمن ماه ۱۳۱۱ بدرود
حیات گفت.

علی اکبر طالقانی

از مشاهیر منسوب بطالقان علی اکبر طالقانی است که بمسلک تصوف
تمایل داشت و مدتی در آذربایجان می‌زیسته است و در سال ۱۱۶۰ هجری
در قته خراسان کشته شد.

علی‌محمد طالقانی

ملاعلی‌محمد فرزند علی سوانحی مدتی در فزوین بتحصیل اشتغال
داشت، آنگاه بنجف رفته و در حوزه شاگردان شیخ انصاری فرار گرفت. علت
عمله اشتباهش وصیت شیخ بود که باید ملاعلی‌محمد اورا در قبر بگذارد
پس از قوت شیخ با تجلیل فراوان بهران آمد و در سال ۱۳۱۱ ه. فوت

دانشنمندان و معارف طالقان

نموده و در آین بازی بود دفن گردید.^۱

علی بن صالح طالقانی

از معارف و زهاد طالقان فزوین بوده و در کتب مناقب مطالب فراوانی
در باره اش نکاشه شده است اما از مجموع این روایات تاریخ تولد وفات
و خصوصیات دیگر زندگیش بطور دقیق معلوم نمی‌گردد ظاهراً در زمان
امام هشم می‌زیسته و بدستور هارون بقتل رسید.^۲

علی‌ینقی دیزائی

شیخ علی‌ینقی دیزائی استاد حکمت و فلسفه بود. تحصیلاتش ابتداء در
فزوین نزد آخوند ملا آقا حکیم مشهور و ملا عبد‌الکریم ایروانی و حاجی
ملاتقی فقیه و راغبی بوده است، سپس در تهران اقامت نمود و مدتی هم در
مدرسه میرزا زکی هازندرانی تدریس برداخت.

عبدالکریم طالقانی

عبدالکریم از خطاطان معروف قرن ۱۳ ه. بوده و در نوشتن خط
نستعلیق نه است و در سال ۱۳۰۰ فوت می‌کند.

علی طالقانی

علی بن فضل الله طالقانی از خطاطان قرن ۱۳ ه. بوده و در نوشتن
خط نسخ شهرت داشته است. وفاتش در سال ۱۲۹۰ اتفاق افتاد.
۱- تاریخ صدۀ ایران ص ۹- مؤلف از فرزندزادگان مرحوم علی‌محمدواز
مشاهیر طالقان می‌باشد.
۲- جغرافیای طالقان نسخه خطی ص ۵۳

غواص طالقانی

شیخ مهدی فرهنگی متخالص بغواص در سال ۱۲۲۹ شمسی در فریه آرتون طالقان بدینا آمد. تحصیلات خود را تزدیع عمویش ملا عبد‌الکریم که از جمله خطاطان آذدیار بود (قبل از آن نام برده شد) انجام داد. دوران زندگیش را بیشتر در تنکابن گیلان صرف تعلیم و تربیت افراد آنسامان نمود. مدتی هم در مدرسه اتفاق رودسر عهدهدار دروس ادبیات فارسی و عربی بود و در سال ۱۳۱۶ پس از ۷۸ سال زندگی فوت نموده و در آرتون دفن گردید. شهرت غواص در میان مردم طالقان بیشتر بواسطهٔ مراثی او می‌باشد و از او دیوان شعری باقی مانده است که هنوز بچاپ نرسیده^۱.

موسی طالقانی

موسی بن عزیزالله طالقانی نویسندهٔ خط نسخ است. در ۱۰۹۳ وفات یافت.

محمد حسین طالقانی

شیخ محمد حسین طالقانی صاحب کتاب نتایج البدایع که شرحی است بر شرایع و بدایع الاصول از شاگردان شیخ انصاری بوده و در سال ۱۲۸۱ وفات یافته.

محمد تقی آل احمد اورازانی

شیخ محمد تقی آل احمد اورازانی یکی از رجال مذهبی ابن سامان

۱- تذکرة شرائع و نویسنده‌گان گیلان

ومورد علاقهٔ خاص مراجع تقلید زمان خود بوده است. وی سالها از طرف آیت‌الله بروجردی سرپرستی شیعیان مدینه را در آن شهر عهده‌دار بوده و در همانجا نیز وفات یافته و آقای جلال آل احمد نویسندهٔ فاضل و توانای برادر مرحوم محمد تقی آل احمد اورازانی است.

محمد تقی طالقانی

تقی فرزند احمد حسینی مؤلف کتاب الصلوة و کتاب المظاہر المقلیۃ فی الاحکام الدینیۃ و کتاب القضاe و رسالتہ الولایۃ می باشد که در سال ۱۳۱۵ در خوارسان کشته شده است^۱.

مسيح كرودي

ابتداً تزد مرحوم مکلای نویز کی بتحصیل پرداخت و پس از آن در تهران نزد اساتیدی مانند میرزا حسن آشتیانی و میرزا ابوالحسن جلوه تلمذ نمود. این روحانی روشن بین که سال‌ها مدرس مدرسهٔ مروی و سپهسالار بود در حدود سی سالگی بار سفر بست و پس از انجام هر اسامی حج از کشورهای عربی در آن و ایتالیا و روسیه دیدن نمود و با پاپ رهبر کاتولیکهای جهان ملاقاتی بعمل آورد و این مسافرتها بمدت ۳ سال (از ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۱) قمری) طول کشید و چون از اعلام علمای طالقان بشمار می‌آمد و تولیت بعضی از اهالیک موقوفه را بعیده داشت جیب استرداد دهکده و شته که مدعی بود از زمان صفویه بصورت موقوفه درآمده است دست بکوشش‌های فراوانی ر. نه چون منجر با اختلافات شدیدی گردید در انجام آن توفیقی یافت. آثاری که از او بیادگار مانده و هنوز هم بچاپ نرسیده است عموماً

۱- تاریخ تهران ص ۶۲

تاریخ طالقان

بزبان فارسی است و در ابتدای یکی از آنها بیت زیر نوشته شده است :
فارسی گوگرچه تازی خوشتراست عشق را خود صدیقان دیگر است
و عبارتند از :

۱- در الفلائد ومنبع الفوائد فى الشرح على الفرائد (۶ جلد)

۲- مظاهر الأحكام الاليمية فى فقه الإمامية (در قضاو شهاده)

۳- ارجح المسائل (در ارجح ورضاخ)

شیخ مسیح کرودی در حدود ۷۰ سالگی در اسفند ۱۲۹۹ قمری در
تهران وفات یافت و در ابن بابویه دفن گردید .

محی الدین علوی طالقانی

سید معی الدین علوی طالقانی فرزند بزرگ سید کاظم در سال



سید محی الدین علوی طالقانی سید معی الدین علوی طالقانی

پیاتقاپیای ساکنین قبات آباد تهران و دستور حاج شیخ عبدالکریم بتهرا
آمد و عهددار امامت مسجد قبات آباد و تدریس در مدرسه مروی گردید

دانشنمندان و معارف خلاقالقان

از وی که مردی گوشیدگیر و پارسا بود آثاری بیانگار مانده است که بهمترین آنها عبارتند از : ۱- آثار الاعمال در دو جاد چاپ شده - تفسیر دعای نبد که هنوز بعجیب ارسیده است و پس از ۸۲ سال زندگی در اول فروردین ۱۳۴۷ فوت نموده و در قم دفن گردید .

ملامحسن طالقانی

ملامحسن فرزند محمد طاهر طالقانی مؤلف کتاب معروف بشرح عوامل است که عوامل مازم‌حسن نیز شهرت دارد .

مولی طالقانی

شیخ مولی ابوالقاسم طالقانی از شاگردان شیخ انصاری بوده است که در حدود سو ۱۳۰۰ وفات یافت .

محمد آقا کرودی

از عمامی بنام طالقان و مورد توجه حاج شیخ فضل الله نوری و مدرس مدرسه یونس خان و امام جماعت مدرسه سپهسالار بوده است .

مولانا فراقی طالقانی

مولانا فراقی طالقانی حافظ قرآن بوده و آواز خوشی داشته و در موسقی و غزلسرایی هم استاد بوده است^۱ .

محمد مکلای نویز کی

شاعر و ادیب و روشنفکری که سمت استادی بسیاری از فضای

۱- تاریخ نظم و نثر فارسی ج ۱ ص ۵۳۷

طالقان را داشته است، مرحوم مکلامی باشد. هراثی وی در طالقان شهرت فراوانی دارد. او دارای محاسنی کوتاه بود و بالباس معمولی و نیمه بلند در میان مردم می‌زیست و چون عمامه برسر نمی‌نهاد بمکلا معروف گردید و خودبیز در شعر مکلا تخلص می‌کرد^۱.

مولانای مرجانی

محمد علی مرجانی ملقب به مولانا از جمله معارف طالقان می‌باشد. وی که مردی عالم و پر هیز کار بوده در عصر ملانعیماً طالقانی میزیسته است و در سال ۱۲۰۶ در زادگاهش وفات یافت و بر روی سنگ مرمر مقبره‌اش ضمن قطعه شعری این بیت بنظر میرسد:

مجید جود و سخا بحر علم و دانش و فضل

جراغ محفل دین سالک طریق یقین

نظر علی طالقانی

ملانظر علی فرزند سلطان محمد از شاگردان مرحوم شیخ مرتضی صاحب آثار و تأثیرات زیادیست از جمله آنها عبارتند از: ۱- اجتماع الامر والنهی ۲- اشتراط الحسن فی قبول الشهادة ۳- حاشیة رسائل شیخ مرتضی ۴- حجیۃ الخبر الواحد ۵- رساله‌ای در فتاویٰ مناط الاحكام ۷- کاشف الاسرار. ملانظر علی در سال ۱۳۰۶ هـ در مشهد درگذشت^۲.

۱- این بیت شیرین منسوب باوست:

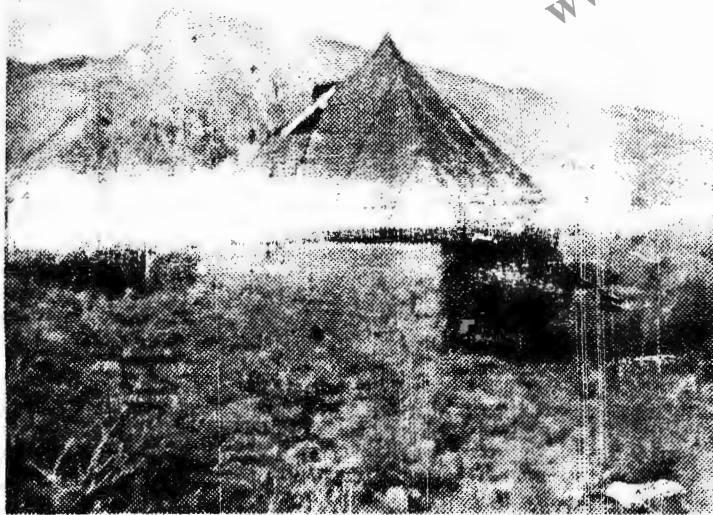
دیش آنست ذنخداهن پوشی نه در آن جای کند خرگوشی
۲- المائت و الائتمار باب دهم ص ۱۷۴ - ریحانة الادب ج ۲ ص ۶ مؤلف کتاب
آخر اورا طالقان خراسان نسبت می‌دهد که درست نیست ..

نورالله طالقانی

نورالله طالقانی که در قرن ۱۱ میزیسته در نوشتن خط نسخ شهرت داشته است. تاریخ و فاتح را مؤلف خط و خطاطان سال ۱۰۷۸ می‌نویسد.^۱

نعمای طالقانی

نعمای طالقانی معاصر شاه سلطان حسین صفوی و کتابدار در بار کشته‌ان از حمله افغان‌هه باصفهان و محاصره آتشپر بسوی قم



مزار ملانعیماً واقع در کنار دهکده‌گردبود طالقان

رهسپار گردید و در همین زمان کتاب اصل الاصول خود را نوشته است. از مصنفات دیگرش کتاب مبده و معاد است. وی تاسال ۱۲۰۶ میزیسته و قبرش

۱- بسیاری از خطاطان را که ما در اینجا نام برداشیم از کتاب خط و خطاطان اخذ و سپس گردیده است.

زکر کبود محل تولد مردم زادگاهش می باشد^۱.

خلیل طالقانی^۲

عارف و شاعر و خطاط عصر صفویه که مدنه در اصفهان می زیست.
در حدود ۳۰ سال در آن شهر گوشنه نشینی اختیار نمود و از مشایخ صوفیه
شمار می آمد و ۷۰ جلد کتاب بخط خود نوشته و آنرا بر طلاق وقف نمود.
آثار مهم او عبارتند از :

۱- زادالسبیل - ۲- رساله در علم مناظره - ۳- ترجمه متن کافیه ابن حاجب.

صنیع همایون مرجانی

هنرمند و نقاش و مهندس و مهندس و قلمدان ساز معروف دوران قاجاریه. او
در مجمع صنایع دوران ناصر الدین شاه سرپرست کارهای هنری بوده
ست. از جمله شاهکارهای بی نظیر یکه از او بیاگار مانده قدح و قلمدان
نهشت کاری است در موزه آستان قدس رضوی و تابلوی بسیار نفیس و زیبائی
ست که در آن محاصره تهران و سلسله آزادیخواهان مشروطه و جنگ
ادامک نشانه داده شده است.

علی اکبر نویزی

علی اکبر نویزی فرزند مصطفی از خطاطان قرن اخیر است که در
۱- اصل الاصول نسخه خطی ص ۲- جفرابی طالقان نسخه خطی ص ۵۲
۲- ریاض الملحقین ص ۱۰۸

تذهیب و تجلیل نیز ههارت داشته و از او فرآنیهای ذیادی در کتابخانه‌ها و
موزه‌ها دیده شود و از جمله آنها قران بسیار نفیس و زیبائی است که در
سال ۱۳۳۴ قمری نوشته شده است.

جبروهی دیگر از مشاهیر طالقان

مولی نقی شاذانی مدفون در بقعه شیخ مغفور طالقان
سیدعلی اکبر او زاده
سید عبدالعلی او زاده
میرزا عبدالغنی هشانی از شاگردان شیخ انصاری
عبدالخیل بن اسماعیل طالقانی
عبدالرحمن بن علی بن ابی منصور طالقانی
عبدالرزاک بن عبدالواسع الفقیه الطالقانی
عبدالله بن الحسن الادیب الطالقانی
عمر بن محمد فقید الطالقانی
میرزا حسین دنبیه‌دی
حجی بن الحسین طالقانی
محمدحسین طالقانی مؤلف کتاب شرح نصاب العبیان
شیخ محمد حسین شرودی
شیخ هر تصی طالقانی
موسى طالقانی که در سال ۱۲۳۰ تولد یافت و در نجف از دنیا رفت

تاریخ طالقان

محمد بن ابی الاسوار بن محمد ابو جعفر الشندی الطالقانی (صاحب الدیلم)

محمد بن الحسن طالقانی مکنی بهابو عبدالله

محمد بن العباس الطالقانی که مدتی در بغداد زندگی می کرد

محمد بن یاد احمد نویسنده خط نستعلیق ۱۰۸۵

محمد یوسف طالقانی نویسنده خط نستعلیق ۱۰۵۷

شیخ جعفر میراثی

میرزا حسن خان طالقانی عضو مجمع علمی نویسنده‌گان نامه‌داشتوان

ملامحمد تقی معروف بشید ثالث از جوستان طالقان بعت سکونت در

برغان به محمد تقی برغانی معروف است

مال محمد صالح برگانی برادر ملامحمد تقی و از فقهای معروف عصر خودمی باشد.

منابع این بخش

به ترتیبی که از آنها استفاده شده است

- | | |
|--|--|
| دکتر معین
انصاری
سمعانی
سیدعلی اکبر برقعی
محمد عوفی
ابراهیم فخرائی
ابوالحسن سم دفیعی میرآبادی
سعیدی حسنی
عارف قزوینی
حسن شکوهی
قزوینی
امام رافعی
اعتمادالسلطنه
سال هشتم | ۱- فرهنگ معینی ج ۵
۲- زندگانی شیخ انصاری
۳- الانساب
۴- راهنمای رانش ران ج ۱۶ و ۲۰
۵- لیلی ۱۷۱ ابی
۶- میرزا حسن خان سردار جنگ
۷- دکتر حشمت که بود و جنگ گیلان چه بود؟ محمد تمیمی طالقانی
۸- خط و خطاطان
۹- تاریخ موسيقی
۱۰- دیوان عارف
۱۱- «شکوهی»
۱۲- آثار البلاط (خطی)
۱۳- التدوین (عکسی)
۱۴- جغرافیای طالقان
۱۵- مجله ارمغان |
|--|--|

تاریخ طالقان

سازمان اداری و اجتماعی حکومتهای محلی شمال
ایران و زندگی عمومی مردم طالقان از آغاز تا امروز
بخش چهارم

تبرستان
www.tabarestan.info

در متن و پاورقی صفحات پیش‌باقمی از آن اشاره گردید. در این بخش بیشتر،
زندگی نظامی و اقتصادی و حقوقی و مذهبی مورد نظر است.

- ۱۶- اصفهان
 - ۱۷- مجلهٔ وحدت
 - ۱۸- تحفه‌العالی
 - ۱۹- صدقاله (خطی)
 - ۲۰- مجلهٔ یغما
 - ۲۱- تاریخ صد ساله ایران
 - ۲۲- تهران
 - ۲۳- تذکرة شعراء نویسندهای کیلان
 - ۲۴- المأثر والآثار
 - ۲۵- ریحانة الادب ج ۳
 - ۲۶- اصل الاصول
 - ۲۷- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی سعید نفیسی
 - ۲۸- ریاض العارفین
- حسین نورصادقی
سال اول شماره دوم
عبداللطیف خان شوستری
میرزا آقا خان کرمانی
سال سوم
حسن اعظم قدسی
جواهر کلام
عبدالحسین ملکزاده
اعتمادالسلطنه
محمد علی مدرسی
نیمای طالقانی

زمین و مردم و حکمرانان

بررسی اجتماعی و سیاسی مردم زیر نظر حاکم که همه چیز در منافع خارصه می‌گردید و همراه گروهی ملازم و همراه او بودند اداره می‌شد. زمین که لازم‌گی مردم با آن بسته بود بحاکم تعلق داشت^۱ و او می‌توانست آنرا باین و آن بیخشد^۲ و را وقف نماید^۳ مینمورسکی بهجبار نوع از مالکیت اشاره می‌کند و می‌گوید: باید درخصوص مالکیت زمین جبار نه ع مالکیت را در نظر داشت ۱- اراضی متعلق به اداره است که در مالکیت هست حکام بود ۲- خالصه که متعلق بشخص شاه و یا در تیول احصاء خاصه شریفه و افراد لشکری بوده است^۴- موقوفات و اگذار شده از طرف شاه یا اشخاص دیگر^۵- اراضی متعلق با شخص مختلف که معمولاً برای مدت ۹۹ سال در تصرف افراد باستاره قرار می‌گرفت^۶. بسیاری از کسان بمرای آنکه زمینهایشان از آنان گرفته نشود آنرا وقف نموده آنگاه اجاره میدادند^۷ بطورکلی این نوع موقوفات در طالقان زیاد بوده که از بعضی از آنها فقط شهادتnameهای موجود است که خارصه موضوع این نوشتها درباره دهان

۱- تاریخ طبرستان مرعشی ص ۲۴۶

۲- تاریخ رویان ص ۵۳

۳- تاریخ گیلان مرعشی ص ۹۳

۴- سازمان اداره صفویه ص ۲۵۴

۵- مالک وزارع در ایران ص ۲۲۵

موقوفه چنین است :

۱- دهکده کلیرد (کلیارد) این دهکده دو باره و هر بار قسمتی از آن وقف اولاد ذکور گردیده است. واقع قسمتی از آن خان احمد نامی از سلسله کیائیه می باشد که شاید همان خان احمد واقع سوهان و یا خان احمد دوم آخرین فرد این سلسله بوده باشد.

۲- در تاریخ ۱۲۵۴ شهادتnameای تنظیم گردیده و خود کاوندر اکه حدود آن از جاده نمک پشت و نهران کشیده تا بگدوك خاک دره ولیان تا پای کدوك قران چال است متعلق بسادات دانسته و درخصوص آب مامشکه در (در شهادتnameه مامشتر نوشته شده است). شهادتnameه دیگری دیده شده است که آن متعلق بسادات صاحب اراضی خود کاوند میداند.

۳- در تاریخ ۱۲۶۶ شهادتnameای تنظیم گردیده که سادات اورازان از گلیرد حقی داشته و مقداری از زمینهای آن دهکدرا مالک می باشد.

۴- هزار عهده دره رود بموجب فرمانی در تاریخ ۹۸۱ بر اولاد ذکور قاضی محمود طالقانی وقف گردیده است.

۵- در سال ۱۱۳۴ تأیید nameای که در باره وقف دهکده خود کاوند واينکه قسمتی از عایدات آن متعلق به بقیه سید علاء الدین می باشد با مضاء ملانعیما و ملا ابراهیم جزئی تهیه گردیده است.

غیر از دهکده اورازان که مانند گلیرد و سوهان وقف اولاد ذکور می باشد دهکده وشه نیز در زمان فاجاریه توسط ماه تابان خانم دختر فتحعلیشا وقف گردید تا نصف عواید دهکده بضمیمه عواید دهات علی آباد فنافیه و حصار خوبان و نعمت آباد جهت روشنایی اماکن مشرفه و نصف

دیگر مستمری طالقانی که در برجف و کربلا تحقیقی می کنند اختصاص داده شود.^۱
پرداخت بپره مالکانه عمولا در دونوبت بصورت نقد و جنس انجام می گرفت ظاهرآ یک سوم بپره مالکانه جنساً و دوسوم بقیه نقداً دریافت می گردید.^۲

جنبه اقتصادی کشمکشیهای محلی و زدوخوردیهای حکمرانان که گاه حافظ منافع حکومتیهای مقتند بوده اند (اگر چه ظاهرآ عنوان مذهبی داشته است) کاملا آشکار هی باشد^۳ و بیشتر نزاعها و قتل و غارتیهای نیز در زمان برداشت و فروخت اموالی محصول انجام می گرفت^۴. بار تملک می نویسد: بعد از تیمور سادات در این زمین بعنوان ملوک با جگذار تاواخر قرن شانزدهم سلطنت می کند.^۵

هم اکنون در طالقان می توان مالکیتها و مناسبات اراضی را بسدسته تقسیم کرد: ۱- ملک دیگر شخصی و خرد املاک سه شاهزاده، ملکه، از اراضی مشاع مانند کوهها و حدود دهات و چراگاهها بیشتر صرف مصالح عمومی مردم دهات مانند ساختن گرمابدها و مساجد و مدارس و راهها و دستگیری از افراد مستمند و مانند آن می گردد و هرگاه اراضی موقوفه دهکده هائی که وقت بر اولاد ذکور است پس از فوت آنسته از کسانی را که دارای فرزند ذکور یا وارث نزدیک دیگر نباشند و تقسیم زمین آنان بین

- ۱- خیرات الحسان ج ۲ ص ۷۰ چاپ تهران
- ۲- انقلاب مشروطیت و ریشه های اجتماعی و اقتصادی آن ص ۱۴ و همچنین رجوع شود بعنوان و قلمانه شاه عباس در این کتاب
- ۳- گیلان مرعشی ص ۲۹
- ۴- گیلان مرعشی ص ۶۷
- ۵- تذکرۀ جغرافیای تاریخی ایران ص ۲۹۴

عموم سادات مشکل بنظر آید باز طریق مشاع و با همکاری دهقانان اداره می گردد و از مشخصات عمدۀ مناسبات ارضی در دهستان طالقان نبودن مالکیت‌های عمده بزرگ است. بطور کلی می‌توان گفت هیچ‌گاه فتووالیسم بدان طریق که در دهستان‌های اطراف آن دیده می‌شود وجود نداشته و یا توانست پیدا شود^۱.

در سال‌های اخیر پس از جنگ جهانی دوم کشمکش‌های میان دهقانان و کسانی را که ادعای مالکیت بعضی از دهکده‌ها را نموده بودند بوقوع بیوست اما هیچ‌گاه بسلط آنان منجر نگردید^۲.

مردم و تشکیلات نظامی

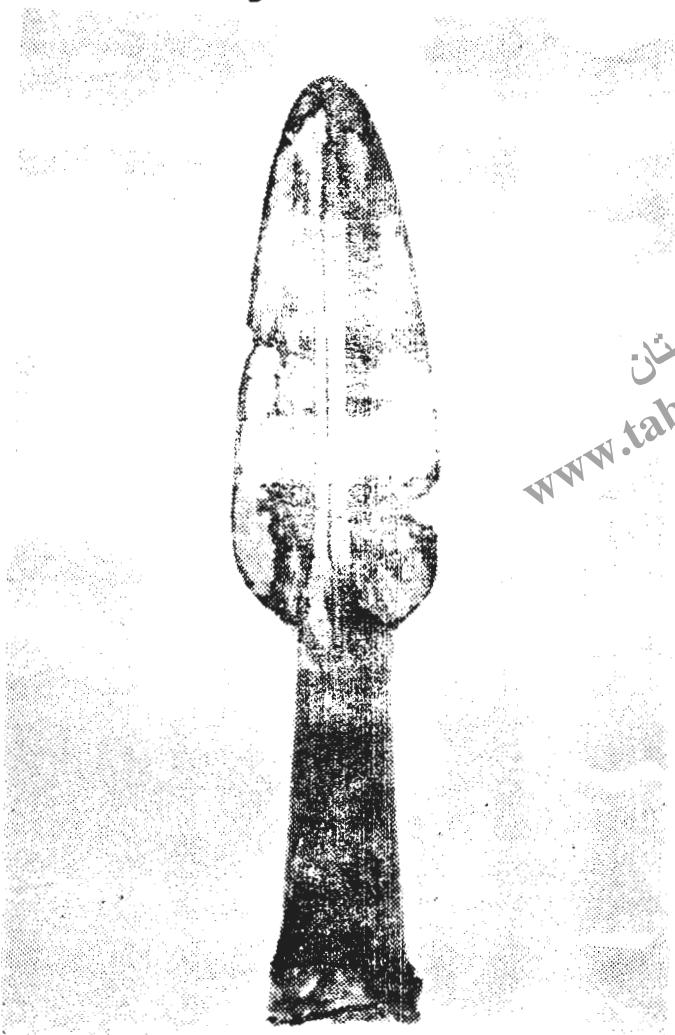
تشکیلات نظامی حاکم فقط در موارد ضروری بوجود می‌آمد. پس از جنگ و پیروزی سپاهیان را مرخص می‌نمودند^۳. مخارج آنان از طریق وصول مالیات‌ها و زکوة و غنائم برداخت می‌گردید عموم مردم و ساکنان حوزه فرمانروائی حاکم ملزم بدادن مالیات بودند مگر کسانی را که

۱- فتووالیسم که عنوان یک سازمان بزرگ اجتماعی و اقتصادی است دارای مفهوم ضمیقت‌ری نیز می‌باشد و آن عبارتست از عدمی از اشراف و مالکین که رعایای آنان از حقوق سیاسی محروم بوده و با مقدار ضعیفی می‌توانستند بهره‌مند شوند.

۲- مکتبهای سیاسی ص ۱۳۷

۲- این مبارزات بطور محدود و منفرد (نه عمومی و همه جانبه) در میان دهقانان مناطق دیگر نیز دیده شده است مثلاً می‌توان بطور نمونه تلاش و مبارزه مردم دهکده‌ای دیوشن و نجیرکلای لاهیجان و مانند آنرا نام برد و باین کشمکشها در کتاب دیگری بنام «تاریخ مبارزات دهقانی» اشاره خواهد شد.

۳- تاریخ گیلان مرعشی ص ۲۹۳



از جمله وسائل جنگی آن‌مان، یافته شده در مزارعه زرور گلبرد
متعلق به دوران قبل از اسلام
با آن خست قریانی داده می‌شد^۱ و یا بعال دیگر از پرداخت آن طی فرمانی

^۱- تاریخ گیلان مرعشی ص ۱۴۰

تاریخ طالقان

معاف می‌گردیدند^۱ سپاهیان بگروههای مختلف و بنام دهستانهای خود (شکر طالقان لشکر گیل و دیلم) شناخته میشدند^۲ و سایل جنگی سپاهیان و جریکها عبارت بود از، تبر^۳، شمشیر^۴، پیش‌دار^۵، چوب‌دستی^۶، سپر^۷، کمان^۸، نبر^۹، سنگ^{۱۰}، کارد^{۱۱}، نیزه^{۱۲}، اهره ساره^{۱۳} و مانند آن از اسب و استرنیز استفاده مینمودند.

شعار جنگی آنان در هنگام حمله و پیروزی صلوات و سلام بود که از زمان داعی باب گردید^{۱۴} داوری در باره آن دسته که شایسته کیفر بودند کمتر بر اساس مذهب و عرف و سنت فرار داشت معمولاً یکی از طرق زیر مجرمین را مجازات می‌نمودند:

۱- آنانرا در حصیر بیجیده و با نفت آتش می‌زدند^{۱۵}

۱- رجوع شود بمن فرمان در این کتاب

۲- تاریخ گیلان مرعشی ص ۲۷۷

۳- تاریخ گیلان مرعشی ص ۹۱ - چوب قطور و بلندی است که نوک تیز آنرا گاه آزانه می‌سازند.

۴- تاریخ گیلان مرعشی ص ۱۵۰

۵- مرعشی ص ۲۹۶

۶- مرعشی ص ۳۵۹

۷- تاریخ رویان ص ۱۱۲

۸- تاریخ رویان ص ۵۰

۹- طبرستان مرعشی ص ۳۰۲ - در اینجا بواسیل جنگی عمومی اشاره نمودیم جهت اطلاع بیشتر از وسایل دفاعی آن زمان رجوع شود بقلاع اسماعیلیه ص ۱۹ به بعد

۱۰- التدوین اعتماد السلطنه ص ۵۰

۱۱- تاریخ رویان ص ۹۶



بستن گناهکاران بکند و زنجیر نا انقلاب مژروحه ادامه داشت

تاریخ طالقان

- ۳- گاه آنرا حلقآویز می نمودند^۱
- ۴- مجرمین را بچوب و فلک بسته و باغل و زنجیر و وضع توهین آمیزی در میان مردم می بردند^۲
- ۵- از جمله مجازاتها دستگیری همسران افراد خطا کار بوده آنرا بافتواز علماء برای دیگران عقد می نمودند^۳
- ۶- کورکردن مجرمین نیز از جمله کیفرهایی بود که حکمرانان محلی دستور میدادند^۴
- ۷- تبعید نیاز امور دیست که میر ظهیر الدین با آن اشاره می کند و پس از تخریب کوهدم می نویسد گروهی از دستگیر شدگان را به تنکابن و گرجیان و سختر واشکور و رانکو ولسر والموت و طالقان پخش کردند^۵
- ۸- استفاده از اعضاء و اندام دشمن پس از مرگ وی برای تنبیه و عبرت دیگران نیز مرسوم بود مثلاً از کاسه سر ظرفی ساخته و از آن در مجلس شراب استفاده مینمودند^۶ و یاسر را ریزدیز نموده بخورد مخالفان

۱- مرعشی ص ۲۴۹-۲۲۲

۲- رسم گرداندن مجرمین تا اوائل انقلاب مشروطه لدامه داشت هنوز خاطره هایی از آن در ذهن مردم باقی است

۳- مرعشی ص ۱۲۳

۴- التدوین اعتماد السلطنه ص ۱۰۱

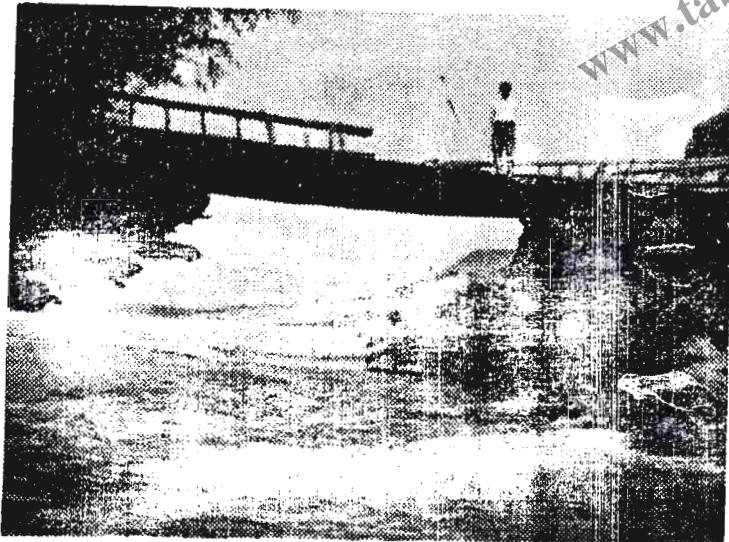
۵- تاریخ گیلان مرعشی ص ۳۶۹

۶- تاریخ گیلان بعد الفتح ص ۶۲- بر کاسه سر کامران میرزا که مدت ده سال پیاله شرایحواران بوداین بیت نوشته و دیده می شد:
کاسه سر شد قدر از گردش دوران مرزا دارد این جرخ خراب آباد سر گردان مرزا

خویش میدارند^۱ و گاه نیز سپاهیان آنرا می خورند^۲.

راههای طالقان

راههای در داخل دهات بیشتر بخارط قلاع ایجاد می گردید احداث قلاع بین بیویه حدود با موقعیت نظامی و دفاعی محل بستگی داشت. از این گفتش راه خان نزدیکترین راهی بود که می توانست لشکریان را از قوهای ریزی بددهات تنکابن و لاهیجان و الموت و سایر دهستانها بر ساند



پلی بر روی رودخانه شاهرود

چنان که می باشد پایان کارخان احمد در سال ۹۷۵ لشکریان نظریان استاجلو و امیر اصلاح بیان افشار و حیدر بیان ترکمان نزدیکترین راه را که از

۱- تاریخ گیلان عبد الفتاح ص ۵۸

۲- اعتماد السلطنه ص ۹۹

طریق طالقان بود انتخاب نموده و از آن گذشتند. مؤلف احسن التواریخ وضع راه را چنین تعریف می‌کند: آنرا چون طریق هزار خم (مقصود هزار چم است) خم اندر خم بود از راه صراط مستقیم باریکتر و زراه: *نهنج تازبکتر*:

*دهی همچو سودای عاشق دراز چو دور فلان پرنشیب و فراز
گذرهای سنگ و کمرهای سخت دل سنگ خار الزاولخت لخت
از راههای داخلی که دهات را بیکدیکر بیوند می‌دادند اطلاعات*



دهکده گتهده

ختیری دردست است. مؤلف جامع التواریخ می‌نویسد: کیا محمد داعی ۵۴۵ از کریم دزبلقمه منصور آباد (قلعه منصور) آمد و از آنجا

۱- احسن التواریخ ص ۲۸۴

بشير بسم (سر بشم) کهور رفت^۱

میز ظهیر الدین می‌نویسد: در سال ۸۸۰ با یک‌هزار مرد بر ویان رفت بعد از چهارده روز که لشکر مذکور تمامت طالقان جمع گشتند از النک لاوندان سفلی بر قریه جوزستان (جوستان) نزول واقع شد و شب آنجا توقف رفت از آنجا بقریه یاتده کث شد و بعد بقریه دیزان یکش ب استاده آمد روز دیگر به پیلاق پیازچال نزول شد.

محمد حسن خان قاجار پس از تسلط بر گیلان چون بقزوین آمد از راه طالقان حرکت نمود و در حوادث سال ۱۱۶۹ برای تصرف و نگهداری گیلان را مطالمان و فروین مورد توجه آزادخان فرار گرفت.^۲

در ذی قعده سال ۱۳۰۱ ناصر الدین شاه از راه پریجال که اول خاک طالقان است بجستان آمد و روز بعد بقریه کته ده رفت وار آنجا با آزادبر رفته و از طالقان خارج می‌گردد.^۳

بطور کلی راههای مهم ارتباطی طالقان بیش از احداث راه شوسه و ماشین روعبارت بودند از:

۱- راه طالقان - فروین - از طریق ناوه - قاضی کلاید - گزند

۱- فصل از جامع التواریخ ص ۸۲

۲- گیلان و دیلمستان ص ۳۴۸

۳- تاریخ گنی گشا ص ۵۵۰ و ۲۶۵ - روضه الصفا ج ۹ ص ۱۳۰۶

۴- حضر افای قدم و جدید طالقان ص ۵۰ - روزنامه ایران سال ۱۳۰۱ شماره ۵۵۳

۵- در خمینیک از نویشهای حتی در آمارهای رسمی سالهای اخیر نامی از دهکده ائمراه، ائمراه که بر سر راه جستان بگته ده قرار دارد برده نشده است. این دهکده بحال حاضر دارای دو خانوار بوده و تعداد جمیعت آن ۱۶ است.

- ۲- رامطالقان - قزوین - از طریق کماکان - کلانک - فشکلدره
- ۳- راه طالقان - آبیک - از طریق زیدشت - گردنه ابراهیم آباد
صحع آباد - زیاران (این راه هم اکنون رامعاشین رو طالقان می باشد که این
دهستان را برآه اسفلات تهران - قزوین متصل مینماید .



طالقان

منظره‌ای از دهکده زیدشت

- ۴- رامطالقان - قزوین - از طریق پرکه برودبازار محمد زمان خانی
- ۵- رامطالقان - ساوجبلاغ - از طریق فشنده - میناوند - گردنه
تنک دره - هیو - فشنده .
- ۶- راه طالقان - برغان - از طریق گوران - گلبرد - گردنه ،
مامشکه در ولیان - برغان
- ۷- رامطالقان - لوراء - از طریق جوستان - گلهده - آزادبر
- ۸- رامطالقان - چالوس - از طریق جوستان - دهدز - گردنه ماس
جال - انگران - دزدین (دزبن)

قلاع طالقان

قلاع طالقان را می‌توان بدو دسته تقسیم نمود :

- ۱- دژهای نظامی
- ۲- پناهگاههای موقعی و عمومی احداث دژهای نظامی که با مصالح
سیاسی حکمرانی بستگی داشت و معمولاً زیر نظر آنان ساخته می‌شد جهت
نگهبانی و حراست و دفاع انجام می‌گرفت^۱ بهمین جهت می‌توان نام اکثر
این دسته از قلاع را در کتب تاریخی مطالعه نمود و همترین آنها
عبارةند از:

^۱- جامع التواریخ ص ۸۲

تاریخ طالقان

۱- قلعه ارزنگ که بر بالای ده میناوند و بدستور محمد بن بزرگ امید نز سال ۵۴۴ ساخته شده و خرابه های آن هنوز باقی است .



قسمتی از دیوار قلعه هرنج

۷- قلعه های دیزان - مهران - پراچان

۸- جز نیان در مند

۹- دز جنگ یا فلا دوش در میناوند برابر شهرک

۱۰- قلعه گیل کیا والدنین^۱

بناهگاههای عمومی یادگاری هوقتی - این بناهگاهها گام در صورت لزوم از سنگ و خشت خام بر سطح تپدها ساخته شده و زمانی در دل کوهها

۱- نام این قلاع با توضیح کاملی در باره ۳ قلمرو اول در کتاب بالارزش قلاع اسماعیلیه دیده میشود. از دو قلعه اخیر (شماره ۱۰) نیز در کتب تاریخی اسم برده شده است و در سر راه قدیمی گوران شهرک در انتهای مزروعه زور (زدگور) گلیرد خرابهای بنام قلا دوش دیده میشود که تا چند سال قبل قسمتی از دیوار قلعه دیده میشد اکنون زارعین آنرا با سطح زمین هموار نموده اند این قلعه در بر این قلعه هرنج قرار گرفته بود .

دورنمای دختر قلعه که بر روی صخره ای ساخته شده است

۲- قلعه فالیس یا بالیس از آغاز و انجام قلعه اطلاعی در دست نیست.

۳- قلعه منصوریه خرابهای آن در شمال شرقی کوله (کولچ) در

طالقان باقی است .

۴- قلعه برك نزدیک آبادی برك^۱

۵- قلعه هرنج پشت آبادی هرنج

۶- دختر قلعه بالای گتمده

۱- این آبادی امروز جزء کوهپایه قزوین است - قلاع اسماعیلیه ص ۱۲۷

و مکانهای مخصوص که از هر طرف به پرتگاهی محدود می‌گردد کنده شده است. شاردن در علل بنای دژهای موقتی می‌گوید تهاجمات در عصر مزبور بسیار سریع و متواتی و جنگهای داخلی فوق العاده شدید و طولانی بود بطوریکه



این تصویر بردها نه چاهی که بقطر ۳ متر از سنگ کنده شده و در بای یکی از دیوارهای قلعه هر رنج قرار دارد گرفته شده است دیوار در طرف چپ تصویر دیده میشود

مردم مجبور بودند به ر طریقی که ممکن باشد در مقابله هر گونه تهاجمی خود را حراست کنند امثال و نظایر این قلاع تقریباً در تمام آبادیها و قصبات حوزه قزوین در هر گوش و کناری مشاهده میشود^۱

از این پناهگاهها توضیح بیشتری در کتب تاریخی دیده نمیشود و جون مقاومت آنها بخصوص آن دسته که بر سطح تپهها ساخته شده بودند در بر اثر حوادث طبیعی کم بود رفته رفته ویران گردیدند یکی از این پناهگاهها

^۱- سیاحت نامه شاردن ج ۲۵ ص ۴۵

رامی توان در کنار دهکده گلیرد ورز بروی در بند اورازان مطالعه نمود^۱ محل این پناهگاه کمی دورتر و بالاتر از دهکده قدیمی گلیرد که هنوز آثار وابنیه و قبور آن باقی است و تقریباً در قسمت جنوبی گلیرد فعلی قرار دارد می باشد .

این پناهگاه که بزبان مردم محل غار یا اسکول ویران دره خوانده میشود طبیعی سه طبقه بوده و مشخصات دیگر آن که ارتفاع نخستین طبقه



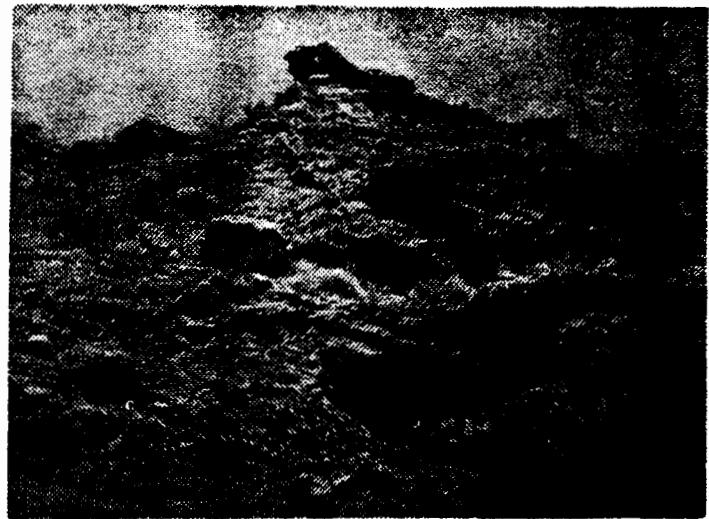
دهکده گلیرد

آن از پائین غار در حدود ۴ متر بوده چنین است : اندیشه نسات طبقه اول که دارای یک ایوان (دعانه غار) و دوزاغه است.

۱- این باره هر کل ارندگیهای اخیر که در بسیاری از نقاط کشور ویرانیهای فراوانی ساز وارد نهاد و دیخته و قسمت اعظم آن ازین رفته است .

تاریخ طالقان

- ۱ - بلندی ایوان ۵۰ متر
 - ۲ - طول ایوان ۸ متر
 - ۳ - عرض ایوان ۱۲۵ سانتی متر
- مشخصات زاغه‌های طبقه اول^۱



اسکول ویران دره

- ۱ - طول زاغه A ۶ متر
- ۲ - عرض زاغه A ۱۷۵ سانتی متر
- ۳ - ارتفاع زاغه A ۱۱۵ سانتی متر
- ۴ - طول زاغه B ۵ متر
- ۵ - عرض زاغه B ۱۲۵ سانتی متر
- ۶ - ارتفاع زاغه B ۱۲۵ سانتی متر

ب - مشخصات طبقه دوم که دارای ۶ زاغه می‌باشد و در اطراف یک

۱ - برای مشخص بودن زاغه‌ها آنها را با حروف C-B-A نام برده‌ایم

سازمان اداری و اجتماعی ...

ایوان (دهانه زاغه) مدور ساخته شده است.

- ۱ - شعاع دایره ایوان ۵۰ متر
- ۲ - بلندی ایوان ۲ متر

مشخصات زاغه‌های طبقه دوم از سمت راست :

- ۱ - طول دهانه زاغه C ۱۳۰ سانتی متر
- ۲ - عرض دهانه زاغه C ۱۰۰ سانتی متر
- ۳ - شعاع فضای داخل زاغه C یکمتر
- ۴ - بلندی فضای داخل زاغه C ۲ متر
- ۵ - طول دهانه زاغه D ۱۲۰ سانتی متر
- ۶ - عرض دهانه زاغه D ۸۰ سانتی متر
- ۷ - شعاع فضای داخلی زاغه D یکمتر
- ۸ - بلندی فضای داخلی زاغه D ۸۰ سانتی متر
- ۹ - طول دهانه زاغه E ۷۰ سانتی متر
- ۱۰ - عرض دهانه زاغه E ۶۰ سانتی متر
- ۱۱ - شعاع فضای داخلی زاغه E یکمتر
- ۱۲ - بلندی فضای داخلی زاغه F ۱۵۰ سانتی متر

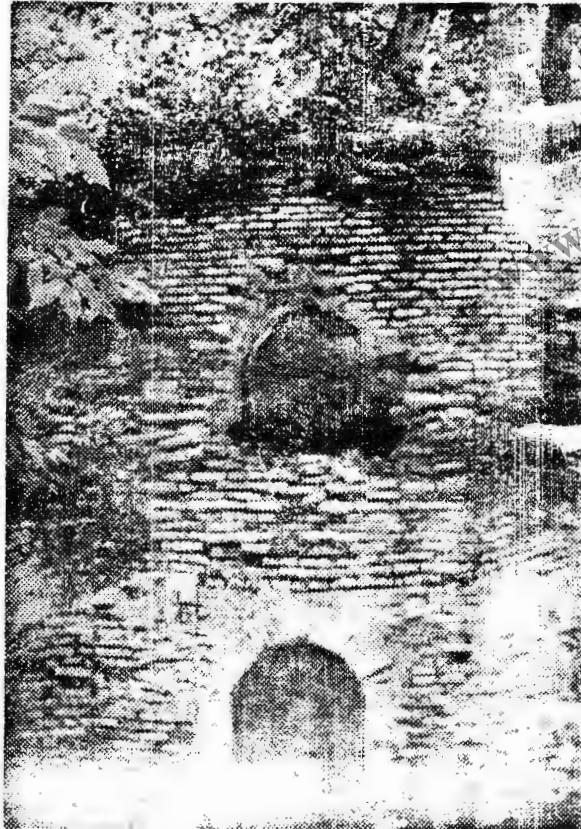
تعیین مشخصات بقیه بعلت ریزش فراوان ممکن نبود

ج - مشخصات طبقه سوم که بصورت یک ایوان یا یک اطاق ساده

است:

- ۱ - طول ۳۶۰ سانتی متر
- ۲ - عرض ۲۲۰ سانتی متر

اگر آب و هوای منطقه شما این نویست، در این بودی قلاع و پناهگاهها بوده است، در تپه های این نویسندگان داشته است زیرا در جنگ و گریزهای مجاہی سیاری از همواقع فرهنگ دستور



نمونه ای از نمای داخلی قلعه رودخان فومن

تخرب قلعه را برای جلوگیری از انتشارات بعدی میداد بهمین جهت در حال حاضر نمی توانیم نمونه ای از آنرا که با ما از گذشته دورتری سخن گویدنشان دهیم شاید تنها یادگار نسبه سالمی که از این دوران در سرتاسر

۳ - بلندی ۱۸۰ سانتی متر

هر طبقه دارای دهانه ایست که آنرا با دنیای خارج ربط میدهد و مشخصات آنها چنین است !

۱ - طول دهانه طبقه الف ۲ متر

۲ - عرض دهانه طبقه الف ۱۳۰ سانتی متر

۳ - طول دهانه طبقه ب ۱۸۰ سانتی متر

۴ - عرض دهانه طبقه ب ۱۷۵ سانتی متر

۵ - طول دهانه طبقه ج ۱۷۰ سانتی متر

۶ - عرض دهانه طبقه ج ۱۴۰ سانتی متر

قطر کف غار طبقه دوم که سقف طبقه اول محاسب می گردد ۱۲۵ سانتی متر و قطر کف غار طبقه سوم ۱۳۰ سانتی متر. امکان رفت و آمد از داخل طبقه اول طبقه دوم موجود بود یعنی سوراخی که در سقف طبقه اول قرار داشت آنورا بهم ربط میداد.

در داخل پناهگاه که اینک جایگاه شب پره و سایر مرغان وحشی است چیزی جز چند کوزه گلی شکسته و خالک نرم دیده نمی شود می گویند یکبار ساکنین این پناهگاه فریب ظاهر آراسته چند سر باز افغانی که خود را بسورد در اویش و صوفیان آن زمان در آورده بودند خورده و آنانرا به پناهگاه خود راه دادند و بلا فاصله بدست آنعده کشته شدند (قسمت اخیر از مأکان اطراف پناهگاه نقل گردیده است).

اگر آب و هوای منطقه شمال ایران عامل مؤثری در نا بودی قلاع

۱ - این سه طبقه در دل تخته سنگ بزرگ و وسیعی کنده شده است.

(۱) قرار آبرفتمند که بطور حتم جهت گور را نشان نمی دهد.^۱
 بر روی سنگها اشکال مختلفی به شم می خورد که از حرفه و موقعیت زندگی و علایق قلبی متوفی حکایت می کند مثلاً شکل شمشیر و خنجر و اسب بازار و برگ آن جهت نظامیان (در بقیه بابا ولی دیلمان دیده شده است) و مهر و نسبیت و شانه و سجاده و کشکول (در تمام دهستانهای اطراف و طالقان) جهت شلما و زهاد و در اوین اختصاص داده می شد.
 بقاع نیز دارای تزیینات مختلفی می باشند. صحنه هائی از وقایع کربلا (ماتله سیاری از بقاع لا هیجان و لنگرود) و مناظری از روز رستاخیز و بهشت و دوزخ (مانند بقیه لیچاء لشت: شا) را داراست گاه در گورستانها و بقاع اطاقه ائی نه بعنوان مسجد بلکه جهت کسانی که برای تلاوت قرآن استفاده می گردیدند ساخته می شد^۲ و این امر موجب آبادانی آن منطقه نیز گردید.

مطالعه بقاع شمال ایران نشان می دهد که عموماً پس از قرن نهم شناخته باشند شده اند. آقای دکتر منوچهر ستوده می نویسد: بیشتر صندوقها و درهای مزارپیران، مرشدان، اقطاب، درویشان، نقیاء که هماوران دستگاه تبلیغاتی صفویه در کوه و دشت و کیلان و مازندران بوده اند تاریخ آنها پس از نهصد هجری است و تاکنون ده اثر تاریخی که تاریخ آنها مقدم بررسال ۱- بنا بنظر آقای دکتر ستوده این سنگها اگرچه درجهت قبله قرار نگرفته اند اما ممکن است مردگان را در گور بشیوه اسلامی در قبور آنان ویا در سرداها دفن کرده باشند مانند قبور سر تربت سمام که نمی توان آنرا غیر اسلامی دانست . ۲- ظاهراً صفویه باینکار اهتمام بیشتری نشان داد. آنان قراء معروف از عربستان استخدام نمودند. آنواب قرائت قرآنی که می خواهند نثار روح این و آن نمایند. سیاحت نامه ایرانیه بیک، چاپ مصر، س. ۳۹.

نطقه شمال ایران باقیمانده است قلعه معروف به «قلعه رود خان فومن» وده باشد.^۱

گورها و بقیه ها

گورستانها غالباً از دهکده ها فاصله ندارند. اشاره باین نکه نیز رو ریست که آئین باستانی با نفوذ اسلام شکل های مختلف خود را از دست نداد و هر زمان با نام و شیوه های جدیدی خودنمایی می کند هنوز در بعضی هات طالقان پس از دفن مرده در شخصیت شب بر فراز گورش آتش می افروزند. قتی از آنان پیر سید که علت این کار چیست گویند اگر چنین نکنیم، رند گان گور را کنند و مردم را خواهند خورد.

غالباً از وضع سنگ گورها می توان شکل اسلامی آن را تشخیص داد ما گاه در بعضی از دهستانها مانند طالقان و سرتبت دهستان سمام، این مورد شاهده نمی شود یعنی گاه گورها نسبت بسیاری کم عمود بوده و بطریق

این قلعه که در میان اهالی بمقلم سکسار معروف است آخرین و باعظم ترین ادگار بازمانده از دوران ملوک الطوایف شمال ایران می باشد. هنوز در هیچ نقطه بن قلعه متوجه و دورافتاده جایی که دیوار آن طوری زیخته شده باشد که بتوان زانجا بدأ داخل قلعه آمد وجود ندارد یعنی پس از سالها باز قلعه فرمان می دهد که زنها را می بود و خروج داخل شوید طبیعت چیزی جز خاک و سنگ و درخت و شمه برای صادرندگان این قلعه آمده نکرد اما بر جهای چند طبقه ای متعدد و بوارهای قصور و اطاقه های فراوان که دو مصالح آنها جز سنگ و خشت و آهک بیزی دیده نمی شود نمودار تلاش انسانهایی است که برای حفظ جان و قدرت نود کوشیده اند. معتقدم اگر حوادثی مانند ذلزله وغیره پیش نیاید برای مدت تکن حملت قسمتهاگی از قلعه محفوظ خواهد ماند.

به صد هجری باشد ندیده ام.^۱

در طالقان آثار و نشانه های کورها از زمانهای دورتری حکایت می کند و از میان بقاع تنها بقعة امامزاده هارون تکیه جوستان است که ارای قدیمت پیشتری است و ظاهراً بنای آن در اواسط قرن نهم احداث گردیده است.^۲ بقاع مهم دیگری که در طالقان دیده می شود عبارتند از بقاع اورازان - اوافک - بادامستان - تکیه تاء - حسنجون - کربود - کجیران - کشود - کش - کلارود - مهران - هیرا ش - هرج.

سرگرمیها و مشاغل مردم طالقان

سرگرمیها و مشاغل مردم طالقان بزرگ است و تعلیم و تربیت حیوانات شکار، کشتی گیری، پارچه بافی، باعثداری و مانند آن محدود نبوده، گروهی از آنان نیز در سازمان نظامی حکمرانان محلی همکاری مینمودند.

از فرامین متعدد و کیفیت نگارش آنها با توجه باصول کتابت آن زمان که وقنه سوهان از جمله آنهاست می توان بی برده که گاه مقام قضائی نیز داشته اند.^۳

اهمیت و اعتبار آنان در امور نظامی نیز فراوان بود. میرزا علی همواره لشکر یانی از هر دم طالقان با خود همراه امداد است و توانست در سال ۸۹۷ بکمک سپاه طالقان ولمسر و دیلمان قزوین را از تجاوز مهاجمین حفظ نماید.^۴

۱- دامنهای کتاب، سال ۱۱ شماره ۶، ص ۳۰۳.

۲- بر درب چوبی و قیمه ای آن سال ۸۵۳ تغیین گردیده است.

۳- دجوع بعض فرمان سوهان و صحیفة شاهی، نسخه خطی.

۴- تاریخ خانی، ص ۵۵ - تاریخ گیلان مرعشی، ص ۲۶۹ بعد.

حسن بیک در ضمن حوادث سال ۹۴۳ می نویسد: در این سال شاه

طهماسب بهرام میرزا را بحکومت گیلان فرستاد و علت آن بود که کیافور کیا طالقانی تخریب و لايت گیلان را قبول کرده بود و بعد از آن چون بواسطه سیاست بدخواهان بهرام میرزا کیا خور کیا طالقانی را که نزد گیلانیان اعتبار داشت بگرفت با مخالفت مردم گیلان رو برو گردید و ناچار مغلوب و بقزوین رفت.^۱ در سال ۸۷۳ سلطان محمد کیا میر ظهیر الدین را برای حفظه حر است قزوین با سپاهیان طالقان و آملوتو بسوی آن شهر می فرستد.^۲

شمار از همترین سرگرمیهای مردم و حکمرانان در این دهستان بوده است. اعتماد السلطنه بنقل از روزنامه ملا جلال یزدی در ضمن وقایع سال ۱۰۰۴ می نویسد: در او اخر ذی الحجه این سال نواب (کلب آستان علی شام عباس) با فرماندهیان بصید و شکار طالقان فتند.^۳

میر ظهیر الدین ضمن حوادث سال ۸۷۱ چنین می نویسد: از آنجا (اواسان) بعد از قطع منازل چون بطالقان انفاق افتاد حضرت سلطانی با اسم گشت و تفرج بطالقان نهضت اقبال فرموده بودند در هموضی که مشبور است بلاآندان سفلی شرف بساط بوسی حاصل آمد تا روز سه شنبه هشتم ماه صفر ۸۷۱ در بیلاق طالقان تفرج ها کردند و صیدها افکندند.^۴ هناظر طبیعی آن نیز دل انگیز و سرگرم کننده بود. اعتماد السلطنه می نویسد: در دهکده جوستان باغی است موسوم بیان شاه که در گذشته وسیع تر

۱- احسن التواریخ، چاپ کلکته، ص ۲۲۸.

۲- گیلان و دیلمان، ص ۳۲۷.

۳- جغرافیای طالقان، نسخه خطی، ص ۴۹.

۴- گیلان و دیلمان، ص ۳۱۲.

و بزرگتر بوده است، عقیده مردم آنست که آنرا شاه عباس آباد کرد ولی از فرائنه معلوم میشود که احداث آن با همراه طهماسب اول شده است. از میان محصولات مختلف طالقان جز غلات و دام چیزی که بخارج و شهرها و دهات اطراف برداشته شده نگردیده. مؤلف آثار البلاد می نویسد: در کوههای طالقان زیتون و انار هست که از آنجا بقزوین آرند^۱ ولی باید دانست که در طالقان نه انار هست و نه زیتون که آنرا بخارج برندهاما چون این دو محصول از رام طالقان وارد قزوین می گردید مؤلف آنرا از محصولات طالقان تصور کرده است.

در بازارهای عمومی اشیاء هازاد بر احتیاج خود را با اجنباس مورد نیاز معاوضه می نمودند^۲ و یا با سکه هایی که حکمرانان محلی بنام خود ضرب نموده بودند مبادله می گردید^۳. هنوز مانند سالهای گذشته قسمتی از سال را گروهی از هزدم دهات طالقان در شهرها و دهکده های دهستانها و استانهای مجاور می گذرانند در گذشته این مهاجر تها که خیلی بیشتر انجام می گرفت و قشر و سیعتری بخود جلب می نمود برای کاریابی و تهیه مشاغل مختلف که زندگی آنرا اداره نماید بوده است و این مشاغل به ترتیب اهمیتی که داشته است عبارت بودند از:

۱- گویندگی مذهبی و روش خوانی.

۱- آثار البلاد، نسخه خطی کتابخانه ملک س ۱۹۸.

۲- ساین بازارها ددموا قخان خاص مانند بازارهای هفتگی تشکیل می گردید.

۳- سبیر ظهیر العین از بازار عمومی طالقان فقط یکبار بنام گوراب طالقان نام می برد، س ۳۶۹ گیلان و دیلستان.

۲- معلسی در خانه ها و مکتب خانه ها.

۳- تعزیه خوانی، درویشی، کارگری و مشاغل دیگر.

از میان این گروه تنها دراویش سازمان مستقل و مشکلی داشته و افراد بر جسته این سازمان بنامهای مستعار نور علی شام، خورشید شاه - روشن شاه و مانند آن شناخته می شوند.

این گروه کمتر با سایر دسته ها آمیزش داشته اند زیرا چون غالباً رفتار آنان با مردم ساده دهکده ها غیر مشروع و خالی از صداقت بود مود علاقه دسته های دیگر نبودند، اما خود آن از حمایت کامل یکدیگر برخوردار می شدند و این را خود را با تبر زین و آرم مخصوصی که داشتند است می شناختند. بعضی از آنها دارای مناصبی بوده از مرشد خود دهکده بی نیزد ریافت مینمودند. در نامه یکی از دراویش طالقانی ملقب بروشن شاه در باره وزیرش این عبارت پر معنی و غرور آمیز دیده می شود:

«وزیر فقرمن مانندمن است رعایت احترام اورا بنماید».

اما دو دسته اول به احتیاجات زمان و محیط زندگی توجه بیشتری داشته و بهمین علت مشاغل دیگر برای نیزد ریافت می گرفتند مثلاً از میان آنان کسانی پیدا می شدند که در دهکده ها بکارهای شرعی و عرفی و اجتماعی و عمومی پرداخته و رفته رفته اعتماد مردم را نسبت بخود جلب مینمودند تا جایی که امور مربوط به آنان واگذار می گردید. البته هر آن داره سواد و معلومات لازم روز و حسن شهرت و قدرت اداره آنان بیشتر بود این توجه نیز افزایش می یافت.

زندگی زنان

پسران و دختران خیلی زود ازدواج می کردند. برای همسرگزیندن پسران می توان دلایل اقتصادی آنرا در نظر گرفت اما از اینکه دختران را خیلی زود شوهر میدادند باید بمحیط زندگی اخلاقی و اجتماعی توجه داشت. شاردن می نویسد: اولیاء الله می نویسد: اولیاء دختران خوشکل فرزندان خود را خیلی زودتر از موقع لزوم حتی در ایام کودکی بازدواج وادر می کنند مخصوصاً خانواده های فقیر و ندار در این مورد عجله فوق العاده ای بخرج می دهند. گاه برای فرزندان زیبای خویش در قنداق مراسم عروسی برگزار می نمایند و این اقدامات غیرعادی برای آنستکه از گزندار بابان و مخدومین خویش در امان باشند زیرا در این سرزمین نسبت بزنان ازدواج کرده عزم و احتیاط فوق العاده ای مبنول می دارند اگرچه این موضوع در سنین کودکی و پیش از بلوغ باشد.^۱

ظاهرآ مشکلات زناشوئی جوانان بدآنجهت که از نظر مذهبی نیز هر نوع سختگیری در این باره نکوهیده بود مورد توجه بوده است و با صدور فرمانها و نقرآنها مردم دهستانهار ابرفع مشکلات زناشوئی جوانان تشویق می کردند. بریک کتبیه سنگی که دردهکده گیلو^۲ قرار دارد، کدخدایان و ریش سفیدان آن منطقه نسبت بکسانی که در هنگام ازدواج از داماد مخارج گرافی مطالبه می نمایند نفرین و لعنت نموده و از مردم خواسته اند که از این

شیوه ناسبند و نیز شرعاً دست بردارند.

از شرکت زنان در مبارزات اجتماعی و نظامی اطلاعی در دست نیست.

در موارد سیار نادر، گاه در کشمکشهای نظامی شرکت نموده حتی لباس جنگی می پوشیدند.^۳ در قیام و نداد هر فر زنان بکمک سپاهیان برخاسته و پوای دستگیری اعراب آنان را راهنمائی می نمودند. اولیاء الله می نویسد: زنان شوهر ازرا می گرفند و از خانه بیرون آورده بسته مازندرانیها می دادند از خانه کلان قاتمیشه بیک روز از کسان خلیفه خالی گردند.^۴

زنان طالقانی از ظرافت و عوش فوق العاده برخوردارند. اگر شاعر نباشند شعر و ضرب المثل و داستانهای زیادی را بخاطر دارند. در میان آنان بی بند و باریهای اخلاقی آنطور که گاه در بعضی از داستانهای دیگر دیده می شود^۵، وجود ندارد. در تمام موارد نسبت بخانواده و سنت های شرعی و اخلاقی پایبند و وفا دارند. وقتی یکی از مردان با قتل آند هستان دانست که ما یلم بدانم تاچه اند از از نسبت به همسرش عارقامند می باشد گفت: اگر خداوند بخواهد مر را در ده زد ستاخیز به بیهشت برد، تنانها می کنم هجای فرشتگانش

۱- التدرین اعتماد السلطنه، ص ۹۰۶

۲- تاریخ رویان، ص ۴۶

بفرمان و نداد هرمن دگشت
بمشکویش آسوده نگذاشتی
که خون دین دش مردم کینه جوی
ز تازی تهی گشت مازندران
مازیار - موج

۳- می توان آنرا گاه در اجتماعاتی که ظاهرآ جنبه مذهبی دارد (مانند هجوم دختران و پسران جوان و افراد خوشگذران در شبهاي جمعه به بقعة ترا عمارللو مشاهده نمود

۴- سیاحت نامه شاردن، ج ۲، ص ۲۰۲.

۵- این دهکده در ۳ کیلومتری کوچصفهان و در دو کیلومتری راه شوسه رشت و لاهیجان قرار دارد و کتبیه مورد دفتر در محل دشتان گیلو است.

طبرستانی هر کب است واینک در طالقان بزبان فارسی و در بعضی اردیه کدها بفارسی تاتی صحبت می‌کنند، تنها در دهکدههای میناوند مردم آن بزبان ترکی سخن می‌گویند.^۱

در برآء آئین مردم طالقان می‌توان گفت که تا حدود قرن سوم هجری این منطقه مرکز پیروان دین زرتشت بوده است. هنوز آثار باقیمانده و رسوم متداول بین مردم از نفوذ این آئین در میان مردم نسل‌های بعدی حکایت می‌کند، با ظهور دین اسلام و گرایش دین مردم فزوین و سایر مناطق نزدیک طالقان به مذهب شافعی و مالکی^۲ مذاهب جدید در میان آنان رواج پیدا کرد، اما چون سادانی که بسوی طالقان روی آورده پیروزی دین علی بن حسین این علی بودند آئین زیدی در اکه حسینیه نیز نامند قبول نموده و با آن علاوه‌مند گردیدند.^۳

ظاهرآً مذهب اسماعیلیه در طالقان نفوذ و دوام قابل ملاحظه‌ای نداشته است زیرا مردم طالقان بیشتر در قلمرو نفوذ حکمرانان زیدی مذهب قرار داشته‌اند، بهر حال با روی کار آمدن صفویه و نفوذ حکمرانان سلسله کیائیه خصوصاً خان‌احمد اول که با آئین شیعه اثنی عشریه معتقد و علاوه‌مند

۱- التدوین اعتماد از اطنه ص ۴۳.

۲- مؤلف بستان السیاهه، یکی از فرقه زیدیه در اطلاعات نامه‌نامی برده که منظور پیروان آئین محمد بن قاسم بن علی بن عمر بن علی بن حسین بن علی این ایطالبا است. ابن خلدون می‌نویسد که وی در طالقان خروج کرد و عمال خایقه ویرا دستگیر و نزد معتصم فرستادند و معتصم او را زندانی نمود تا در زندان بمرد. مؤلف تاریخ منصوری سال وفاتش را ۱۰۵ نکاشته است. ابوالفرح بخروج آن در طالقان خراسان اشاره مینماید - بستان السیاهه ص ۶۲۲ - مقدمه‌این خلدون ج ۱ ص ۳۹۵. تاریخ منصوری نسخه عکسی ص ۱۰۵ - تاریخ مذاهب اسلام ص ۱۶ و ۳۰۴.

اورا (اشارة به مسر پیش که در یک گوشه نشسته بود) بمن بدهد تا در آنجا نیز همدم من باشد.^۴

زبان و آلین مردم طالقان

از زبان و لهجه‌های متداول عهد ساسانی و اوایل اسلامی اطلاعات پراکنده‌ای در دست است. حمزه اصفهانی در کتاب التنبیه آورده است که ایرانیان دانش‌بان بوده: بهلوی و دری و فارسی و خوزی و سریانی. شیروته بن شهردار گوید: شهرهای بهلویان هفت است: همدان و ماسیندان و قم و ماه بصره و صمیره و ماه‌کوفه و قرمیسین شهرهای ری و اصفهان و قومس و طبرستان و خراسان و سبستان و کرمان و مکران و قزوین و دیلم و طالقان از شهرهای بهلویان نیست^۵، اما در دورانیکه خراسان مرکز فعالیتهای سیاسی گردید و زبان مردم آنسامان یعنی زبان سعدی جانشین زبان بهلوی شد و تا حدود قرن پنجم در ایران خاصه در نواحی طبرستان زبان بهلوی رواج داشته و داستن آن از فضایل علمی بشمار می‌آمد^۶، اما بعد از نشر آثار ادبی درسی از خراسان آنان نیز که جز به لهجه طبری یا بهلوی سخن نمی‌گفند آنرا پسندیدند و بدین ترتیب لهجه‌شیرین دری جانشین زبانهای رازی و طبری و بهلوی که در عصر دیالمه متداول بوده است گردید.^۷

اعتماد السلطنه می‌نویسد: زبان مردم طالقان از دوله لهجه قزوینی و

۱- این شخص شیخ علی کیانی نژاد بود که بایداورا از شعر او مشاهیر این دهستان شرد و در قننه مدفون است.

۲- تاریخ ادبیات در ایران ج ۱، ص ۱۴۲ و سبک‌شناسی ج ۱ ص ۱۵ به بعد.

۳- تاریخ ادبیات هماگیج ۲ ص ۲۵۲ - مقدمه برهان قاطع ص ۸.

۴- سبک‌شناسی ج ۱ ص ۲۲۰.

اطراف او جمع کردند^۱، داستان زیر را که در فواید مردم درباره طالقان شهرت دارد و خود مردم طالقان هم بمردم بعضی از دهکده‌ها نسبت می‌دهند حمد لله مستوفی در بارهٔ مردم قزوین مینگارد:

در زمان سلطان محمود سبکتکین شخصی بنام کاراستی بوالیکری مردم قزوین فرستاده شد. چون آنان مستجاب الدتوه بودند حاکم مجبور باطاعت از دستور اهالی بود. کاراستی برای آنکه بتواند آنرا تسليم اوامر خود نماید تقاضا کرده از هر خانه تخم مرغی برایش فرستاده شود حاکم پس از گذشتین تخم و غیرا اعلام کرده با آنها احتیاجی نیست، هر کس تخم مرغ دیگری را برداشت و باعوض شدن تخم مرغها و خوردن آنها اجابت دعای قزوینیان را بهم زد و سپس دست تطاول گشود.^۲

تعلیم و تربیت در طالقان

مقصود از آن زمام اطفال بمکتب خانه‌آموختن مسائل دینی و خواندن و نوشتن بود. شاردن می‌نویسد: همه درس خود را با صدای رس و در آن واحد قرائت می‌کنند یکی الفبا را آغاز می‌کند دیگری مشغول تهجه یکنفر فارسی می‌خوانند دیگر عربی یکی مشغول تکرار اشعار است و یکی صرف می‌آموزد و دیگری نحو می‌خواند همه با صدای بلند مشغول می‌باشند و بدین طریق یک‌تیل وقال يوم سبت (روز تعطیل یهود) واقعی بددید می‌آید. مدرس کاملاً برای این قیل وقال خلق شده و با کمال آرامش مشغول تحریر است ظاهراً آنکه این طالقان طالقان دیلم باشد نه طالقان شام.

۱- کنایه‌الموحدین چاپ تهران ج ۲ ص ۶۲۲ - در حاشیه کتاب نوشته شده تاریخ گزیده چاپ لندن ص ۸۴۱ .

۲- تاریخ گزیده چاپ لندن ص ۲۳۶ و ۲۷۴ .

بود از گسترش و نفوذ آئین زیدیه کاسته شد و بمذهب اثنی عشریه گرویدند. اکنون عموماً مسلمان و دوازده امامی می‌باشند. روایات مذهبی نیز در بارهٔ طالقان فراوان است از همه آنها اگر هم قابل اعتماد نباشد این حقیقت بدست می‌آید که ارزش تفکرات مذهبی آنان در نزد دیگران روش و شایسته اهمیت بوده است، مثلاً حدیثی را که اعلم کوفی در تاریخ خود از امیر المؤمنین راجع به طالقان ذکر نمینماید از جمله آنها باید شمرد. مؤلف بستان السیاحه و قاضی نورالله شوستری آنرا به طالقان قزوین نسبت می‌دهند که حضرت فرمود، ویحال طالقان فان لله تعالیٰ بہا کنوزاً لیست من ذهب ولا فضة ولكن بهار جال مؤمنون عرفوا الله حق معرفته وهم انصار المهدی فی آخر الزمان،^۱ دسته‌ای این حدیث راساخته اسماعیلیان می‌دانند بعلاوه در متن تاریخ روش نشده است که منظور حضرت طالقان قزوین بوده است.

مؤلف کتاب کفاية الموحدین که ظهور سید حسنی را یکی از علامت حنفیه می‌شمارد در بارهٔ مردم طالقان می‌نویسد در آنهمگام که سید حسن خروج گند و مردم از دست ستمکران آزرده و گرفتار باشند اورایاری نمایند خصوصاً گنجهای طالقان که از طلا و نقره نباشند.

بلکه مردان شجاع و قوی دل، که برا سبهای اشہب سوار باشند در

۱- ترجمه تاریخ فتوح اعلم کوفی چاپ بمی ص ۱۰۸ - بستان السیاحه چاپ دوم ص ۳۵۲ - مجالی المؤمنین چاپ بمی ص ۷۹ - مجله وحید سال اول شماره دوم - دداشنه نمیز چند بار از طالقان نام برده شده که در هیچ یک طالقان مازندران که فرهنگ نویسان با آن اشاره نموده اند نمی باشد برای اطلاع رجوع شود بیان نمایم ج ۲ ص ۲۳۶ و ۲۷۴ چاپ علمی .

یافرائی است و با وجود این مواطع تمام محصلین لیزی باشد بمحض اینکه یکی را در انجام تکلیف مختلف تشخیص داد فی الفور با ضربهٔ ترکهٔ نرمی که در دست وباروی زانوی خویش دارد ویرا تبیه می‌کند.^۱

روشی را که شاردن بیان می‌کند هنوز دردهات دور دست و نفاطی را که از لحاظ آموزش و پرورش بسیک جدید آشنا نی داردند دیده می‌شود.

برای آنان اساسی ترین شرط معلم خواندن قرآن و دانستن مسائل شرعی بوده است. خواندن و نوشتن زبان فارسی و حساب در درجهٔ دوم اهمیت قرار داشت. من و سال و حسن شهرت معلم نیز مورد نظر بوده است و خرج روزانه‌اش از طرف اولیاء اطفال بنویت داده می‌شد. آموزشگاه در مسجد یا خانه‌ای متوقف و خالی از سکنه تأسیس می‌گردید و کودکان در دخمه‌های تنک و تاریک آن که گاه روشی روز از پنجره‌های کاغذگرفته تشخیص داده می‌شد بسرمی برداشتند. هر کودک روزانه مقداری هیزم با خود بمدرسه می‌برد.

روزهای پنجشنبه دروس هفت دوره می‌شدند روزهای شنبه آملا به تکالیف رسیدگی می‌نمودند و همین مناسبت این دو روز را روز چوبوفلک می‌نامیدند.^۲ در این مکتب خانه‌ها معمولاً شاگرد و بر نامه‌های درسی بدسته‌های زیر تقسیم می‌گردید:

۱- الف ب خوان ۲- عمه جزء خوان

۳- قرآن خوان ۴- کتاب خوان

۱- میاحتانمه، شاردن ج ۵، ص ۳۷ به بعد.

۲- این ترانه که هنگام بازی مستجمی می‌خوانند نشان دهندهٔ حالات روحی آنان است:

پنجشنبه کتم ذکری
چهارشنبه کتم فکری
ای شنبه ناراضی
جمعه می کتم بازی
پاها فلک اندازی

۵- مشق نویس ۶- فرائت خوان

۷- عربی ۸- ن و مانند آن.

کتب درسی آنان نیز عبارت بود از توبه نصوح - موش و گربه - عاق والدین، جزو از کتاب شهادت‌نامه‌ها و تعزیه‌ها و مانند آن. وقتی که کودک تعدادی از این رساله‌ها را می‌خواهد آموزگار بتوی اجازه نوشتن می‌داد البته این امکانات برای ختران در بعضی از موارد و برای پسران بزرگ‌سال بخاطر رسیدگی کارهای تزئینی ممکن نبود اما اگر او لیاء اهل‌الله بکسب مهارت‌های فرزندان خود خلاصه می‌شود باین کتابهای مانند خزانه‌اش عالی است و حافظ جودی - جوهری - خط ترسیل - و نوشتن نامه - قبض - اجاره نامه - صلح نامه - عقد نامه - التراجم وغیره تعلیم داده می‌شد. بعد از این شاگرد برای انجام خواسته‌های بحیط آمادگی پیدامی کرد و او نیز آمیرزا (یا آملا) دیگری محسوب می‌شد و این لغت که عنوان مشخصی برای تحصیل کرده‌ها بشمار می‌آمد با اسم وی همراه می‌گردید.

مدت کار مکتب خانه‌ها بر حسب مقتضیات محلی و فصلی ۴ الی ۶ ماه بوده است و کودکان در تمام دوران تحصیل بر نامه‌ای جز خواندن و نوشتن نداشتند. هر روز مکتب خانه را برای مدت کوتاهی جهت صرف ناهم ترک می‌نمودند.^{۱ و ۲}

۱- این قسم از بخش ششم آموزش دینی از آغاز تا عصر حاضر که جهت کلاس‌های تربیت معلم تهیه نموده بودم خلاصه و اقبالی می‌گردید.
۲- شدت تعبیت مذهبی آنانرا می‌توان در موضوع زیر تشخیص داد: هر گاه کودکی جهت قضاء حاجت آماده بود در کثار درب و روودی آموزشگاه می‌ماند آنکه این مرتبه با صدای بلندی گفت (بر عمر لعنت) این عبارت علامت رمزی بود که آمیرزا را متوجه خواسته شاگرد مینمود و بتوی اجازه خروج می‌داد.

مردم طالقان و انقلاب مشروطه ایران

انقلاب مشروطه، روحانیون را نیز مانند بسیاری از طبقات دیگر بمیدان سیاست کشانید. در آغاز کشمکشها یعنی در ماجرای تحریم تباکو همکی متعدد و متفق القول بودند اما کم شکاف و دو دستگی ایجاد گردید این اختلاف گروهی از روحانیون طالقانی را به بیطرفی کشانید و عدمهای را همچنان در جبهه مشروطه خواهان نگاهداشت فعالیت سیاسی روحانیون طالقانی بدآنجهت از دستان تباکو چشم گیراست^۱. که نامه مجتهد بزرگ شیعه‌میرزا حسن شیرازی توسط ملاعلی محمدسوهانی بدست آشتیانی رسیده و بمقدم اعلام گردید.

مدرسه شاهزاده^۲ خانم که وسیله ملاعلی محمد اداره میشد و مرکز تجمع طلاب طالقانی بود پس از قوت ملاعلی محمد وسیله دو فرزندش شیخ موسی و شیخ علی اداره‌هی گردید شیخ علی در این کشمکشها بی‌طرفی اختیار نمود و زمانیکه شیخ فضل الله نوری در حضرت عبدالعظیم برای ایجاد مشروطه مشروعه تحصن اختیار نمود وی از بیوتن باین عده با همه اصرار و

۱- در زمان ناصر الدین شاه امتیاز فروش دخانیات بیکش رکت انگلیسی داده شد چون ذیان این قرار داد بر مردم روشن بود بهیجان آمدند ظهر روز پنجشنبه جمادی الاول ۱۳۰۹ (۱۲ دسامبر ۱۸۹۱ - ۱۲ آذر ۱۲۲۰) فرمان زیر باطلخ مردم رسیده: بسم الله الرحمن الرحيم - اليوم استعمال تباکو و توتون باي نحو کان هر حکم محاربه با امام زمان است خوده الاحقر محمدحسن الحسینی .

بینین ترتیب یامر مرحوم میرزا استعمال آن حرام گردید و سرانجام بدینوسیله بساط یک کمبانی خارجی در ایران برچیده شد - رجوع شود بتحریم تباکو س ۱۰۳ به بعد .

۲- این مدرسه در سال ۱۳۰۰ توسط مادر عبدالحسین میرزا نصرت الدوله بنیاد نهاده شده بود.

اوین حال سیاست کا کئن کل من تُشَد
مع حضرت محبوب نصافت

نهاده شده و طه روحانیون را پیش بمیدان سیاست کشانید
تصویر بالا یادگار مهاجران ایرانی در اسلامبول است



تأکید اطرافیان خودداری می‌کند و طلاب طالقانی را با بیان اینکه (طلاب همه در اختیار من نیستند که برای آنها در این گونه موارد تکلیفی معین نمایم) آنانرا از پیوستن بدستجات شیخ فضل الله منع می‌کند.

و باد دیگر در برابر اصرار دیگران اظهار داشت :

از ابتدای دراین کارها خود را وارد نکردام و بهمین جهت باقای طباطبائی که فوق العاده بایشان ایمان دارم گفتم بگذارید من بوظایف دینی خود مشغول و امام جماعت و راهنمای بی‌آلایش مردم باشم.

اما شیخ موسی که مردی روشنکر و آزادمنش واز شاگردان آخوند ملاکاظم خراسانی بود و مدتی حوزه درس پدر اداره می‌نمود با اشخاصی مانند مرحوم فروغی و حاج سیاح و سید محمد رضا مساوات و سیدنصرالله تقی و دیگران ارتباط داشت در تھصن بکماهه مشروطه طلبان در سال ۱۳۴۳ م. نخستین مدرسه‌ای که پیاختاست مدرسه‌صدر بود که میرزا ابراهیم معارف کربودی در آن سکونت داشت. طلاب طالقانی در انجمن‌های سری آستان نیز فعالیت‌ Hust قیمی داشته‌اند^۱ و این کوششها همچنان در انجمن‌های محلی دیگر نیز دنبال می‌گردید و گاه این فعالیتها جهت پاسداری از انقلاب بوده‌است در نهضت جنگل نیز فعالانه شرکت داشته‌اند و در تشکیلات مذهبی و امور فرهنگی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مردمیکه در میان آنان زندگی می‌کردند کوشش مؤثری نشان داده‌اند^۲. هدفهای سیاسی و اجتماعی یکی از انجمنها که با عنوانی صد و چند نفر تشکیل گردید چنین

۱ - برای اطلاع رجوع شود به تاریخ مصالحة ایران س ۹۵ - ۱۰۲ - ۱۱۳

۲ - رجوع شود (بشاہیر و معارف طالقان)

بوده است.^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

اتحاد و اعتماد نامه که بموجب شرحی که نوشته می‌شود باید معمول و تجافی دروی روانخواهد بود از قراری است.

پرسنل اشخاصی که در ذیل اعضاء کرده‌ایم خداوند را شهادت می‌طلبیم و بقول آن مجید قسم یادمی نمائیم که مخالفت با انجمن و اعضاء انجمن ننمایم ملا و جانا و لذت بکدیگر حاضر باشیم و تقاعده ننمایم خواه مطالب شرعیه خواه غیر علیه متعال با داخلی یا خارجی در طالقان و غیر طالقان با کمال راستی و درستی و صحیحیه انجام بدهیم و نسبت با انجمن اتحادیه خودمان صدیق و راستکو باشیم و با اساس انجمن و حقوق رعیت خیانت نکنیم و هیچ منظوری نداشته باشیم جزو ائمّه عمومی و مصالح کلی و رعیتی بروفق قانون شرع هرگاه امر دائر شد که کار از برای دونفر ییداشود آن‌اهم و الزم را مقدم داریم بعد کار دیگر را.

نگذارند کسی در غیاب اهل انجمن غیبت و بدگونه کنند در دعاوی ملکی و نقدی به تمییب اهل انجمن رفتار کنند از حکم قطعی و صلح و از این قانون تخلف نورزند مقصود از این رفع ظلم و ستم از عموم اهالی است.

۱ - سیدفضل الله حسن جانی (شیخ‌الاسلام)

۱ - ظاهراً این انجمن در حدود پنجاه سال قبل و پس از انقلاب مشروطه تشکیل گردید ولی تاریخ تشکیل انجمن در پیمان نامه روشن نیست نگارنده تا آن‌جاکه ممکن بود اطلاعاتی از این زمینه بست آورده و مطمئن می‌باشد که این انجمن از جمله انجمن‌های مؤثری بوده که در امور سیاسی و اجتماعی آن‌زمان نقش فراوانی داده است.

سازمان اداری و اجتماعی.

- ۲- حاجی محمد یوسف میری
- ۳- آخو ، مادری الله کرودی (الراجی الى ولی الله)
- ۴- آقا شیخ سعید کرودی
- ۵- شیخ الاسلام مر جانی (المذنب اسحق)
- ۶- میرزا ابوالفضل پردرسی
- ۷- سید عبدالله طالقانی (الراجی الى الله عبد الحسین)
- ۸- سید حسین زیدشتی
- ۹- موسی بن علی محمد طالقانی
- ۱۰- میرزا ابوالقاسم مر جانی (شریف العلماء)
- ۱۱- حاج شیخ ابوالقاسم
- ۱۲- میرزا محمد ادیب (محمد بر انبیاء شرف دارد)
- ۱۳- میرزا ابراهیم نویزی (سلطان العلماء)
- ۱۴- شیخ ذبیح الله کورانی
- ۱۵- شیخ حداد شریعتمدار (یا صادق الوعد)
- ۱۶- شیخ محسن کورانی
- ۱۷- شیخ محمد کورانی
- ۱۸- شیخ مصطفی شریعتمدار
- ۱۹- میرزا حسین کورانی (حسین هنی و انامن حسین)
- ۲۰- شیخ حسین کرکبودی
- ۲۱- شیخ علی پسر هلام محمود
- ۲۲- شیخ بهائی (امین الشریعة)

تبرستان
www.tabarestan.info



بیان ناما اعضاء انجمن طالقانیها

تاریخ طالقان

- ۲۳- سیدعلی گلیردی (علی بن جلال الدین الحسینی)
- ۲۴- میرزا حسینعلی ولدحسین (عبدالراجی حسینعلی)
- ۲۵- هبةالله مرجالی
- ۲۶- میرزا مسیح نویزکی
- ۲۷- ملاعلی اعظم اوانکی
- ۲۸- علاقحق الله گورانی
- ۲۹- شیخ محمد مهدی ولد ملاعلی محمد طالقانی
- ۳۰- شیخ محمدحسین نواده شریعتمدار
- ۳۱- غلامعلی سوهانی
- ۳۲- علی اصغر مرجانی
- ۳۳- عبدالجبارحسینی
- ۳۴- شیخ ابراهیم زیدشتی
- ۳۵- شیخ محمد علی فشندرکی
- ۳۶- آقا محمد خسبانی (یامحمد ادرکنی)
- ۳۷- شیخ علی کرودی (الحق مع علی و علی مع الحق)
- ۳۸- شیخ علی مقدس سوهانی (الحق مع علی و علی مع الحق)
- ۳۹- شیخ تاج الدین فشندرکی
- ۴۰- شیخ عبدالعلی خسبانی (الراجی عبدالعلی)
- ۴۱- محمد رضی کرکبودی
- ۴۲- سیدابوطاب حسنجوئی
- ۴۳- ملاسیف اللہ زیدشتی

سازمان اداری و اجتماعی ..

- ۴۴- شیخ ذیبح الله کرودی
- ۴۵- سید نظام الدین الحسینی
- ۴۶- شیخ ابوطالب اردکانی (الراجی الى الله ابوطالب ۱۲۸۲)
- ۴۷- شیخ اسماعیل خجیرمای
- ۴۸- حسینعلی گورانی
- ۴۹- ملا جبار الله گورانی
- ۵۰- شمس الداکرین
- ۵۱- شیخ محسن مهرانی
- ۵۲- میرزا حسن فشندرکی (محمدحسن Mohamed Hassin ۱۳۰۸)
- ۵۳- افتخار السادات پراچانی
- ۵۴- شیخ مصطفی دیزانی
- ۵۵- عبدالغفاری دیزانی
- ۵۶- عبدالعظیم دیزانی
- ۵۷- محمود دیزانی
- ۵۸- عزیز الله زرجی
- ۵۹- شیخ شفیع ناریانی (یاشفیع المذنبین)
- ۶۰- عیسیٰ السحق ناریانی (اسحق بن علینقی)
- ۶۱- سید رضا سفچانی
- ۶۲- نصیر الدین بهائی هرنجی
- ۶۳- ملا شفیع اوانکی
- ۶۴- شیخ محمد سوهانی

تاریخ طالقان

- ۵۶- عبدالجمن اتحاد بهبائی هر نجی است (شیخ الحکماء)
- ۶۷- میرزا ابراهیم کربودی (واتخذ الله ابراهیم خلیلا)^۱
- ۷۸- میرزا محمد آفا کربودی
- ۸۹- شیخ مطیع کربودی
- ۹۰- سید فیض الله سفجخانی
- ۹۱- محمد باقر جوستانی
- ۹۲- شیخ حسن زیدشتی (یا حسن التجاوز)
- ۹۳- حاجی ملاباشی
- ۹۴- آفاقتی مرجانی (محمد تقی)
- ۹۵- آقا شبیب مرجانی (محمد بن اسماعیل)
- ۹۶- سید مهدی گلیردی
- ۹۷- میرزا محمود کردودی
- ۹۸- سید علی سفجخانی
- ۹۹- ملا هاشم جوستانی
- ۱۰۰- میرزا علی بردرسی
- ۱۰۱- امین الشریعه هر نجی
- ۱۰۲- حسین میراثی
- ۱۰۳- شیخ اسمعیل کولجی
- ۱۰۴- شیخ محیط کربودی

^۱- همان میرزا ابراهیم معاشر طالقانی است که شرح حال آن ذکر گردیده لازم
نمذک می باشد که یکی از بنیان گزاران و گردانندگان این انجمن نیز بوده است

طالقان امروز

بعد از انقلاب مشروطه طالقان نیز مانند بسیاری از شهرها و

۱- سچع مهر بعضی از افراد خوانا نبود و سچع مهر شماره ۵۲ بهمن طریقی
است که نگاشته شد. شرح حال بعضی از اعضاء انجمن رادر مشاهیر طالقان آورده ایم.

اعلام می شاید و ناذر در همین گزارش جمعیت طالقان سی هزار نفر تخمین زده شده است که در حدود دهصد مردم آن بیسواند^۱.

هم اکنون طالقان از لحاظ تقسیمات کشوری و امور قضائی و اداری تابع شهرستان کرج بوده و یکی از بخش‌های آن می باشد^۲ و مرکز این بخش شهرک وفاصله آن تا کرج در حدود ۹۵ کیلومتر است و کمتر دهکده‌ای است که دارای دستگاه و حمام و مسجد نباشد مناظر را آب و هوای آن در شش ماه پیش سال تماشائی و دل‌انگیز است.

بر اساس اولین بار در چهارم تیر ماه ۱۳۶۶ اتو میلی ناپل شهر را رفت و هم اکنون اتو میلیها مسافران خود را تا جوستان می بردند بدین ترتیب ارتباط دهکده‌ها بایکدیگر و با شهرستانها بیشتر گردیده اما باز هم حمل و نقل کالا و مسافر از آبادیهای قاطر و اسب و غیره صورت می گیرد.

در پیست وینج مردم داده اند ۱۳۳۸ دستگاه پیسیم در طالقان بکار افتد و در ۲۸ آبان ماه ۱۳۴۴ رشته سیم تلفن از طریق ایلک - صفح آباد شهرک کشیده گردید و آغاز بکارشد. بر توسعه ادارات و سازمانهای دیگر آن مانند بخشداری، راندایمری، ثبت، بست، بانک، مرکز بهداشتی و درمانی و کشاورزی روز بروز افزوده می گردد. کشاورزی و دامداری و باغداری از مشاغل اولیه و مهم ساکنین بشمار می رود و زراعت بشیوه قدیمی انجام

۱ - منتظر ازده درصد بیسواند کسانی می باشند که خواندن و نوشتن رانیده‌اند در اینصورت باید گفت تعداد افراد بیسواند کمتر است زیرا هستند کسانی که می توانند بخوانند اما توانایی نوشتن را ندارند

۲ - برخلاف این تقسیمات در انتخاب نمایندگان مجلسین تابع شهرستان قزوین است.

آبادیهای مجاور دیگر قیافه جدیدی بخود گرفت ارتباط مردم با شهرها و دهات مجاور بیشتر شد آنانکه روزگاری مجبور بودند برای تأمین مخارج زندگی خویش نیمی از سال را کوج نموده و از خانه و زندگی خود دور شوند با استفاده از امکانات و بکار بردن شیوه‌های نوادر دهات خویش سرگرم و در اخذ واقعیت تمدن جدید کوشانتر گردیدند همگام با تحولات اخیر مردان در کارهای علمی و فرهنگی و صنعتی پیشرفت شایسته‌ای نموده‌اند و زندگی زنان نیز با گذشته تفاوت بسیاری نموده است حتی بعضی از آنها بمشاغل علمی و ادبی و اجتماعی وغیره رسیده‌اند و محیط سنت پسند طالقان برای آنان احترام بیشتری قابل است و این امتیازات در دهستانهای دیگر کمتر دیده نمی‌شود.

نخستین مدرسه در طالقان قبل از سال ۱۲۹۹ با موافقت وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظر فه از محل درآمد موقوفات بصورت عملی تأسیس گردید و بنای فرهنگ طالقان در سال ۱۳۰۶ با افتتاح دبستان چهار کلاسه بنام دبستان سعادت در دهکده سفچخانی بی ریزی شد و در سال ۱۳۰۹ به شهرک (مرکز بخش) منتقل گردید و آمار سازمانهای فرهنگی این بخش در سال ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵ بصورت زیر گزارش داده شده :

۱- تعداد دبیرستان ۴ باب

۲- تعداد دبستان ۵۱ باب

۳- تعداد کلاسهای سپاه داشت ۱۲ باب

۴- کلاسهای سالمندان ۱۲ باب

۵- جمع داشت آموزان دبستانها و کلاسهای سپامد انش ۳۵۱۳ نفر.

این گزارش جمع دهات طالقان را ۷۳۱ قریه دانسته و ۱۲ دهه را فاقد دبستان

می‌کرد اما در باغداری و تا اندازه‌ای هم در پرورش دامها از روش جدید استقبال می‌گردد - ساختمانها و منازل مسکونی در گذشته غالباً از دوطبقه تشکیل می‌گردید طبقه‌زیرین جهت نگاهداری دامها اختصاص داده می‌شد ولی در حال حاضر این وضع که با بهداشت ساکنان خانه مناقات داشته متروک می‌گردد و با ایجاد بنای‌های جدید قیافه دهکده‌ها تغییر محسوسی نموده است . امتیازات متفاوتی که هم‌اکنون در میان ساکنین دهات دیده می‌شود بیشتر بگذشته مربوط است و این گذشته است که حال و آینده آنان را رهبری‌می‌کند و درافق فکری مردم دهکده پادهات نقش مؤثری را دارد است زیرا هر نسل از گذشته نسل پیشین بی خبر نیست، مزارع، تپه‌ها، گذرگاهها فضلهای مختلف زمینهای اطراف دهکده‌ها از گذشته سخن می‌کوید و در نام خود آنداستانها را بهمراه می‌کشاند هنوز مردم سوهان در مقیاسات ملکی خودکلمه (ذیوار) را بکار می‌برند و دیگران چارک می‌کویند^۱ .

دشنام یتیم که در بعضی از دهکده‌ها معمول است شنوونده را بیاد رشید الدین که این کلمه را در جامع التواریخ ضمن سرگذشت طرفداران حسن آوردۀ می‌اندازد آداب و رسوم و داستان شیرین عزیز و نگار^۲ نوع زندگی و طرز تفکر و ارتباط و تلاش‌های دیگر آنان را نشان می‌دهد همه پادگار بازمانده‌ایست که ذهن نسل معاصر را با گذشته پیوند می‌دهد. در

۱ - نگارنده لفتذیوار را در نسخه خطی مجلل بر کتاب تألیف محمدعلی دیشووند که جنگ‌های اندلس و بیشتر در وقایع مریوط برودبادر بود دیده است

۲ - این داستان که در طالقان به قلم و به شرکه‌رث دارد و بدینصورت نیز در سال ۱۳۲۵ در شهر رشت چاپ و اشاره یافت در بعضی از دهستانها بصورت منظوم دیده شده است (فرهنگ گیلکی ص ۱۶۳)

هرحال با احداث سد طالقان و ایجاد راههای ارتباطی بیشتر و استفاده از امکانات برای بالابردن محصول و افزودن بر میزان اراضی ذیر کشت و اکتشافات معادن و شیرین آینده بیشتری برای مردم این دهستان که استعداد مادی و معنوی آنان فراوان است امید می‌رود .

پایان

منابع این بخش

به ترتیبی که از آنها استفاده شده است

- ۱۳ - تاریخ گیتی کشا میرزا محمد صادق موسوی
- ۱۴ - وضۂ الصفا میر خواند
- ۱۵ - حفر افیای طالقان اعتمادالسلطنه
- ۱۶ - سیاحت نامه شاردن
- ۱۷ - تاریخ خانی علی بن شمس الدین لاهجی
- ۱۸ - آثار ایران (خطی) زکریا قزوینی
- ۱۹ - ماه اور موج (مصطفی خلیفه سلطانی)
- ۲۰ - تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ دکتر صفا
- ۲۱ - سبک‌شناسی ج ۱ ملک‌الشعراء بهار
- ۲۲ - تاریخ ادبیات ج ۲ جلال‌الدین همایی
- ۲۳ - مقدمه بر هان قاطع دکتر معین
- ۲۴ - ستن السیاحة زین‌الاعابین شیرازی
- ۲۵ - مقدمه ابن خندون عبدالرحمن بن خلدون
- ۲۶ - تاریخ مذاهب اسلام ابو منصور عبدالقاہر بغدادی
- ۲۷ - ترجمة تاریخ فتوح ائمّه کوفی
- ۲۸ - مجالس المؤمنین قاضی نور‌الله شوشتری
- ۲۹ - مجله وحدت سال اول شماره دوم فردوسی
- ۳۰ - شاهنامه ج ۱ اسماعیل بن احمد نوری
- ۳۱ - کفاية المودعین حمدالله مستوفی
- ۳۲ - تاریخ گزیده

- ۱ - تاریخ طبرستان مرعشی
- ۲ - تاریخ رویان اولیاء الله آملی
- ۳ - تاریخ گیلان و دیلمستان مرعشی
- ۴ - سازمان اداری صفویه مینورسکی
- ۵ - مالک‌الکوزار عذر ایران ان - ل - س - لمیتون اعتمادالسلطنه
- ۶ - علیرضا الحان
- ۷ - انقلاب مشروطیت و ریشه‌های اقتصادی
- ۸ - اندیون اجتماعی آن
- ۹ - پادیوج و تربا - س - ایران‌سکی اعتمادالسلطنه
- ۱۰ - قلاع اسماعیلیه دکتر منوچهر ستوده
- ۱۱ - تاریخ گیلان عبدالفتاح فوئی
- ۱۲ - احسن التواریخ حسن روملو
- ۱۳ - جامع التواریخ رشید‌الدین فضل‌الله همدانی

تاریخ طالقان

- | | |
|----|--|
| ۳۳ | محمدعلی ریشوند |
| ۳۴ | فرهنگ گلکی |
| ۳۵ | ابراهیم نیموری |
| ۳۶ | تاریخ صداسه ایران اعظام وزارت |
| ۳۷ | تذکرۀ جغرافیای |
| ۳۸ | تاریخی ایران بارتل |
| ۳۹ | مکتب‌های سیاسی بهاء الدین بازارگار |
| ۴۰ | ساختنامه ابراهیم یک ابراهیم یک
راهنمای کتاب مقاله دکتر منوچهر ستوده |

حواشی و تعلیقات

در هنگام چاپ کتاب حاضر دست یافتن بجند فرمان و اطلاعات برآکنده دیگر از تواریخ طالقان و حادثه مرگ جلال‌آل‌احمد موجب گردید که قسمتی نیز آن پس از گردد و باد داشتهای بعدی تازه‌مان چاپ آخرین برگهای کتاب در اختیار خوانندگان قرار گیرد.

بخش اول - تاریخ طالقان - ص ۴۰ سطر ۷ دو فرمان دیگر در باره پخشیدن سیورسات سوهان بفرزندان امیر کمال الدین بدست آمده که ذیلاً نقل می‌گردد.

هه

الملک لله

اللهم صن على النبي والوصي والبتول والسبطين والسجاد والباقي
والصادق والكاظم والرضا والنقي والنقى والزكي والمهدى
بناده شاه ولايت عباس

فرمان همایون شد آنکه چون مبلغ خصم از بابت مالوجهات فریه سوهان طالقان س به آب سیور غال سیادت پناه مر حوم امیر محمود طالقانی و اولاد او مقرر شد ^{بود} آن از سیور غال قطع شده تیول غلام خاصه شریقه مقرر

شده بود و در معامله پارس ظیل که نواب همایون ما بنفس نفس تحقیق سیورغالات الکاء مذکور میفرمودیم مبلغ مذکور را ... از تیول تغیر داده بدستور سابق سیورغال مشارالیه واولاد شفت فرموده بودیم در ... بعرض رسید که سیادت بناء مشارالیه بجوار رحمت پیوسته بنابر ازدیاد مواد شفت و عنایت شاهانه در باره اولاد سیادت بناء مرحوم موهی الیه مبلغ مذکور را ... سیورغال ابدی و احسان سرمهدی ایشان عنایت و مرحتم فرموده ارزانی داشتیم مستوفیان عظام دیوان اعلیٰ رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده واژ شائبه تغیر و تبدیل مصون و محروس شناسند رعایا قریب مذکور اولاد مرحوم هزبور را صاحب سیورغال خود دانسته سال بسال مالوجهات و حقوق دیوانی خود را موافق معمول و مأخذ آنولایت بدانشحال حوالت واصل سادات مذکور ساخته چیزی موقوف ندارند اغورلو بیک غلام خاصه شریفه حسب المسطور مقرر دانسته مدخل در قریب هزبور ننماید واژ شکایت که موجب باز خواست است در این باب قدغن دانسته از فرموده مرکنند و هرساله حکم مجدد نطلبند تحریر آفی شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۱۱

آنکه چون مستوفیان عظام تصدیق نموده که مبلغ از بابت ما لوجهات قریب سوهان طالقان بموجب بر اوجهه که بتاریخ شهر ذی حجه سنه ۱۰۴۱ بر طبق عرض واستدعای امیر محمد صفی و امیر عبدالکریم و سایر اولاد میر محمود طالقانی بامضاء نواب سنان فردوس مکانی صادرشد دروجه سیورغال اولاد میر محمود مقرر شد راینمود سیادت و عزت بناهان میر قاضی و میر یوسف ولدان میرصفی و امیر قوام الدین حسین ولد امیر عبدالکریم و سایر اولاد مشارالیه هم هزبوران آمدند استدعاء امعناء نواب

همایون نمودند، سیادت وحدارت بناء هدایت و نجابت دستگاه و نقابت و افاقت انتبه عالی بجاه اسازم هاجران بنها ناسیاده و اسدیاده و ایجاده والنجابه والاقبال هیرزا ابو صالح الرضوی حدر ممالک دیوان تجویز نموده بنابرین شفت بیغايات شامل حال اولاد مذکور امیر محمود مذکور فرموده مبلغ از بابت مالوجهات و وجهات قریب سوهان طالقان سیورغال این و ایشان از زانی داشتیم مستوفیان عظام رقم این عطیه رادر دفاتر خود ثبت نموده تغیر و تبدیل بقواعد آن راه ندهند و این عارفه رادر باره ایشان مخلدو بر دوام داشته راز شائبه تغیر و تبدیل مصون و محروس شناسند رعایا و هزار عی قریب هزبور اولاد هزبور را صاحب سیورغال خود دانسته سال بسال مالوجهات و حقوق دیوانی خود را موافق معمول الکاء مذکور دانسته روزه ایشان را متوافق معمول و مأخذ آنولایت بدانشحال حوالت کنند بلکه یکدینار و موقوف ندارند حکام کرام و تیولداران و کلانتران الکاء هزبور بخلاف حکم و حساب مدخل در محل سیورغال ایشان سیورغال تدم کوتاه کشیده دارند و بعلت آخر اجاجات و عوارضات و علیقه و تلویه و مخدوش والاغ والام و مکار و شکار و طرح و دست انداز و پیشکشی و سلامانه و عیدی و نوروزی طلب و توقعی از محل سیورغال ایشان ننمایند از سلطانی هرساله حکم مجدد نطلبند حرم الحرام سنه ۱۰۷۸

بخش دوم - جغرافیای طالقان - ص ۷۷ - سطر ۸ - طالقان که با اعمالی طالخان و تالقان و تالخون و طلقون و غیره دیده شده است واژه‌های مختلف آن بمعانی گوناگونی نیز اطلاقی گردد - واژ آنجلمه نوعی پارچه - باسود و تحصیلکرده^۱ هفت جوش که عبارت از آلیاز هفت فلز می‌باشد و عبارتند از طلا و نقره و مس و قلع و سرب و آهن و روی و واژه طالقانیه نام یکی از فرق اسلامی و اسم ناحیه‌ای در منطقه نفوذ آل قارن که سفرسنه از هرمذ آباد فاصله داشت بوده است^۲

هر هشت جنگل نام چندین دیگر از مجاهدان طالقانی به جسم می‌خورد که از جمله آنها عبارتند از عبدالله خان کربودی - میرزا ابراهیم نسانی استاد کامران گورانی - حاجی نظرعلی طالقانی - شخص اخیر موجب بیوستن امیر اسد تقابنی بندهست جنگل بوده است^۳

ابوالفضل بن علی بن هاشم طالقانی معروف به عنقا - ازوی رسالت‌های بنام حقایق المناقب و اشارات الحسینیه باقی مانده است که تاریخ تالیف آن سال ۱۳۱۴ق است و محتوی قصائض غزلیاتی است درمناقب خاندان رسالت و مباحث غرقانی^۴

۱ - این معنی در میان مردم دهستانهای شمال ایران معمول بوده است

۲ - مازیله - صادق هدایت ص ۶۷ و ۶۹

۳ - سرمه جنگل چاهه‌های قم ص ۹۲

۴ - فهرست نسخ خلیل کتابخانه ملی ج ۱ ص ۲۷۳

جلال آل احمد

در سال ۱۳۰۲ بدنبال آمد نویسنده‌ای چیره‌دست و جامعه شناس و انسان‌دوست و دلیر بود و با زندگی مردم زمان خود آشنائی کامل داشت و بکشودهای اروپائی و همچنین بزرگین آمریکا و شوروی و اسرائیل و ممالک عربی مسافرت نمود و در دوره نسبتاً کوتاه زندگی آثار فراوانی بیاد گارد گذاشته است تا جایی که گفته‌اند زندگی برای جلال آل احمد (دیدن بود و نوشتن) آثار مهم جلال عبارتند از :

۱ - اورازان ۲ - تات‌نشین‌های بلوزه را^۱ - درینیم خلیج یا جزیره خارک^۲ - دید و باز دید^۳ - از رنجی که می‌برم^۴ - سه قار^۵ - زن‌زیادی^۶ - سر گذشت کندوها^۷ - مدیر مدرسه^۸ - نون والقلم^۹ - نفرین زمین^{۱۰} - خسی در میقات^{۱۱} - هفت مقاله^{۱۲} - سه مقاله دیگر^{۱۳} - غرب زدگی^{۱۴} - ارزیابی شتابزده^{۱۵} - کار نامحدود ساله^{۱۶} - روشنفکران. ترجمه آثار ادبی اروپائی آنچه را که تاکنون از آل احمد چاپ گردیده عبارتنداز:

۱ - قصار باز داستایوسکی - ۲ - بیگانه‌ای بر کامو (با اصغر خبر دزارد)

۳ - سوء تفاهم البر کامو - ۴ - دست‌بای آلوود زان بل سارتر - ۵ - بازگشت از شوری اندده‌زید - ۶ - مانده‌های زمین اندده‌زید (با پرویز داریوش) - ۷ -

کرگدن اوزن **مونسکو ۸** - عبود از خط یونکر (با محمود هومن)
 جلال از زیست خانواده روحانی بدنیا آمد.
 پدر و برادرش نیاز از روحانیون بنام عصر خود بودنداما اوراهدیگری
 را برای هداخت خدمت بجامعه انتخاب کرد و در سالهای اخیر علاقه
 فراوانی بزادگاه اجدادی خویش پیدا نمود و برای آبادانی او را زان دست
 باقی امامت جدی زد که متأسفانه اجل مهلتش نداد.

آل احمد که بزندگی ساده عارفه داشت در سالهای اخیر با غریبی
 در اسلام‌آباد زن تهیه دیده بود و گاه در آنجا زندگی می‌نمود در ۱۳۴۷
 در همان باعث درگذشت و در شهر ری مسجد فیروز آبادی بخاک سپرده شد.



آثار دیگر مؤلف

- ۱ - دانشنامه کاره منتشر مدر سال ۱۳۴۲
- ۲ - برگی از تاریخ سیاسی اسلام چاپ دوم ۱۳۴۳
- ۳ - آکاهیها درباره تاریخ گیلان (وقف نامه ها و فرامین)
- ۴ - آموزش دینی از آغاز تا عصر حاضر
- ۵ - پیکار با یسوسادی در اسلام - از انتشارات کمیته ملی پیکار با یسوسادی گیلان .
- ۶ - جنبش های ملی پیکار با یسوسادی در ایران - از انتشارات کمیته ملی پیکار با یسوسادی در گیلان
- ۷ - سرگذشت غم انگیز زن در تاریخ
- ۸ - دهکده های ایران
- ۹ - بشر گرانی . آینده دین یادین آینده گان
- ۱۰ - مقدمه های برآموزش دینی (زیر چاپ)